

گزارش «شهرامید» از کمپین ساخت و تجهیز کتابخانه‌های روستایی

پیشکش مهربانی پیش از مهر

گفت‌وگوی «شهرامید»
بامهین دخت پروین،
خیر شاخص خیریه رعد:
**بازنشسته
شدم اما
در خانه
نماندم**



اولین رسانه تخصصی خیریه‌ها

هفته‌نامه

سال اول | شماره ۱۷

دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۵

ذی‌الحجه ۱۴۳۷ | Sep 2016

۱۶ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

نگاهی به زندگی عظیم برمجی، کار آفرین و نیکوکار هندی

استیو جابز شبه‌قاره

یهرام کلهر نیادر گفت‌وگو با «شهر امید» مطرح کرد:

باید در پیچه‌های امید را به روی مردم باز کرد

آنگونه که یاری می‌کنی، یاری می‌شوی

کلیک کن، کمک کن!

✓ یک دنیای رنگی اما یک دنیای پر مسئولیت است. دنیای مجازی که نام رو سردر ش هست و در صفحه‌های مجازی اش، «باری» صدای پرنده‌ها، صدای امید و بوی خوش آشنایی و مهربانی می‌آید. جایی هست که می‌شود آدم نیت‌های مهربانه‌اش را برای انسان دوستی و مهربانی با خود ببرد و صفحه به صفحه‌اش را بگردد. مهربانی و یاری را انتخاب کند و بعد یکی باشد از چند صد و شاید چند هزار نفری که با کمک‌های از راه دور که حالا به واسطه فرصت‌های دنیای مجازی و بانک‌های اینترنتی آسان شده‌اند انسانی را از سختی و تنگدستی رها کرده باشند.

هر جا که هستی، پشت سیستم کامپیوترت یا در دنیای مجازی که گوشی‌های هوشمند برای ما ساخته‌اند، از همان جایی توانی کلیک کنی و چند دقیقه بعد گری از کار یک نیازمندی باز کرده باشی، نمی‌شود؟ باور نمی‌کنی؟

در دنیایی که زندگی آدم‌ها دو نیمه شده، نیمی در دنیای حقیقی و نیمی در دنیای مجازی، خیران و فعالان اجتماعی همه توانشان را برای استفاده از فناوری‌های روز در مسیر کمک‌رسانی و نیکوکاری به کار گرفته‌اند. شاید از نظر شما که در ایران زندگی می‌کنید هنوز امکان مشارکت در امور خیریه به صورت آنلاین فراهم نشده باشد اما اگر «سامانه باری شهر امید» را در گوگل سرچ کنید، نظرتان را تغییر می‌دهید.

این سامانه که چند ماهی است رسماً در ایران آغاز به کار کرده، تلاشی داوطلبانه از سوی خیران و نیکوکاران برای راه‌اندازی یک پایگاه جامع کمک‌رسانی به نیازمندان در ایران است. اگر چه در دیگر کشورها کمپین‌ها و سایت‌هایی که مرتبط با موضوع خیریه فعالیت می‌کنند، پیش از این به راه افتاده اما در ایران این نخستین بار است که یک سامانه جامع با قابلیت‌های متنوع و زمینه‌های موضوعی طبقه بندی شده از نیازمندی‌ها فعالیت می‌کند و این امکان را به خیران می‌دهد تا با شناسایی نیازمندان به تفکیک موضوع برای کمک به آنها و رفع نیازشان بکوشند.

سامانه باری به نشانی <http://yari.shahromid.org> همان جایی است که می‌شود با چند کلیک به دنیای نیکوکاری و مهربانی متصل شد.

سامانه باری شهر امید، با طبقه‌بندی نیازمندی‌ها شکل تازه‌ای از فعالیت‌های نیکوکارانه را با استفاده از مدرن‌ترین فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در اختیار مخاطبان، نیکوکاران و فعالان اجتماعی قرار داده است. طبقه بندی موضوعی از نیازمندی‌ها به صورت طبقه‌بندی شش‌گانه که هر یک از آنها زیر شاخه‌های تخصصی تعریف شده دیگری هم دارند، این امکان را به شما می‌دهد تا بخشی از درآمدی را که برای صرف در امور خیریه کنار گذاشته‌اید با شناسایی نیازمندان واقعی که درخواست آنها پیش از این توسط مددکاران خیریه شهر امید نیکان، راستی‌آزمایی و پس از آن در این سامانه ثبت شده، صرف کنید.

ادامه صفحه ۸ ➞

۱۴

شکست خوردم اما قوی تر پیش رفتم

۱۳

رهایی از قحطی

۱۲

آنان که خود را وقف کردند

۱۰

لحظه‌های به یادماندنی ریو

۹

خیران کوچک

۶

گیاه خواری مفید است یا زیان بار؟

گزارش

جشنواره غذای خیریه «شهرامید» در پارک ملت برگزار شد

غذاهایی با طعم مهربانی

● مریم روستایی ●

جشنواره بزرگ غذای خیریه شهرامید پنجشنبه، یازدهم شهریور در پارک ملت تهران برگزار شد. عواید این جشنواره صرف خرید کیف مدرسه و لوازم التحریر برای کودکانی می‌شود که در آستانه ماه مهر نیازمند کمک و همراهی نیکوکاران هستند

«عالیه جواهری»، دبیر جشنواره غذا هدف از برگزاری این جشنواره را ترویج مصرف غذای سالم، کاهش مصرف غذای آماده و فست‌فودها و تاکید بر نقش مهم تغذیه در سلامت خانواده و جامعه اعلام کرد و گفت: درآمد حاصل از آن صرف امور خیر و کمک به خانواده‌های نیازمند می‌شود.

او اضافه کرد: این جشنواره که از این پس پنج شنبه‌ها و به صورت متوالی در پارک ملت برگزار خواهد شد، فرصتی برای مشارکت مردم نیکوکار برای کمک به کودکانی است که والدین آنها توان تهیه لوازم مورد نیاز برای شروع سال تحصیلی را ندارند یا بی‌سرپرست و بدسرپرست هستند. سال گذشته هم طرح کوله پشتی مهر به اجرا گذاشته شد.

جواهری در مورد علت برپایی این جشنواره در پارک ملت گفت: پارک ملت یک پارک فرامنطقه‌ای است و حضور گسترده خانواده‌ها فرصت مناسبی را به

منظور انجام این گونه جشنواره‌ها فراهم می‌کند. ما با همکاری و همیاری مسئولان منطقه ۳ توانستیم این جشنواره را در پارک ملت برگزار کنیم. حضور مردم و استقبال خانواده‌ها از غذاهای خانگی بسیار خوب بود و بیشتر غرفه‌داران غذاهاشان تمام شده است.

به جمعیت پیوستیم و نظراتشان را در مورد این حرکت خیر پرسیدیم. جمعیتی که آرام از کنار غرفه‌های می‌گذشتند و غذا می‌خریدند. بیشتر افراد علت خریدشان را صرف‌ای برای کمک بیان می‌کردند مانند مرد میانسالی که گفت: من به علت بیماری نمی‌توانم از این غذاهای متنوع استفاده کنم اما برای کمک به خیریه و به نیت اهدای غذا به نیازمندان خرید کردم. خانم جوانی تعداد زیادی ساندویچ فلافل خرید و آن را بین بچه‌های فال فروش سطح پارک تقسیم کرد.

از غرفه‌داران در مورد استقبال مردم از این جشنواره سوال کردم، زنی که در یکی از ظرف‌هایش را به نشانه تمام شدن غذا بسته بود گفت: استقبال مردم خوب بود، مردم با خرید از این جشنواره یک تیر و دو نشان می‌زنند، هم از غذاها استفاده می‌کنند هم باقیات‌الصالحاتی برایشان خواهد بود.

در همین زمان توجهم به دو مرد کارگر جلب شد که جلوی غرفه کناری ایستاده بودند و یسدون اینکه پولی پرداخت کنند دو کاسه آش گرفتند، زن غرفه‌دار گفت: چند دقیقه‌ای ایستاده بودند و یکی از آنها پول‌هایش را شمرد و به دوستش گفت برویم پولمان نمی‌رسد، من سهم خودم را به نیت خیرات شب جمعه به آنها بخشیدم و غذای رایگان به آنها دادم البته سهم خیریه را هم پرداخت کردم.

در میان بازدیدکننده‌ها سه توریست هم حضور داشتند، با اشاره دست از خانم غرفه‌دار سه پیراشکی گوشت می‌خواستند و با اشاره انگشتان دست در مورد قیمت غذا صحبت می‌کردند. به سراغشان رفتم و متوجه شدم که ایتالیایی هستند. در مورد خیریه بودن این جشنواره برایشان گفتم، گفتند: می‌دانستیم که خیریه است و به همین دلیل غذا خریدیم. در کشور ما معمولاً این گونه جشنواره‌ها به صورت سازماندهی شده و توسط نهادهای دولتی برگزار می‌شود؛ جشنواره‌های خیریه برای کمک به نیازمندان عمدتاً توسط گروه‌های مذهبی مستقر در واتیکان برپا می‌شود. این جشنواره هفته آینده هم از ساعت عصر ۸ تا شب با همراهی گروه آوای شهر امید، در همین مکان برپا می‌شود.



➤ ۸۵ درصد هزینه‌های درمان ناباروری بیمه شد

دکتر «محمد آقاجانی»، معاون درمان وزارت بهداشت گفت: خدمات تشخیصی، درمانی ناباروری تحت پوشش وزارت بهداشت قرار می‌گیرد و ما ۸۵ درصد هزینه‌های آن را در مراکز دولتی می‌پردازیم. معاون درمان وزارت بهداشت مهم‌ترین مشکل مردم در زمینه پرداخت هزینه‌های درمان دانست و میزبان خانوارهایی که به دلیل هزینه‌های درمان زیر خط فقر می‌رفتند را هفت درصد اعلام کرد. آقاجانی از اعتبار ۱۰۵ میلیاردی این برنامه خبر داد: در حال حاضر دو میلیون زوج نابارور این امکان را دارند که با توجه به نیازهای درمانی‌شان و ظرفیت مراکز ما از این برنامه استفاده کنند. او ادامه داد: در عین حال باید توجه کرد که خدمات ناباروری شامل خدمات دارویی و خدمات تشخیصی - درمانی است که ما خدمات تشخیصی، درمانی آن را پوشش می‌دهیم. البته برخی داروهای درمان ناباروری از سوی سازمان غذا و دارو یا سازمان‌های بیمه گر پوشش داده می‌شود که البته کامل نیست، اما آنچه زوج‌ها را اذیت می‌کرد خدمات تشخیصی و درمانی بود. در قالب این برنامه ما ۸۵ درصد هزینه‌های تشخیصی - درمانی ناباروری را پوشش می‌دهیم، یعنی مثلاً به‌ازای یک IVF یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان یارانه می‌دهیم و چیزی حدود ۳۰۰ هزار تومان را هم بیماران پرداخت می‌کنند. این در حالیست که در گذشته کل هزینه را مردم می‌دادند. البته این تعرفه دولتی است یعنی اگر به مرکز دولتی یا خصوصی طرف قرارداد با دانشگاه مراجعه شود این هزینه به زوج‌ها پرداخت می‌شوند و هر خدمت نیز تا سه نوبت تحت پوشش قرار می‌گیرد.



سال اول | شماره هفدهم | شهریور ماه ۱۳۹۵ | خرداد ۱۴۲۷ | Sep 2016

کلیک + پرداخت = لبخند + امید

سامانه یاری، مرجعی برای خیران و فعالان اجتماعی

<http://yari.shahromid.org/>

کمک‌های آموزشی، درمانی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و ...

کمک هزینه مسکن

موسسه خیریه یونس حامی ری | ۵۵۱۸۶۴۷

مراجعه کننده بی سرپرست به علت فوت همسر دارای ۲ فرزند ۱ و ۹ ساله است او پس از فوت همسر بی خانمان شده و به شدت در فقر به سر میبرد.

نیازمندی: کمک هزینه تهیه مسکن تا سقف ۵ میلیون

جهیزیه و آزادی زندانی

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

آقای «م.ح» ۵۲ ساله، مستاجر، دارای ۲ فرزند، به دلیل عدم امکانات و نداشتن هزینه رفت و آمد فرزندانشان ترک تحصیل کرده است و نیازمند کمک هزینه برای اتمام تحصیلی می باشد.

نیازمندی: کمک هزینه تحصیلی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/137>

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «خ» ۸۸ ساله، به دلیل فوت همسر سرپرست خانواده و از افراد تحت پوشش خیریه شهر امید نیکان بوده اند و طی یک ماه پیش فوت کرده اند، دو فرزند دارند که یتیم شده اند، فرزند دختر ایشان عقد کرده است و قادر به تهیه جهیزیه نیست از شما خیران نیکوکار درخواست کمک دارند.

نیازمندی: تهیه جهیزیه به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/128>

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «خ.ق» ۴۸ ساله، به علت فوت همسر سرپرستی خانواده را بر عهده دارد و دارای دو فرزند پسر ۱۳ و ۲۲ ساله است، ایشان مبتلا به بیماری رماتیسم مفصلی می باشند. و قادر به کار کردن نیستند پسر بزرگ ایشان عقد کرده است و ایشان قادر به تامین هزینه های زندگی و ازدواج فرزند خود نمی باشد. از شما خیران عزیز تقاضای کمک دارند.

نیازمندی: کمک هزینه ازدواج به مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/95>

کمیته امداد امام منطقه ۷ | ۸۸۸۲۱۳۳

«مریم.ط» دختر نو عروسی که به دلیل شرایط نامساعد مالی توانایی تهیه جهیزیه و رفتن به خانه بخت را ندارد.

نیازمندی: کمک هزینه جهیزیه

تهیه خوراک و پوشاک

بهزیستی شهدای انقلاب | ۳۳۱۷۷۹۴۹

بیمار معلول ذهنی همراه خواهرش و همسرشان در یک خانه اجاره ای که وسایل زندگی (یخچال و گاز و ...) ندارند و پرداخت اجاره بها برایشان سنگین است زندگی می کنند.

نیازمندی: کمک هزینه معیشتی

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «ن.ح» به علت جدایی از همسر سرپرستی دختر ۱۴ ساله اش را بر عهده دارد و همچنین از پدر مسن اش نیز نگهداری می کند، منبع تامین درآمد ایشان نظافت منزل و یارانه است که کفاف زندگی را نمی دهد این خانواده در یکی از مناطق محروم تهران در زیرزمینی زندگی می کنند، پدرشان به بیماری دیابت و خود ایشان به بیماری آسم مبتلا هستند، نیاز به وسایل زندگی از قبیل تلویزیون، جارو برقی و ماشین لباسشویی دارند.

نیازمندی: کمک هزینه معیشتی به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/123>

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «م.ب» ۴۷ ساله، مستاجر، سرپرست خانواده به علت طلاق، از پس هزینه های زندگی خود و فرزندانش بر نمی آید و نیازمند کمک هزینه برای مخارج زندگی می باشد و از شما خیرین نیکوکار تقاضای کمک دارند.

نیازمندی ها: کمک هزینه تامین خوراک و پوشاک و کمک هزینه معیشتی ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان
<http://yari.shahromid.org/subject/186>

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «ف.س» ۷۰ ساله، به علت فوت همسر سرپرستی ۲ فرزند را بر عهده دارد، سرپرست و دختر خانواده نابینای شدید دارند و با مشکلات مالی عدیده روبرو هستند و قادر به تامین هزینه های درمانی نیز نمی باشند و از دیگر نیازهای این خانواده تعمیرات اساسی سرویس بهداشتی و حمام است.

نیامندی ها: کمک هزینه معیشتی و تعمیرات سرویس بهداشتی و حمام به مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/132>

کمک هزینه درمان

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «ز.م» ۳۴ ساله، مستاجر، به علت فوت پدر و مادر به تنهایی زندگی می کنند، ایشان بیماری قلبی دارند و یکبار عمل قلب انجام داده اند و به دلیل اینکه ضربان قلبشان ضعیف شده است باید تا دو ماه آینده دوباره به پزشک مراجعه کنند که احتمالاً نیاز به عمل مجدد دارند، ۷۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می کنند به تنهایی توانایی پرداخت هزینه های زندگی را ندارند.

نیازمندی: کمک هزینه درمان ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/72>

خیریه شهر امید نیکان | ۸۸۰۰۴۶۴۷

خانم «ز.ک» به دلیل سوختگی همسر و از افتادگی ایشان سرپرستی خانواده را بر عهده دارد، فرزند ایشان پیوند استخوان انجام داده است و از پس هزینه های درمانی بر نمی آید و نیازمند کمک برای هزینه های درمانی می باشند.

نیازمندی: کمک هزینه درمان ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
<http://yari.shahromid.org/subject/136>

موسسه خیریه امدادگران عاشورا | ۲۲۳۳۵۸۸۱

«د.ز»، کودک ۹ ساله ای است که به دلیل ابتلا به بیماری کمبود هورمون رشد باید از آمپول نوردولیت استفاده کند. هزینه ۷ آمپول حدود ۵۰۰ هزار تومان و پدر کودک کارگر کفش دوزیست، آن ها در یک اتاق در منزل مادر همسر در جنوب ی ترین نقطه تهران زندگی می کنند.

نیازمندی: کمک هزینه درمان

خیریه محبان بقیه الله | ۲۲۳۳۵۸۸۱

خانم مطلقه، ۲ فرزند بیمار دارد، اجاره نشین در اطراف تهران هستند فاز نظر مالی شرایط مساعدی ندارند.

نیازمندی: کمک هزینه درمان فرزندان

خیریه بنیاد کودک | ۴۲۵۱۰

«سمیرا- ع» وضعیت سرپرست پدر مددجو فوت شده و سرپرستی آنها با مادرشان است این خانواده در یک منزل شخصی مخروبه زندگی می کنند که به شدت نیاز به بازسازی دارد که در سرواگرمادران بمانند

نیازمندی: هزینه تعمیر منزل به مبلغ ۱۵ میلیون تومان

خیریه بنیاد کودک | ۴۲۵۱۰

مددجو «سعید- ک» که به دلیل متار که والدین سرپرستی او با مادر است و در یک منزل استیجاری به سختی زندگی می کنند.

نیازمندی: کمک و دیعه مسکن ۵ میلیون تومان

با افتتاح حساب قرض الحسنه گره از کار نیازمندان باز کنیم



فیس بوک در پی گسترش فرهنگ اهدای اعضای بدن در جهان

فیس بوک امکانی در اختیار کاربران قرار داده تا اگر عضو سازمان های خیریه هستند اعضای بدنشان را پس از مرگ اهدا کنند فیس بوک که تلاش کرده در تحولات جهانی موثر باشد، تلاش می کند ساکنان کره زمین را به حمایت از زندگی ترغیب کند بر اساس آمار موسسه Donate Life America تنها در ایالات متحده آمریکا بیش از ۱۱۲ هزار نفر در لیست انتظار دریافت عضو هستند و روزانه ۱۸ نفر بر اثر کمبود عضو جان می دهند مارک زاکربریگ بنیان گذار فیس بوک، در گفت و گو با شبکه ABC گفت: «این ایده از گفت و گویی ساده با همسرش که پزشک متخصص اطفال است بر سر میز شام شکل گرفت.» همچنین دوستی زاکربریگ با استیو جابر، مدیر عامل فقیه کمپانی ایل که با پیوند کبد توانست سال ها بیش از آنچه پیش بینی می شد زندگی کند، او را در به عمل رساندن این ایده مصمم کرد او افزود: «تعداد زیادی از افراد پس از مرگ جابر انگیزه پیدا کردند تا اعضای بدنشان را بعد از مرگ اهدا کنند. هدف فیس بوک، ارتباط گیری و قصه گوینی است. کاربران می توانند به آگاهی رسانی درباره اهمیت اهدای اعضا کمک کنند تا مشکل کمبود اهدای عضو حل شود.»



سال اول | شماره هفدهم | شهریور ماه ۱۳۹۵ | خرداد ماه ۱۳۹۶ | Sep 2016

زندگی دشوار بی خانمان هادر آلمان



حدود نیمی از بی خانمان هایی که در خانه ها و مجتمع های مسکونی اقامت می کنند، به لحاظ روحی بیمارند و شرایط آن ها بسیار بغرنج است. بسیاری از آن ها تحصیل نکرده و هیچ دوره آموزشی ندیده اند. بخت آن ها برای داشتن یک زندگی مستقل همراه با خانه و کار بسیار کم است. آماری رسمی در مورد تعداد بی خانمانان در آلمان وجود ندارد. تنها سازمان های خیریه هستند که هر سال آماری تخمینی درباره تعداد کسانی که با می بر سر ندارند، منتشر می کنند. اکنون این سازمان ها از ۴۱۰ هزار بی خانمان در آلمان سخن می گویند. بیش از نیمی از این عده، یعنی ۵۵ درصد مرد هستند. حدود یک چهارمشان، یعنی ۲۳ درصد آن ها زنند و کودکان و نوجوانان نیز تقریباً یک چهارم دیگر بی خانمان ها را تشکیل می دهند. شمار این افراد در کشورهای دیگر اروپایی نیز حدوداً شبیه آلمان است. مثلاً در بریتانیا تعداد این افراد را حدود ۴۰۰ هزار نفر می دانند. این انسان ها در آلمان، چگونه و از چه راهی زندگی شان را می گذرانند؟ انجمن های بسیاری مسئولیت رسیدگی به وضعیت دشوار بی خانمانان، مثلاً تغذیه آن ها را به عهده گرفته اند. در برلین یک انجمن کاتولیک به نام Mariengemeinde که از سال ۱۹۹۳ به پخش سوپ گرم میان گرسنگان بی خانمان مشغول است، در گزارشی به خاطر دهمین سالگرد فعالیتش، اعلام کرده است که از ده سال پیش تاکنون، صد هزار وعده غذای گرم میان فقرای بی خانمان تقسیم کرده است.

ساعت یازده صبح است. چند بی خانمان در برابر آشپزخانه سازمان خیریه کاتولیک ها، کاریتاس Caritas، در شهر بن صف کشیده اند. آن ها می توانند با پرداخت ۵۰ سنت، یعنی نیم یورو، یک وعده غذای گرم بخورند. بیشترشان مردند. انگلیکاهایلیگر که مددکار اجتماعی و از کارکنان کاریتاس است می گوید: «زن ها طور دیگری مسائلشون رو حل می کنند. اما تعداد زنانی بی خانمان داره به تدریج زیاد می شه. ۲۰ سال پیش که کارم رو شروع کردم، زن ها چهار درصد بی خانمان ها رو تشکیل می دادند، اما امروز تعدادشون به بیست درصد رسیده. اونامی توندن پیش دوست، آشنا یا بقیه اعضای خانواده پناهگاهی پیدا کنند. اونامثل مردها کارشون به خوابیدن توی خیابون نمی کشه.»

حتی در کشور ثروتمندی چون آلمان نیز که در آن به تأمین اجتماعی اعضای جامعه توجه می شود، شمار افرادی بی خانمان بسیار است. مرد فلسطینی ۳۱ ساله ای، یازده سال پیش به آلمان آمده است، به امید اینکه بتواند زندگی بهتری برای خودش بسازد اما آپارتمانی که اجاره کرده را به زودی از دست می دهد. او می گوید: «زنم طلاق دادم. شاغل بودم، ولی به خاطر مشکلی که داشتم از کار اخراج شدم سه ساله که بیکارم. از دولت حقوق بیکاری می گیرم. هنوز دنبال پیدا کردن کار هستم. اما سه ماهه که نتونستم اجاره خونه رو بدم.»

در آلمان قانونی وجود دارد که دولت باید به شهروندی که به هر علت در تنگنای مالی قرار می گیرد و وضعیتی اضطرابی دارد، کمک مالی کند. اداره تأمین اجتماعی آلمان به شهروندی که درآمدی ندارد یا درآمدش ناچیز است، مبلغی به عنوان کمک اجتماعی می پردازد. افزون بر پرداخت این مبلغ که حدود ۳۰۰ یورو برای لباس و غذاست، اجاره خانه هم از طرف دولت پرداخت می شود، البته تنها در صورتی که اجاره نامه ای وجود داشته باشد.

توماس ۴۶ ساله، از ۵ ماه پیش تاکنون بی خانمان است. او از مدت ها پیش کمک اجتماعی دریافت می کند. توماس می گوید: «دوره آشپزی دیدم، دیپلم دبیرستان دارم، چند ترم هم در دانشگاه در رشته پزشکی درس خوندم، اما ادامه ندادم چون از نظر مالی نمی کشیدم. بعد مشکلات خانوادگی پیدا کردم. وضع خوب نبود و اجاره خانه ای که توش زندگی می کردم بالا رفته بود و نمی توانستم بپردازم.»

در مجموع می توان گفت که حدود نیمی از بی خانمان هایی که در خانه ها و مجتمع های مسکونی اقامت می کنند، به لحاظ روحی بیمارند و شرایط آن ها بسیار بغرنج است و به سختی وارد جامعه می شوند. سازمان های خیریه معتقدند با وجود کمک هایی که سازمان های غیردولتی خیر و دولت به آن ها می کنند، بر تعداد بی خانمان ها افزوده می شود و در این میان تأمین مالی محل اقامت بی خانمان ها به خاطر گرانی عمومی در سطح جامعه دشوارتر می شود. این در حالی است که بسیاری از بی خانمان ها، امید بازگشت به زندگی عادی را هنوز در سر می پروراندند و محتاج کمکند.



نگاهی به زندگی عظیم پرمجی، کارآفرین و نیکوکار هندی

استیو جابر شبه قاره

هشتم پرمجی، زمانی که عظیم به دنیا آمد، شرکت خانوادگی «محصولات هند غربی» را تأسیس کرد. عظیم از کودکی، مهارت های رهبری و ذکاوت مثال زدنی ای از خودش نشان می داد. او نه تنها در اجتماع مسلمانان، بلکه در مدرسه نیز شناخته شده بود و همواره توسط معلمش تشویق می شد

عظیم علاوه بر مدرسه، توسط پدرش نیز در قسمت های مختلف کسب و کار خانوادگی آموزش می دید، چون پدرش معتقد بود مدیریت شرکت روزی بر عهده او قرار خواهد گرفت. بعد از اتمام دبیرستان، عظیم به ایالات متحده رفت و تحصیل در رشته مهندسی برق را در دانشگاه استنفورد آغاز کرد و با اینکه مصمم بود تحصیلاتش را تمام کند اما مرگ پدرش باعث شد او به هندوستان بازگردد و مدیریت شرکت را بر عهده بگیرد. عظیم ۲۱ ساله در سال ۱۹۶۶ به کشورش بازگشت و تلاش

عظیم پرمجی اولین میلیاردر هندی است که به «تعهد به اتفاق» ملحق شده است، جنبشی که هدفش ترغیب و تشویق ثروتمندترین افراد دنیا به بخشیدن سهم بزرگی از ثروتشان به موسسات خیریه است. عظیم در مصاحبه های درباره پیوستنش به «تعهد به اتفاق» می گوید: «من باور دارم وظیفه اصلی ثروتمندان این است که تلاش کنند و جهان

بهتری برای نیازمندان بسازند.» عظیم در سال ۱۹۷۰ با یاسمین چینی از دواج کرد. او زنی مستقل و مصمم و در عین حال متشخص بود. یاسمین قبل از آشنایی با عظیم، به تنهایی در قاره اروپا سفر کرده بود، کاری که برای زنان هم سنش نامتعارف بود. پس از بازگشتش به هند در سال ۱۹۷۰، با عظیم ملاقات کرد و اندکی پس از آن ازدواج و هدایایشان را به موسسات خیریه اهدا کردند

کرد تمرکز شرکت را از تصفیه روغن های گیاهی به طراحی و توسعه وسایل الکتریکی معطوف کند

تشکیل خانواده و تحول در ویبرو او همچنین نام کمپانی را به ویبرو تغییر داد که مخفف نام اصلی آن بود. با مدیریت عظیم، ویبرو به شرکتی سودآور در عرصه های گوناگون تبدیل شد که به تولید و توسعه محصولات تازه می پرداخت، محصولاتی که پاسخگوی نیازهای جامعه در حال گذار هندوستان بودند.

عظیم در سال ۱۹۷۰ با یاسمین چینی از دواج کرد. او زنی مستقل و مصمم و در عین حال متشخص بود. یاسمین قبل از آشنایی با عظیم، به تنهایی در قاره اروپا سفر کرده بود، کاری که برای زنان هم سنش نامتعارف بود. پس از بازگشتش به هند در سال ۱۹۷۰، با عظیم ملاقات کرد و اندکی پس از آن ازدواج و هدایایشان را به موسسات خیریه اهدا کردند

عظیم پرمجی که به استیو جابر هند شهرت دارد، یک کارآفرین بزرگ هندی است که بیشتر اعتبارش را مدیون پایه گذاری کمپانی ویبرو، یکی از بزرگ ترین شرکت های برون سپاری و مشاوره تکنولوژی اطلاعات در دنیا است. عظیم این کمپانی را از یک شرکت تولید روغن تصفیه شده و روغن حیوانی و گیاهی به شرکتی سودآور در عرصه صنعت کامپیوتر متحول کرد. او در حال حاضر با بیش از ۱۸ میلیارد دلار سرمایه، یکی از ثروتمندترین افراد روی زمین بوده و رتبه چهل و سوم لیست مجله فوربز را به خود اختصاص داده است.

مردی تأثیرگذار با قلبی مهربان عظیم فردی ماهر و هوشمند است، به طوری که تا به حال دو بار به لیست صد قدرت تأثیرگذار دنیای مجله تایم راه یافته است. همچنین کمپانی او، عظیم را به یکی از رهبران دنیای نرم افزار، نه فقط در هند بلکه در جهان بدل کرده است. عظیم علاوه بر اینکه مردی قدرتمند در دنیای تجارت است، با تأسیس بنیاد عظیم پرمجی، یکی از بزرگ ترین موسسات خیریه هندوستان، خود را به عنوان فردی خیرخواه و انسان دوست نیز به جهانیان معرفی کرده است. عظیم به وسیله این بنیاد که تمرکزش بر ساختن جامعه ای انسانی پایدار و عادلانه از طریق فراهم کردن امکان آموزش و پرورش با کیفیت برای جوانان است، موفق شده دست هزاران جوان هندی را که در خطر افتادن به دام لوطج کج روی هستند بگیرد و به آن ها در ساختن آینده ای متفاوت یاری رساند. بعد از موفقیت و اثرگذاری چشمگیر بنیاد عظیم پرمجی، دانشگاه عظیم پرمجی نیز پایه گذاری شد که در حوزه های آموزش و توسعه فعالیت می کند. این دانشگاه از زمان تأسیس موفق شده با توسعه چندین برنامه و رشته مختلف، به لقا قادی در روش های آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی در مدارس به وجود آورد و روش های مدرن آموزش را در سراسر هند معرفی و پیاده سازی کند.

عظیم همچنین اولین میلیاردر هندی است که به «تعهد به اتفاق» ملحق شده است، جنبشی که هدفش ترغیب و تشویق ثروتمندترین افراد دنیا به بخشیدن سهم بزرگی از ثروتشان به موسسات خیریه است.

عظیم در مصاحبه های درباره پیوستنش به «تعهد به اتفاق» می گوید: «من باور دارم وظیفه اصلی ثروتمندان این است که تلاش کنند و جهان بهتری برای نیازمندان بسازند.»

سر آغاز زندگی خارق العاده و پر بار عظیم، بسیار ساده و معمولی است و به زمانی بازمی گردد که هندوستان مستعمره بریتانیا بود. عظیم در سال ۱۹۴۵ و هم زمان با پایان جنگ جهانی دوم در بمبئی به دنیا آمد. خانواده او از مسلمانان شیعه هند و گجراتی بودند. از آنجا که والدین عظیم مسلمانان معتقدی بودند، او در فضایی سنتی و اسلامی رشد کرد. پدرش، محمد



نهایت پاکیزگی





➔ **حضور هنرمندان در بازار چه خیریه آسایشگاه شهید بهشتی**
آسایشگاه شهید بهشتی مشهد، بازارچه خیریه‌ای با رویکرد فرهنگی، ورزشی و کودک و نوجوان برگزار کرد. در این بازارچه خیریه علاوه بر مردم و مسئولین محلی، علی کریمی و هنرمندان برجسته‌ای از جمله لیلا بلوکات، علی لهراسی، نعیمه نظام‌دوست، مرجانه گلچین، شراره رخام، فلور نظری، غزاله جزایری، الهام پاونزاد، حدیث فولادوند، حسن جوهرچی، علی صالحی، علی مسعودی، امیر نوری، مینا نوروژی، رضا ایرامنش، شهرام میرجلالی، فریده دریاج، زهرا سعیدی، زهرا اویسی، لیندا کیانی، آرام جعفری و مژده لواسانی نیز حضور داشتند. در این مراسم پیراهن تیم بایرن مونیخ علی کریمی به مبلغ ۱۴۰ میلیون تومان به فروش رسید و به این آسایشگاه هدیه شد. این آسایشگاه حدود ۲۸۰ کودک معلول، بی‌سرپرست یا بدسرپرست را تحت مراقبت و سرپرستی خود قرار داده است و حدود ۱۳۰۰ خانوار معلول نیز تحت حمایت این آسایشگاه قرار دارند.

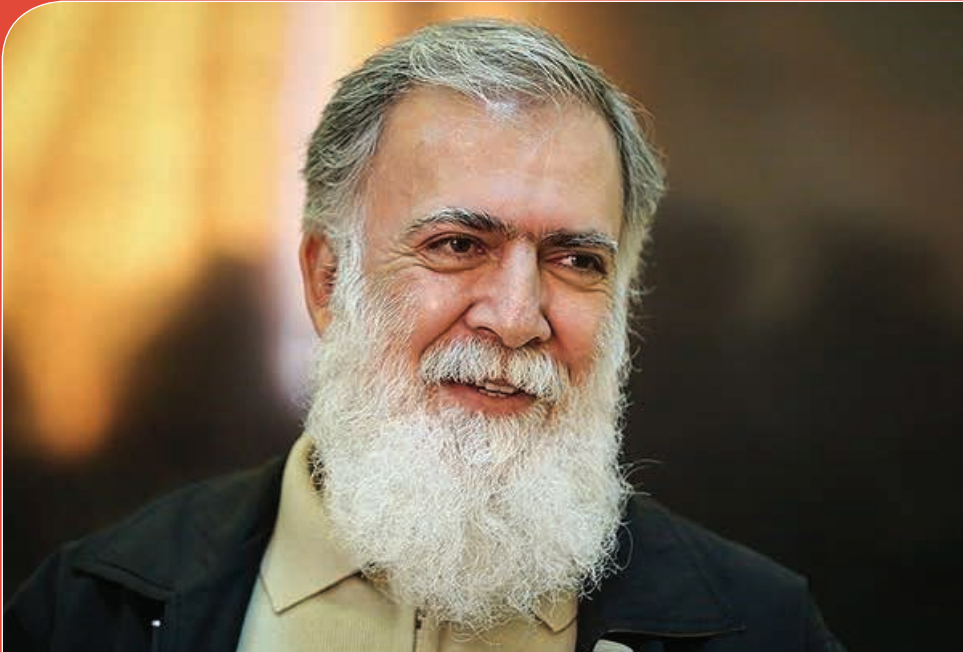


سال اول | شماره هفدهم | شهریورماه ۱۳۹۵ | خردادماه ۱۴۲۷ | Sep 2016

بهرام کلهر نیا در گفت‌وگو با «شهرامید» مطرح کرد:

باید در چیه‌های امید را به روی مردم باز کرد

وجود نشریه «شهرامید» می‌تواند چنین در چیه‌های را باز کند و هنرمندان را به سمت وسوی انسجام کارهای خیریه سوق دهد. مطمئناً تمام هنرمندان نیز از روندا ایجاد تفکر درست مدیریتی توسط این نشریه استقبال خواهند کرد. لذا من معتقدم که ما باید چند موسسه کلان خیریه داشته باشیم تا بتوانیم به شکلی کاملاً مدیریت شده‌وار در عرصه خیریه‌ها شویم و با استفاده از محبوبیت هنرمندان از حضور و کمک مردم بهره ببریم.



➔ **ظواهر منظور شما یک روند منسجم و تعریف شده در راستای جذب هنرمندان است، فکر می‌کنید چطور می‌توان این بخش را ایجاد کرد؟**

به نظر من باید رفتارهای خیر خواهانه هنرمندان را که گاهی به صورت انفرادی صورت می‌پذیرد، مدیریت کنیم و یک شکل سازماندهی شده اجتماعی به آن بدهیم، به این معنا که تفکر پشتیبانی را برای خیریه‌ها مدنظر قرار دهیم. این بسیار خوب است که بخشی از عواید هنرمندان با کارهای خیر تعلق می‌گیرد اما می‌توان این بخش‌ها را گسترده‌تر کرد. متأسفانه ما تا امروز سازمان نیرومند اجتماعی برای این بخش نداشتیم تا بتوانیم نهایت بهره‌وری را ببریم؛ این در حالی است که من معتقدم وجود نشریه «شهرامید» می‌تواند چنین در چیه‌ای را باز کند و هنرمندان را به سمت وسوی انسجام کارهای خیریه سوق دهد. مطمئناً تمام هنرمندان نیز از روند ایجاد تفکر درست مدیریتی توسط این نشریه استقبال خواهند کرد. لذا من معتقدم که ما باید چند موسسه کلان خیریه داشته باشیم تا بتوانیم به شکلی کاملاً مدیریت شده‌وار در عرصه خیریه‌ها شویم و با استفاده از محبوبیت هنرمندان از حضور و کمک مردم بهره ببریم.

➔ **فکر و ایده شما برای ارائه این خدمات دوجانبه که به آن اشاره کردید چیست؟**

حقیقت این است که جامعه به هنرمند به چشم یک فعال حوزه انسانی نگاه می‌کند، بنابراین یک هنرمند می‌تواند مشارکت مردم را جذب کند. در واقع هنرمندان هیچگاه از فعالیت در راستای کمک به خیریه‌ها و افراد مختلف مضایقه نکرده‌اند؛ پس خیریه‌ها می‌توانند با مدیریت درست مردم از طریق این هنرمندان جذب کنند. این تنها بخشی از کار در اجتماع می‌باشد که جامعه می‌تواند با پشتیبانی هنرمندان انجام دهد. در واقع این اتفاق جهانی است و در تمام دنیا سازمان‌های بزرگ نظیر یونیسف نیز از آن بهره‌مندی‌ها می‌گیرند. خیریه‌ها در عرصه کمک و خیریه‌ها از هنرمندان بهره‌مندی‌ها می‌گیرند که دیگر دنبال کرد.

بهرام کلهر نیا چهره شاخص عرصه هنر گرافیک کشور، معتقد است که راه اندازی نشریه «شهرامید» می‌تواند منجر به شکل‌گیری یک روند مدیریتی درست در عرصه خیریه‌ها برای جذب هنرمندان در جهت رشد و توسعه این بخش شود. وی که سال‌ها فعالیت هنری، تدریس و داوری جشنواره‌های مختلف را در کارنامه کاری خود دارد، معتقد است که خیریه‌ها و هنرمندان می‌توانند متقابلاً به یکدیگر کمک کنند تا هم‌سرابط و فضای توجه به خیریه‌ها در جامعه افزایش یابد و هم هنرمندان و آثار آن‌ها بیشتر دیده شوند و به فروش برسند. آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی این هنرمند دوست‌داشتنی با «شهرامید» است.

➔ **طی سال‌های اخیر هنرمندان بی‌شماری در عرصه تجسمی نمایشگاه‌هایی را راه اندازی کرده‌اند که بخشی از عواید آن به خیریه‌ها تعلق گرفته است. فکر می‌کنید این روند تا چه حد می‌تواند در رشد و توسعه این بخش هامونثر باشد؟**

من فکر می‌کنم در بدو امر باید به این مساله توجه داشته باشیم که اغلب هنرمندان کشور ما دچار مشکلات عدیده مالی هستند و این اخباری که مبنی بر قیمت‌های گزاف فروش تابلوهای برخی از هنرمندان منتشر می‌شود عموماً متعلق به دلال‌هاست که پول آن در جیب غیر هنرمندان می‌رود در حقیقت این فروش‌های آنچنانی تنها متعلق به لیست بسیار کوچکی از هنرمندان است و همانطور که در بالا گفتیم بخش مهمی از آن به جیب واسطه‌سازان می‌رسد. در این میان اما گروه بزرگی از هنرمندان هستند که به خاطر عشق به عرصه هنر و ارادین عرصه شده‌اند و به نوعی زندگی شخصی خود را فدای این بخش کرده‌اند. بنابراین من فکر می‌کنم در بدو امر خیریه‌ها باید به نوعی روی فرهنگ‌سازی مانور دهند تا هم هنرمندان دیده شوند و بتوانند به فروش مناسب دست یابند و هم خیریه‌ها بتوانند از آن منتفع شوند. الان هنرمندان استاد و پیشکسوتی وجود دارند که دچار بیماری و مشکلات عدیده هستند اما هیچ حمایتی نظیر باز نشستگی با بیمه و... ندارند. با وجود اینکه جامعه باید به این هنرمندان توجه کند اما متأسفانه هیچ نهاد یارگانی نیست که از آن‌ها حمایت کند. از طرفی به خاطر اینکه هنرمندان افراد رؤف‌القلبی هستند در بسیاری از موارد کارهای خیریه‌ها را سویی این گروه که اتفاقاً در آمد چندانی هم ندارند شکل می‌گیرد، در حالی که می‌توان این خدمات را به نوعی

نمایش درها و دیوارها



مکان: خانه هنرمندان - سالن استاد انتظامی
دوره اجرا: یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ -
چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۵
ساعت: ۲۱:۰۰
مدت: ۱ ساعت
بها: ۱۵۰۰۰ تومان
نویسنده: سیلوش باکره
کارگردان: بهار رضی‌زاده
بازیگران: (به ترتیب ورود به صحنه)
مرضیه بدرقه، مهدی حسینی‌نیا، شوکا کریمی

دانشجویان تمامی رشته‌های تحصیلی می‌توانند در طول اجرای نمایش با ارائه کارت دانشجویی از تسهیلات خرید بلیت با تخفیف ۵۰ درصد برخوردار شوند.

موضوع نمایش: نمایش درها و دیوارها، رابطه پرنوسان و متغیر یک خانواده سه نفره در قالبی رئالیستی و غیر رئالیستی و وهم‌آو می‌پردازد. قربانی شدن اعضای یک خانواده به خاطر شرایط تحمیل شده زندگی به آن‌ها شرایطی که باعث می‌شود هر عضو تصمیم‌هایی بگیرد که خود آگاهانه نیستند. این درحالی است که هر کدام از اعضای خانواده برداشت متفاوتی نسبت به واقعیت در حال جریان دارند. بنابراین نمی‌توان فهمید واقعیت چیست چه کسی تقصیر کار و چه کسی مصون از گناه است.

نشانی: خیابان طالقانی، خیابان شهید موسوی شمالی، ضلع جنوبی باغ هنر، بام‌خانه هنرمندان

تلفن: ۸۸۳۱۰۴۵۷ - ۸۸۳۱۰۴۵۸

نمایش کمدی من و نیل سایمون یهووی



مکان: تماشاخانه بازیگاه
دوره اجرا: یکشنبه ۰۷ شهریور ۱۳۹۵ - شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۵
ساعت: ۱۸:۳۰
مدت: ۱ ساعت
بها: ۱۵۰۰۰ تومان

نویسنده و کارگردان: سهراب رستمی
بازیگران: سهراب رستمی، جاوید حسلو، حسن همتی، امیر رضا جلالی، الهه ایرانی، فرشته محمدی، نهال دلزنده، فاطمه کریمی
موضوع نمایش: پیرزنی در حال کارگردانی متن پزشک نازنین نیل سایمون است که در این رابطه هیچ علمی ندارد و مورد غضب روح نیل سایمون قرار می‌گیرد و در پایان متوجه می‌شود که...

نشانی: میدان ولیعصر، بلوار کشاورز، بعد از خیابان فلسطین، خ کیکانیان، خ مرتضی‌زاده، پلاک ۱۲، طبقه ۴
تلفن: ۸۸۹۶۳۱۸۰

نمایش گاردونی



مکان: خانه‌نمایش دا
دوره اجرا: دوشنبه ۰۱ شهریور ۱۳۹۵ -
پنجشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۵
ساعت: ۱۸:۰۰
مدت: ۱ ساعت
بها: ۱۸۰۰۰ تومان
نویسنده و کارگردان: رضا فتح‌اللهی

بازیگر: رضا فتح‌اللهی
موضوع نمایش: نمایش گاردونی روایت تلخی از خاطرات بازیگری است که ۳ سال پیش خودش را فدای این جنایت کرد. من به عنوان کسی که امروز روی صحنه نفس می‌کشم، کاملاً آگاهانه اعتراف می‌کنم که خون بهای این نفس کشیدن را هنرمندانی چون ... داده‌اند. گاردونی مونولوگی است که به طنزی تلخ تبدیل شده و در اول قرار بود ۹ بازیگر در آن ایفای نقش و هر کدام ۴ کاراکتر را بازی کنند. سال‌ها تفکر و تمرین بدل شد به روایتی از یک نفر که در قالب ۴۸ نفر ایفای نقش می‌کند.

نشانی: میدان فاطمی، ابتدای شهید گمنام، خیابان جهانمهر، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۰۱۶۰۷۴

کنسرت گروه افتتاح



مکان: فرهنگسرای نیواران
- سالن خلیج فارس
زمان اجرا: یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۵
ساعت: ۲۱:۰۰
مدت: ۲ ساعت
بها: ۳۰۰۰۰ تومان
سرپرست گروه: رشید کاکاوند

اعضای گروه کوبه‌ای: بیتا ابراهیمی، نیلوفر رضایی
نگار نامی، رامین میرزایی، مجید علمدار، داریوش بابایی، محمد مسعود خلیلی، مهرشاد حاجی فرجی، بهزاد افشار

این کنسرت در دو بخش اجرا خواهد شد.
بخش اول: گروه نوازی سازهای کوبه‌ای افتتاح، کاری از رشید کاکاوند

بخش دوم: دنوازی تار و تنبک (دستگاه ماهور و آواز اصفهان) آهنگساز و نوازنده تار: وحید کاکاوند

نشانی: خیابان پاسداران، بعد از سه راه اقدسیه، روبه‌روی پارک نیواران، خیابان فرهنگسرا

تلفن: ۲۲۲۹۹۷۳۰ - ۲۲۲۸۷۰۸۱

دیدنی‌های هفته



درمان سرطان همراهی می‌خواهد
مشارکت در ساخت بیمارستان تخصصی سرطان با
شماره‌گیری * 7 3 3 * 6 4 #
شماره حساب ۶۶۴۶۴ بانک کشاورزی
دیگر با هر میزان می‌توان به جمع خیراندیش پیوست
www.aminane.ir





☛ قهرمان خیالپرداز ما

بله در این ساعت قهرمان ما هم که البته مثل همه آدم‌ها کاری دارد، همراه دیگران به راه می‌افتد به سرخی شفق که به آهستگی در آسمان سرد افق سن پترزبورگ رو به خاموشی است، با علاقه نگاه می‌کند. اما نه نگاه نمی‌کند بلکه غرق در خیال به آن چشم دوخته است طوری که انگاری ذهنش به چیز جالب‌تری مشغول است، طوری که گفتی جز با نگاه‌هایی کوتاه و ناخواسته به اطراف خود نمی‌پردازد، خوشحال است که تا روز بعد از کار نالدی‌دیرش فارغ شده است. ناستنکا از پهلوی نگاهش کنیده، فوراً می‌پنید که شادی بر اعصاب ضعیف و بر تخیلش که به‌صورت بیمار گونه‌ای برانگیخته است اثر خوشی گذاشته است. تماشایش کنید. با خود می‌گوید یعنی به چه چیز فکر می‌کند، به شامش یا به کارهایی که خیال دارد شبش را با آن‌ها پر کند؟ نه ناستنکا، او به این چیزهای نا قابل کاری ندارد. او حالا با آن زندگی فردی و فوق‌العاده خود سر به فلک فرو نمی‌آورد. او به یک لحظه دولت‌مند شده، خورشید که در افق دارد مشعلش را پیش پای او خاموش می‌کند، اشعه و داعش را عیب برای او نمی‌فرستد.

شب‌های روشن - داستایوفسکی

گزارش «شهر امید» از کمپین ساخت و تجهیز کتابخانه‌های روستایی و اهدای لوازم التحریر حامی

پیشکش مهربانی پیش از مهر

و تجهیز کتابخانه‌های روستایی پرداخت و از آنجایی که آموزش در قبال کودکان هر مرز و بوم نقش حیاتی دارد و مدارس بیشترین تعداد کودکان تحت آموزش را در بر دارند از سال ۱۳۹۱ به توانمندسازی کودکان از مسیر آموزش روی آورد.

کمپین نوشت افزار حامی

وجه تمایز انجمن حامی نسبت به سایر انجمن‌ها این است که مدارس خود را پس از ساخت‌ها نمی‌کند و آن‌ها را پشتیبانی می‌کند. ارسال نوشت افزار در آغاز سال تحصیلی یکی از راه‌های این پشتیبانی است. در حدود ۸ سال است

خود نوشت افزار می‌فرستد نسبت به نیاز مدرسه همجوار خود - که در منطقه محرومی است- نیز بی تفاوت نیست و آن‌ها را نیز در آمارگیری لحاظ می‌کند. برخی دیگر از مدارس راهم، اشخاصی به انجمن معرفی می‌کنند که رابط‌های محلی انجمن در آن مناطق هستند و به دلیل نیاز شدید دانش آموزان به نوشت افزار برای سال تحصیلی جدید آن‌ها نیز در لیست قرار می‌گیرند.

پس از بسته بندی نوشت افزارها در انجمن، آن‌ها در کارت‌ن قرار داده می‌شوند و یک نفر از آن مدرسه که ممکن است مدیر، ناظم، معلم یا

انجمن حامی علاوه بر ساخت مدرسه در مناطق محروم، پشتیبانی و نگهداری از مدرسه و دانش آموزان با بازدیدهای دوره‌ای، ارسال تجهیزات تکمیلی و لوازم التحریر، به ساخت و تجهیز کتابخانه روستایی نیز می‌پردازد. کتابخانه حامد ذاکری روستای سوراب شهرستان ایرانشهر، یکی از اقدامات این مجموعه است



که انجمن حامی برای مدارس ساخته شده خود، همچنین برخی مدارس دیگر نوشت افزار ارسال می‌کند. با توجه به مقطع مدارس و نیاز دانش آموزان این نوشت افزارها معمولاً در مردادماه خریداری می‌شوند، سپس در شهر پور ماه اعضای انجمن ساماندهی می‌شوند و طی چند روز کار بسته بندی این نوشت افزارها طول می‌کشد. انجمن علاوه بر پشتیبانی از مدارس ساخته شده خود برای مدارس دیگری هم نوشت افزار می‌فرستد، این مدارس یا در داخل مجتمع آموزشی‌ای هستند که حامی آن را ساخته و زمانی که انجمن برای مدرسه

با توجه به هماهنگی‌هایی که با مدارس انجام می‌شود توزیع در ترو و در اواسط مهر ماه صورت می‌پذیرد. امسال اولین سالی است که تعداد نوشت افزارهای ارسالی برای مدرسه‌های غیر ساخت حامی بیشتر از مدرسه‌های ساخته شده حامی است.

ساخت و تجهیز کتابخانه‌های روستایی

انجمن حامی علاوه بر ساخت مدرسه در مناطق محروم، پشتیبانی و نگهداری از مدرسه و دانش آموزان با بازدیدهای دوره‌ای، ارسال تجهیزات تکمیلی و لوازم التحریر، به ساخت و تجهیز کتابخانه روستایی نیز می‌پردازد. کتابخانه حامد ذاکری روستای سوراب شهرستان ایرانشهر، یکی از اقدامات این مجموعه است. این کتابخانه با ۸۰ متر مربع زیر بنا احداث شده است. برای احداث این کتابخانه، جامعه محلی به یاری خیرین آمد و در تأمین زمین و ساخت آن مشارکت کرد. روستای سوراب در دهستان حومه واقع شده که پرجمعیت‌ترین دهستان در بخش مرکزی شهرستان است و دارای ۷۵ درصد جمعیت باسواد است و جوانان این روستا به فعالیت‌های فرهنگی مثل شعر، قصه، تئاتر و موسیقی علاقه‌مند هستند و فعالیت‌هایی در این زمینه انجام می‌دهند. ساخت بنای این کتابخانه از طریق سایت دونیت انجام شد که مبلغ ۱۶۴۲۵۲۰۶ تومان جمع‌آوری شد و این کتابخانه در عرض ۶۰ روز ساخته و به‌طور کامل تجهیز شد.

طرح کوله کتاب

این انجمن همچنین به منظور جذب کودکان و نوجوانان برای ترویج کتابخوانی با طرح کوله کتاب برای روستاهای دور و کم جمعیت، این امکان را ایجاد می‌کند که در طول یک سال حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب برای مطالعه در اختیار روستاییان قرار گیرد. آموزش دانش آموزان، مربیان و مدیران با همکاری آموزش و پرورش و دبیران داوطلب از تهران در منطقه دشتیاری استان سیستان و بلوچستان از دیگر اقدامات این انجمن است. انجمن حامی تاکنون ۱۴ مدرسه ساخته است و به‌زودی ساخت شش مدرسه دیگر نیز آغاز می‌شود. این انجمن همچنین بیش از ۴۰ کتابخانه ساخته و آن‌ها را تجهیز کرده است و ۴۰ کوله کتاب هر کدام به ارزش ۵۰۰ هزار تومان را به دورترین و کم‌جمعیت‌ترین روستاهای سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و گیلان ارسال کرده است.



سال اول | شماره هفدهم | شهریور ماه ۱۳۹۵ | دی‌ال‌جی ۱۳۲۷ | Sep 2016

حکایت پندآموز

اهدای کتاب رایگان برای بازداشت‌شدگان کلانتری‌های لندن



اجرای طرح جدیدی که بر مبنای آن کتاب رایگان در اختیار بازداشت‌شدگان کلانتری‌های لندن گذاشته خواهد شد، آغاز شده است.

طرح «کتاب در زندان» (Books in Nick) از اوایل امسال از سوی «استیو ویتمور»، پلیس ویژه لندن پس از بازداشت نوجوانی ۱۸ ساله به اتهام ضرب و جرح و حمل مواد مخدر پیشنهاد شده بود. در بازداشت نوجوان متهم از «ویتمور» خواسته بود کتابی به او امانت دهد تا در مدت زندان موقت آن را بخواند، اما این پلیس ویژه نتوانسته بود کتابی را که مورد علاقه متهم باشد پیدا کند. او می‌گوید: «موضوعات کتاب‌های در دسترس او را راضی نمی‌کرد، بنابراین من کتاب خودم «فاطوره دشت» را به او دادم و گفتم آن را برای خودش نگه دارد. نگاه در چهره او فوق‌العاده بود، نگرش او و خصومتش با من به کلی تغییر کرد و این کتاب زمینه مشترکی شد برای صحبت کردن با هم. آن نوجوان گفت که تا آن زمان کسی به او کتابی هدیه نداده است و این موضوع مرا تکان داد.»

«ویتمور» از آن زمان همکاریش را با خیریه «اهدای کتاب» آغاز کرد و موجب شد تا تمامی ۴۳ بازداشتی کلانتری مرکزی لندن به ۳۰ عنوان کتاب دسترسی پیدا کرده و کتاب‌ها را پس از آزادی با خود ببرند. این خیریه که برای یادمان «سیمون گری» نمایش نامه‌نویس و استاد دانشگاه در انگلستان (در گذشته در سال ۲۰۰۸ بر پا شده است وظیفه تسهیل در اهدای کتاب به دیگر خیریه‌ها و سازمان‌ها را بر عهده دارد. عناوین مختلفی از کتاب‌های کلاسیک چون «فاطوره دشت»، «کشتن مرغ مقلد» و «مزرعه حیوانات» به همراه مان‌های مصور برای این کار اختصاص داده شده است. این طرح همچنین کتاب‌های منتخب شعر، داستان کوتاه و رمان‌های نوجوانان و نیز آثاری به زبان‌های غیرانگلیسی را شامل می‌شود.

این خیریه بر روی وب‌سایت خود نوشته است: «تلاش کرده‌ایم تا کتاب‌هایی را مناسب با این وضعیت خاص انتخاب کنیم.» «استیو» می‌گوید: «سن متوسط برای زندانی کردن جوانان بین ۱۵ تا ۱۷ سال است اما کودکان حدود ۱۰ ساله نیز بازداشت شده‌اند. در این وضعیت با والدین آن‌ها تماس گرفته خواهد شد و به‌خوبی از آنان مراقبت می‌شود؛ با این وجود باید تمام شب را با امکانات کم در سلول خود باشند. ما تلاش می‌کنیم این وضعیت را تغییر دهیم.»

در این طرح هر کتاب به همراه یک جزوه آموزشی و مجله‌ای مخصوص نوجوانان اهدا می‌شود. «ویتمور» می‌گوید: «هدف از این طرح در اختیار گذاشتن کتاب‌های آسان است؛ باور ما این است کتاب خوب خواندن و اکتش‌های ارزشمندی خواهد داشت.»

«ویکتوریا گری»، متولی بنیاد خیریه «اهدای کتاب» این طرح را «ایده‌ای درخشان و مورد نیاز خیابان‌های ما» توصیف کرده است.

وی می‌افزاید: «کتاب‌هایی که برای بازداشتی‌ها انتخاب می‌کنیم به‌دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ آن‌ها باید سریع خوانده شوند، داستان‌های کوتاه یا شعر باشند و بتوانند سریع خواننده را درگیر خود کنند. تمامی این کتاب‌ها اهدایی است و هزینه‌ای را برای پلیس پایتخت دربر ندارد.

این ضرب‌المثل از کجا آمد

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

«شیخ ابواسحاق اینجو» در زمان زندگی حافظ حاکم شهر شیراز بود، او حکمرانی عادل و علاقه‌مند به ادبیات و هنر بود و در بارش همواره مکان اجتماع ادبا و فضلا از جمله خواجه حافظ بود. اامدنت حکومت او در شیراز کوتاه بود و ابواسحاق در جنگی از رقیب دیرینه خود «امیر مبارزالدین محمد» شکست خورده و کشته می‌شود. خواجه حافظ بعد از این واقعه، غزلی در ثنای ابواسحاق می‌نویسد که دوبیت پایانی آن این است: راستی خاتم فیروزه بـواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود دیدی آن قهقهه کبک خرامان حافظ که ز سر پرنجه شاهین قضا غافل بود مصرع «خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود»، بعد از گذشت زمان، در میان عوام به‌صورت مثل در آمده و زمانی به کار می‌رود که شخصی با عده‌ای قصد خدمت‌رسانی را دارند، اما از بدروزگار یا در اثر یک حادثه غیر قابل پیش‌بینی از ادامه خدمتگزاری بازمی‌مانند.

انگار تمام این مدت، از روزی که به پایگاه دله‌ر آمده بود، انتظار چنین روزی را کشیده بود تا سهراب بیاید و این حرف‌ها را به او بگوید، گفت: ((ممد رضا موقع حمله حزیبا پاسبخش بوده، نگهبانای درب جیهه و سنگر شرقی رو بیست دقیقه تموم فرستاده تو زاغه که گرم بشن، می‌دونی یعنی چی؟ بیست دقیقه، اوتم نگهبان دو تا سنگر رو یاهم، کجا دیدی نگهبانای دو تا سنگر کنار هم رو با هم بفرستن تو زاغه که گرم بشن؟))

((ص ۱۸۵ از کتاب سوران سرد))





وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: غربالگری ژنتیک اجباری می‌شود

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه غربالگری ژنتیک راهی موثر برای پیشگیری از معلولیت‌هاست، گفت: «برودی غربالگری ژنتیک اجباری می‌شود.» علی‌رغمی اظهار کرد: «هرروز از افرادی تقدیر می‌کنیم که با فرصت‌های اجتماعی نابرابر مواجه شده‌اند، بدون شک حمایت از آن‌ها در صدر دستورات دولت قرار دارد.» این مسئول در ادامه از عملکرد مطلوب خیرین حوزه‌پهزیستی سخن به میان آورد و گفت: «خوشبختانه تاکنون خیرین گام‌های موثری در این راه برداشته‌اند و اگر همکاری خیرین نبود بسیاری از هدف‌های بهزیستی محقق نمی‌شد.» ریعی تأکید کرد: «هستله‌خیر جمعی مسئله حائز اهمیت است که باید مدنظر همه‌اقتشار در ابعاد مختلف قرار گیرد که امیدواریم با کمک خیرین بتوان الگوی خوبی در بحث خیر جمعی و مسئولیت‌پذیری در کشور نهادینه کنیم.» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پایان به ضرورت غربالگری ژنتیکی اشاره کرد و گفت: «بر اساس تصمیمات اتخاذ شده، غربالگری ژنتیکی در کشور اجباری خواهد شد.»



سال اول | شماره هفدهم | شهر یورماه ۱۳۹۵ | خدی‌الحجه ۱۴۲۳ | Sep 2016

گیاه‌خواری مفید است یا زیان‌بار؟



این که علم از چند دهه گذشته به شدت از کاهش مصرف پروتئین حیوانی پشتیبانی می‌کند، با این حال بسیاری از افراد به خوردن گوشت که موجب بیماری‌های ناشی از تغذیه می‌شود ادامه می‌دهند، زیرا آگاهی کافی و پذیرش همگانی و گسترده در این زمینه وجود ندارد.

او به عنوان مقایسه می‌گوید: «۵۰ سال پیش هم اینجمن گیاهخواری تصدیق می‌کند که کمبود B۱۲ سبب بروز کم‌خونی و آسیب‌دستگاه عصبی می‌شود، به‌ویژه در کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند یا مادران گیاهخوار دارند. تنها منابع قابل اطمینان B۱۲ غذاهای غنی شده با ویتامین B۱۲ و مکمل‌های حاوی B۱۲ هستند»

باین حال مولاران گیاهخواری معتقدند که رژیم‌های مبتنی بر منابع غذایی گیاهی برای همه حتی کودکان، زنان باردار و شیرده مناسب هستند. فعالان گیاهخوار طرح ساوینو را واکنشی اغراق آمیز مبتنی بر موارد استثنایی تلقی کرده‌اند.

جیمی پیرسن، مدیر رسانه‌ای انجمن گیاهخواری گفت: «آنچه در ایتالیا پیش آمده یک مورد استثنایی است و هیچ ارتباطی با رژیم گیاهخواری که همه منابع مغذی مورد نیاز برای هر گروه سنی را داراست، ندارد.» رژیم غذایی جدید نیازمند دانش و آگاهی است سازمان بین‌المللی HSI بر اهمیت آگاهی و اطلاعات عمومی برای تغییر روشی سالم به سوی رژیم گیاهخواری تأکید می‌کند.

الکساندر کلارک یکی از فعالان این سازمان می‌گوید: «افرادی که قرار است گیاهخواری را برگزینند باید با متخصصین تغذیه مشورت کنند زیرا در حذف یک منبع غذایی از برنامه روزانه بدون در نظر گرفتن جایگزینی مناسب به سلامتی آسیب می‌رساند.» مایکل گراهام، کارشناس تغذیه معتقد است با وجود

مکمل‌های ویتامین B۱۲ وابسته می‌کند و باعث می‌شود که گیاهخواران به‌طور مداوم نیازمند به مشورت با پزشک باشند.

انجمن گیاهخواری تصدیق می‌کند که کمبود B۱۲ سبب بروز کم‌خونی و آسیب‌دستگاه عصبی می‌شود، به‌ویژه در کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند یا مادران گیاهخوار دارند. تنها منابع قابل اطمینان B۱۲ غذاهای غنی شده با ویتامین B۱۲ و مکمل‌های حاوی B۱۲ هستند

باین حال مولاران گیاهخواری معتقدند که رژیم‌های مبتنی بر منابع غذایی گیاهی برای همه حتی کودکان، زنان باردار و شیرده مناسب هستند. فعالان گیاهخوار طرح ساوینو را واکنشی اغراق آمیز مبتنی بر موارد استثنایی تلقی کرده‌اند.

جیمی پیرسن، مدیر رسانه‌ای انجمن گیاهخواری گفت: «آنچه در ایتالیا پیش آمده یک مورد استثنایی است و هیچ ارتباطی با رژیم گیاهخواری که همه منابع مغذی مورد نیاز برای هر گروه سنی را داراست، ندارد.» رژیم غذایی جدید نیازمند دانش و آگاهی است سازمان بین‌المللی HSI بر اهمیت آگاهی و اطلاعات عمومی برای تغییر روشی سالم به سوی رژیم گیاهخواری تأکید می‌کند.

الکساندر کلارک یکی از فعالان این سازمان می‌گوید: «افرادی که قرار است گیاهخواری را برگزینند باید با متخصصین تغذیه مشورت کنند زیرا در حذف یک منبع غذایی از برنامه روزانه بدون در نظر گرفتن جایگزینی مناسب به سلامتی آسیب می‌رساند.» مایکل گراهام، کارشناس تغذیه معتقد است با وجود

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در گزارشی هشدار داد، با ادامه روندهای کنونی، تا سال ۲۰۳۰ میلادی ۶۹ میلیون کودک زیر پنج سال بر اثر عوامل قابل پیشگیری جان خود را از دست خواهند داد. این نهاد در گزارش سالانه «وضع کودکان جهان» تصویری تیره و تاریک از آینده کودکان فقیر جهان در صورتی که دولت‌ها، کمک‌کنندگان، شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به تلاش‌ها برای رسیدگی به نیازهای آنان شتاب نبخشند، به تصویر می‌کشد.

گزارش جدید صندوق کودکان سازمان ملل متحد همچنین حاکی است با تداوم روندهای کنونی تا سال ۲۰۳۰ - زمان تعیین شده برای رسیدن به «هدف‌های توسعه پایدار» - ۱۶۷ میلیون کودک در فقر به سر خواهند برد و ۷۵۰ میلیون زن در



unicef

یونیسف اعلام کرد:

مرگ ۶۹ میلیون کودک تا سال ۲۰۳۰ در اثر عوامل قابل پیشگیری

سوء تغذیه ریشه‌کن می‌شود؟



فعالان حمایت از حقوق کودکان اعلام کردند که طی قرن آینده میلیون‌ها کودک در نتیجه سوء تغذیه به عقب‌ماندگی‌های روانی و جسمی دچار می‌شوند. صندوق نجات کودکان در بررسی جدیدی اعلام کرد که به‌رغم تعهد رهبران جهان مبنی بر ریشه‌کن کردن تمام انواع سوء تغذیه تا سال ۲۰۳۰ میلادی میلیون‌ها کودک همچنان طی یک قرن آینده از مشکلات جسمی و روانی ناشی از سوء تغذیه رنج خواهند برد. رابرتو کابرا از اعضای این صندوق در گواتمالا گفت: «سوء تغذیه موضوع اضطراری روز است. تغذیه مناسب با موضوع مرگ و زندگی ارتباط دارد چرا که ۴۵ درصد مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال با سوء تغذیه مرتبط است.»

پیش‌بینی این موسسه نشان می‌دهد با روند فعلی تا سال ۲۰۳۰ میلادی ۱۲۹ میلیون کودک به سوء تغذیه دچار خواهند بود و معضل سوء تغذیه در کودکان بیش از ۵۰ کشور جهان تا قرن آینده همچنان ادامه خواهد داشت. یافته‌های به دست آمده توسط این موسسه خیریه نشان می‌دهد در روند کنترل سوء تغذیه کودکان جهان به خصوص در آفریقای سیاه و جنوب آسیا پیشرفت کوچکی به دست آمده است. همچنین آمار سوء تغذیه کودکان از سال ۲۰۰۰ در ۱۳ کشور از جمله گینه‌نو واریتره افزایش یافته است.

به گزارش روزنامه گاردین، در سطح جهان از سال ۱۹۹۰ میزان سوء تغذیه کودکان حدود یک سوم کاهش یافته هر چند این پیشرفت کاملاً منحرف شده و گروه‌های خاصی بیش از دیگران در معرض ناامنی غذایی هستند.

فراگیر شدن

سبک زندگی

ناسالم در آلمان



محققان میزان ورزش روزانه، نوع تغذیه، مقدار استرس و عادت نوشیدن الکل و کشیدن سیگار را بین ۲۸۰۰ نفر در نقاط مختلف آلمان بررسی کردند و پی بردند، ناسالم‌ترین ایالت‌ها نوردراین - وستفالن در غرب و بادن - ویرتمبرگ در جنوب هستند که تنها ۹ درصد از ساکنانشان زندگی سالمی دارند.

مکلنبورگ در شمال شرقی که یکی از فقیرترین ایالت‌های آلمان است، سالم‌ترین شهروندان این کشور را دارد. برلین، پایتخت، نیز با ۱۱ درصد جایی بینابین شهرهای سالم و ناسالم قرار می‌گیرد.

تعداد مردمی که در سراسر آلمان در طول هفته به اندازه کافی ورزش می‌کنند، از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۴۵ درصد در ۲۰۱۵ کاهش یافته است.

مبنای این سنجش نیز توصیه سازمان بهداشت جهانی است که هر فرد باید در طول هفته دست‌کم ۱۵۰ دقیقه ورزش کند.

در مورد سیگاری‌ها، برلین بدترین آمار را داشت و یکی از هر ۳ نفر شرکت‌کننده در نظرسنجی سیگاری بود. در مجموع، کمتر از یک‌چهارم جمعیت آلمان سیگاری هستند.

از نظر جنسیتی هم ۱۳ درصد زنان و ۸ درصد مردان سبک زندگی سالمی داشتند.

همچنین مبارزه با فقر پیشرفت‌هایی به دست آمده به‌طوری‌که نرخ مرگ‌ومیر جهانی کودکان زیر پنج سال از سال ۱۹۹۰ تاکنون به کمتر از نیم کاهش یافته، اما در عین حال خاطر نشان می‌کند که این پیشرفت‌ها نیز در مورد همه یکسان و برابر نبوده و احتمال مرگ فقیرترین کودکان جهان در زیر سن پنج‌سالگی همچنان دوبرابر دیگران است.

گزارش یونیسف خاطر نشان می‌کند که این وضعیت در منطقه جنوب صحرای آفریقا وخیم‌تر است و در صورت ادامه روند کنونی، منطقه جنوب صحرای آفریقا تا سال ۲۰۳۰، نزدیک به نیمی از ۶۹ میلیون کودک در معرض مرگ زیر پنج‌سالگی و نیمی از ۶۰ میلیون کودک محروم از تحصیل و ۹۰ درصد از کودکان دچار فقر شدید را به خود اختصاص خواهد داد.

سنین کودکی از دواج خواهند کرد. یونیسف تأکید می‌کند که انتخاب‌های درست در زمان حاضر و تمرکز بیشتر جهان بر مصائب کودکان محروم جهان می‌تواند از تحقق این پیش‌بینی جلوگیری کند. آنتونی لیک، مدیر اجرایی یونیسف خاطر نشان کرد: «محروم کردن صدها میلیون کودک از فرصت عادلانه در زندگی علاوه بر تهدید آینده این کودکان، با ایجاد چرخه‌های محرومیت بین نسلی، آینده جوامع آنان را نیز به خطر می‌اندازد.»

وی افزود: «ما با یک انتخاب روبه‌رو هستیم، اکنون برای بهبود وضع این کودکان سرمایه‌گذاری کنیم یا اجازه دهیم که جهان ما به نابرابری و شکاف‌های بیشتر دچار شود.»

گزارش یونیسف حاکی است که در زمینه نجات جان کودکان و آموزش کودکان و

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در گزارشی هشدار داد، با ادامه روندهای کنونی، تا سال ۲۰۳۰ میلادی ۶۹ میلیون کودک زیر پنج سال بر اثر عوامل قابل پیشگیری جان خود را از دست خواهند داد. این نهاد در گزارش سالانه «وضع کودکان جهان» تصویری تیره و تاریک از آینده کودکان فقیر جهان در صورتی که دولت‌ها، کمک‌کنندگان، شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به تلاش‌ها برای رسیدگی به نیازهای آنان شتاب نبخشند، به تصویر می‌کشد.

گزارش جدید صندوق کودکان سازمان ملل متحد همچنین حاکی است با تداوم روندهای کنونی تا سال ۲۰۳۰ - زمان تعیین شده برای رسیدن به «هدف‌های توسعه پایدار» - ۱۶۷ میلیون کودک در فقر به سر خواهند برد و ۷۵۰ میلیون زن در

سامسونگ سنتر
SAMSUNG CENTER

SAMSUNG

وبسایت فروشگاه مرکزی سامسونگ | تلفن سفارش کالا: ۸۸۲۰۶۵۲۹ - ۶۶۴۸۸۰۶۹



➔ **شهروندان شمال شرق تهران امسال بیش از ۱۷ میلیارد ریال صدقه پرداخت کردند**
مدیر کمیته امداد شمال شرق شهر تهران گفت: شهروندان شمال شرق شهر تهران با مشارکت در کمک رسانی به نیازمندان در پنج ماهه نخست امسال بیش از ۱۷ میلیارد ریال به صندوق صدقات این نهاد پرداخت کردند.

علی کریمی گفت: این مقدار از کمک های مردمی از طریق ۲۵ هزار صندوق صدقات بزرگ، متوسط و کوچک خانگی تامین و جمع آوری شده است. او با اشاره به حمایت افزون بر ۹ هزار حامی از بیش از یک هزار و ۳۰۰ فرزند خانواده تحت پوشش طرح اکرام ابتام و محسنین، گفت: حامیان نیکوکار در طول پنج ماهه نخست امسال بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال به حساب فرزندان معنوی خود واریز کرده اند. کریمی به کمک های موردی خیرین به خانواده های مورد حمایت این نهاد اشاره کرد و گفت: همچنین توزیع یک هزار و ۲۰۰ کیلوگرم سیب درختی بین ۲۴۰ خانواده نیازمند، پخش ۱۵۰ پرس غذای گرم و پرداخت ۸۰ میلیون ریال پول نقد به افراد نیازمند در طول این مدت از محل کمک های مردمی انجام شده است. مدیر کمیته امداد شمال شرق شهر تهران بر لزوم مشارکت های مردمی تأکید کرد و افزود: این نهاد آماده دریافت مساعدت و کمک های نقدی و غیرنقدی نیکوکاران برای توزیع به افراد نیازمند است.

ساخت مدرسه اوتیسم در اصفهان توسط بنیاد نیکوکاری دست های مهربان



توافق نامه ساخت مدرسه اوتیسم در شهر اصفهان بین بنیاد نیکوکاری دست های مهربان و اداره کل آموزش و پرورش به امضا رسید. این قرارداد به امضای مدیر کل بنیاد نیکوکاری دست های مهربان و مدیر کل نوسازی مدارس استان اصفهان رسیده است.

این مدرسه به مساحت هزار و هفتصد متر در ناحیه سه آموزش و پرورش اصفهان، واقع در شهرک ولیعصر به بهره برداری خواهد رسید. زمین ساخت این مدرسه توسط آموزش و پرورش استان اصفهان برای پیشبرد ساخت مدرسه اوتیسم در اختیار بنیاد نیکوکاری دست های مهربان قرار گرفته است. دکتر صافی قائم مقام ریاست دانشگاه اصفهان در امور مشارکت های اجتماعی و سازمان های مردم نهاد و خیریه های سلامت استان اصفهان، نماینده بنیاد نیکوکاری دست های مهربان در امور ساخت مدرسه اوتیسم اصفهان است.

نهال نیکوکاری بانو گلدانی به ثمر نشست



مرحوم فرزانه گلدانی از پرسنل علوم پزشکی سبزوار که به عنوان «ماما» در زمان حیات خود فعال بودند بعد از فوت در سال ۱۳۹۳ مطابق وصیت و سفارش شان به برادر خود موسی الرضا گلدانی، منزل شان را به ساخت کتابخانه و بهره برداری از آن اختصاص دادند.

کار خیر این زن، باعث شد تا بیش از ۱۷ هزار نفر در شهرستان سبزوار زیر پوشش کتابخوانی قرار گیرند و نام نیک و برای همیشه در تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم به ثبت رسد.

موسی الرضا گلدانی، رئیس هیات امنای انجمن خیرین کتاب و کتابخانه حکیم سبزوادر خصوص کتابخانه مرحوم فرزانه گلدانی، گفت: برای تعمیر و مرمت منزل خواهرم از سال ۱۳۹۳ مشغول کار هستیم و در ۶ مرداد با راه اندازی این کتابخانه این کار خیر به ثمر نشست.

او ادامه داد: در زمان افتتاح این کتابخانه با حضور مسئولان شهرستان، رئیس اداره ارشاد سبزوادر قول پرداخت ۳۰ میلیون ریال بن کتاب برای تهیه کتاب جهت این کتابخانه را دادند و امام جمعه شهرستان نیز ۵ میلیون ریال کمک نقدی کردند.

زیبا باغانی، مسئول کتابخانه های عمومی سبزوار با بیان اینکه این کتابخانه دارای بیش از ۶ هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف است که بخشی از این کتاب ها از طرف خیرین اهدا شده است، گفت: کار این زن نیکوکار در ساخت کتابخانه باعث شده است مردم شهرستان سبزوادر منطقه شرق سبزوادر مسیر چهل متری به مطالعه کتاب دسترسی داشته باشند. مسئول کتابخانه های عمومی سبزوادر با بیان اینکه در ساخت کتابخانه نیاز مبرمی به کمک خیرین شهرستان داریم، ادامه داد: به دلیل نبود کتابخانه در اطراف سبزوادر مناطق حاشیه ای، تنها کتابخانه واقع شده در کنار امامزاده حسن کوشک (ع) و بیرون از مرکز شهر با استقبال خیلی خوبی مواجه شده و بیش از ۷۰۰ نفر عضو دارد. باغانی گفت: این کتابخانه به صورت انتفاعی و غیر وقفی به نهاد کتابخانه ها واگذار شده است و مدیریت و بهره برداری از آن با این نهاد است.

برگزاری دوازدهمین بازارچه خیریه «سمر» در مهر ماه

روابط عمومی موسسه خیریه «سمر» از برگزاری متنوع و پررونق دوازدهمین بازارچه خیریه «سمر» در مهرماه امسال خبر داد. بازارچه پاییزه «سمر»، مهرماه امسال همچون سال های قبل در روزهای آغازین فصل پاییز و همزمان با بازگشایی مدارس و مراکز آموزشی در محل «خانه امیدسمر» میزبان همشهریان نیک اندیش خواهد بود. بازارچه های خیریه «سمر» که سالی دو مرتبه برگزار می شود، امسال نیز با حضور خیرین مهراندیش و حامیان سمر و در حمایت از بیماران مبتلا به سرطان بالای ۱۴ سال، با تنوع و رونق بیشتری ظاهر می شود تا به پشتوانه حمایت های خالصانه شما مردم خیراندیش، بتواند بخشی از هزینه های درمانی و به ویژه دارویی بیماران زیرپوشش خود را تامین کند.

امسال نیز بازارچه «سمر» در غرفه های متنوعی از جمله غذا و تنقلات، صنایع دستی، لوازم زینتی، نوشت افزار، آثار هنری، پوشاک، لوازم بهداشتی، آرایشی و دیگر محصولات و خدمات مورد نیاز خانواده ها میزبان علاقه مندان خواهد بود و عموم بازدیدکنندگان از این نمایشگاه می توانند با حضور در خانه امید علاوه بر انجام خرید کالا های مورد نیاز خود، از برنامه های متنوع فرهنگی – هنری این نمایشگاه در کنار هنرمندان مهراندیش حامی «سمر» لذت ببرند. این بازارچه از ۵ مهرماه به مدت ۵ روز از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۰ شب در محل «خانه امید سمر» واقع در خیابان شهید کلاهدوز (دولت) خیابان وارسته، نبش کوچه کابلی پذیرای همشهریان خیر تهرانی خواهد بود.

احداث ۳ مدرسه خیریه در چهارمحال و بختیاری



مدیر کل آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری گفت: کلنگ سه باب مدرسه خیریه با مشارکت خیران نیک اندیش به زمین زده شد.

بهروز امیدی افزود: دبستان سه کلاسه کوی شهید بهشتی، دبستان دو کلاسه نیاکان و دبستان یک کلاسه مالک آباد از تولید شهرستان کوهرنگ با مشارکت خیران مدرسه ساز کلنگ زنی شد و به زودی احداث خواهند شد.

لوییان داشت برای ساخت این سه مدرسه مجموعاً ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار لازم است که با مشارکت خیران مدرسه ساز تامین خواهد شد.

امیدی گفت: این سه مدرسه مجموعاً دارای زیربنای ۴۵۰ متر مربع است که با همت خیران احداث خواهد شد و خیران مدرسه ساز در چهارمحال و بختیاری از فعالیت بسیار خوبی برخوردار هستند.

حمایت مالی داوطلبان جمعیت هلال احمر اصفهان از نیازمندان



معاون داوطلبان جمعیت هلال احمر استان اصفهان گفت: داوطلبان این جمعیت، ۲ دستگاه ساکشن و یک دستگاه وی پی (تنفسی) به ارزش ۱۰۰ میلیون ریال به بانک امانات جمعیت هلال احمر شهرستان اصفهان اهدا کردند.

علیرضا سلیمی با اشاره به اعلام نیاز بیمارستان سیدالشهدا (ع) اصفهان به دستگاه بمپ تزریق مرفین و دو دستگاه مانیتور علائم حیاتی افزود: داوطلبان، با برپایی بازارچه خیریه، این دستگاه ها را به ارزش ۴۶ میلیون ریال تامین کردند. او گفت: داوطلبان جمعیت هلال احمر استان جهیز به مددجویان شامل یک دستگاه یخچال، گاز، ماشین لباسشویی، جاروبرقی، چرخ گوشت، آمبویه گیری، اتو، رختخواب و دیگر وسایل اساسی به ارزش ۶۰ میلیون ریال و هزینه ثبت نام ۹ دانش آموز با اهدای ۱۰ میلیون ریال را تامین کردند. معاون داوطلبان جمعیت هلال احمر استان اصفهان، توزیع ۶۰۰ پرس غذای گرم به ارزش ۴۲ میلیون ریال بین مددجویان، کمک هزینه ساخت پروتز ده میلیون ریالی و پرداخت دیه ۲۰۰ میلیون ریالی دوازده نوزاد، جرائم را از دیگر فعالیت های خیر خواهانه داوطلبان این جمعیت عنوان کرد.

ساماندهی بیش از ۶۰۰۰ میلیارد ریال از طریق مشارکت خیرین حقیقی و حقوقی



معاونت امور اجتماعی وزارت بهداشت، اهم فعالیت های این معاونت را مشارکت خیرین در ایجاد زیرساخت های بهداشتی – درمانی، ساماندهی مشارکتهای اجتماعی و خیریه های حوزه سلامت، سازمان های مردم نهاد (سمن) در حوزه سلامت، مشارکت بین بخشی، حمایت از نهادهای دولتی، سازمانهای مردم نهاد و خیریه ها و ارتقای فرهنگ سلامت اعلام کرد.

در حوزه مشارکت خیرین در ایجاد زیرساخت های بهداشتی – درمانی اقداماتی از جمله کمک به بازسازی و نوسازی بیمارستانهای فرسوده، کمک به ایجاد تخت های بیمارستانی جدید، کمک به احداث خانه های بهداشت؛ کمک به احداث مراکز بهداشتی – درمانی، کمک به ایجاد مراکز انتقال خون در کشور، کمک به ایجاد کلینیک جامع (MS)، دیابت و... کمک به ایجاد کلینیک ویژه، درمانگاه، کمک به ایجاد همراه سرای مجاور بیمارستان جهت اقامت همراهان بیمار، اهدای ملک جهت فعالیتهای بهداشتی، درمانی، آموزشی و پژوهشی و ایجاد خوابگاه دانشجویی و تجهیزات پزشکی امدادی انجام شده است.

ارتباط مستقیم با بیش از ۱۵ هزار خیر در کشور و جذب و ساماندهی بیش از ۶۰۰۰ میلیارد ریال از طریق مشارکت خیرین حقیقی و حقوقی از اقدامات معاونت امور اجتماعی در راستای ساماندهی مشارکتهای اجتماعی و خیریه های حوزه سلامت بوده است.

دکتر سید محمد هادی یازوی همچنین در مورد سازمانهای مردم نهاد (سمن) در حوزه سلامت گفت: تعداد سمنهای حوزه سلامت از ۴۵ سمن در سال ۹۲ به ۸۳ سمن در سال ۹۴ افزایش یافته است که از جمله آن ها سمنهای فعال انجمن تالاسمی ایران، انجمن دیابت ایران، انجمن هموفیلی ایران، مجمع خیرین سلامت کشور، انجمن حمایت از بیماران کلیوی، انجمن سلامت خانواده ایران و موسسه محک است.

خیران برای مدرسه سازی در بهشهر ۱۰ میلیارد ریال کمک کردند



مدیر آموزش و پرورش بهشهر گفت که خیران از ابتدای سال تحصیلی گذشته تاکنون بیش از ۱۰ میلیارد ریال برای مدرسه سازی در این شهرستان کمک کردند.

قربانعلی اصغری از شناسایی و جذب ۵۷۰ خیر برای جمع آوری این میزان کمک خبر داد و گفت: آموزش و پرورش با توجه به کمبود اعتبارات و بودجه برای مدرسه سازی، توان ساخت مدارس را ندارد و باید با کمک خیران مدرسه ساز در این وادی وارد شویم. او با اعلام اینکه بودجه مدارس جایگزوی سرانه مدارس و دانش آموزان هم نیست، یادآور شد: باید با توسعه مجمع خیران، با رویکرد توسعه عدالت آموزشی، جذب خیرین، سالم سازی و ساماندهی مدارس در امر مقدس مدرسه سازی وارد شویم. مدیر آموزش و پرورش بهشهر گفت: مجمع خیرین مدرسه ساز یک نهاد غیردولتی در ایران است که با هدف ساختن مدرسه های جدید و نیز بازسازی، بهسازی و تجهیز مدارس موجود بنا نهاده شده است. اصغری با معرفی طرح های مدرسه سازی این شهرستان، گفت: شش مدرسه با کمک خیران در حال ساخت و ساز است تا در سال تحصیلی جدید برای دانش آموزان مهیا شود. او افزود: مدرسه ابتدایی شهید آباد و ایمان حسین آباد هم از جمله مدرسی است که با کمک خیران بهسازی و نوسازی آن در دستور کار قرار گرفته است.



کمک ۲ میلیارد ریالی مراکز نیکوکاری پل دختر به نیازمندان



رئیس کمیته امداد پل دختر گفت: تعداد کل افراد مراجعه کننده به مراکز نیکوکاری در شهرستان پل دختر ۱۶۸۰ نفر بوده که دو میلیارد و ۳۵۲ هزار ریال بین این افراد توزیع شده است.

نبی الله ناظری با بیان این که تاکنون دو هزار و ۳۲ مددجو و خانواده های آن ها بیمه شده اند که هزینه درمانی برای درمان آن ها بیش از ۱۸۰ میلیون ریال بوده است، افزود: در راستای ایجاد اشتغال و خودکفایی در سال گذشته ۳۴۸ مورد وام کارگشایی پرداخت شده و ۵۲۰ نفر از اردوهای فرهنگی و ۹۳۸ نفر از خدمات آموزشی این نهاد بهره مند شده اند. او افزود: سال گذشته تعمیرات ساختمانی برای نیازمندان ۹۶ مورد، احداث و خرید مسکن شهری ۴۸ مورد و کمک به احداث مسکن (طرح بهسازی) ۳۱ مورد بوده است.

۷۰۰ بسته تحصیلی بین دانش آموزان نیازمند گناوه ای توزیع شد



رئیس انجمن خیریه حضرت بقیة الله (عج) گناوه گفت: در راستای خدمت رسانی هر چه بیشتر به دانش آموزان نیازمند، امسال نیز این انجمن همانند سال های گذشته توزیع بسته های تحصیلی بین خانواده های بی بضاعت دارای دانش آموز را در حد توان خود انجام داد. حسن حسینی گفت: اعضای این انجمن که عمدتاً جوانان گناوه ای راشامل می شوند در واقع جایای این بزرگان خیر گذشتند و باید گفت این افراد نسل دوم این بزرگان به شمار می آیند. حسینی با بیان اینکه هدف این انجمن نیز در واقع تداوم مسیر خیران بزرگوار گذشته و گام نهادن در این راه بر افتخار است، افزود: امیدواریم بتوانیم در راهی از الام نیازمندان جامعه بکاهیم. حسینی در ادامه گفت: در همین راستا مجموعه بیش از ۷۰۰ بسته تحصیلی برای سه مقطع تحصیلی که شامل لوازم التحریر (دفتر، مداد، خودکار، مادرنگی، جامدادی، پاک،، مداد تراش، خط کش و...)، تهیه و کفش و لباس فرم مدارس (ماتو) به دانش آموزان نیازمنداهداشد.

او تأکید کرد: انجمن خیریه حضرت بقیة الله (عج) توانسته با شناسایی دانش آموزان بی بضاعت و کم بضاعت در سطح شهرستان گناوه یاری رسان مالی و معنوی آنان باشد.

افتتاح مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در کرج



مجمع شیرین، مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست ۵ تا ۷ سال در کرج افتتاح شد. مجید کرکی، مدیر مسئول مجمع شیرین و رئیس هیئت مدیره کودکان شیرین در حاشیه افتتاح این مجمع گفت: هدف از برگزاری این مراسم، افتتاحیه مرکز مجتمع شیرین جهت نگهداری از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست ۵ تا ۷ سال است. او گفت: ظرفیت استاندارد این مرکز ۳۰ نفر است و در حال حاضر ۱۰ نفر از کودکان ۵ تا ۷ سال در این مرکز حضور دارند و به زودی ۵ نفر دیگر هم به تعداد این فرزندان اضافه خواهد شد. میری معاونت مشارکت های مردمی خیریه کودکان شیرین نیز گفت: با آوردن این بچه ها به این مکان باعث می شویم از آینده و تربیت بهتری برخوردار شوند و با یاری خداوند و کمک و همیاری همدیگر بتوانیم این مکان را رازاندازی کنیم و آن طور که این بچه ها لایق آن هستند به آن ها رسیدگی شود. میری خاطر نشان کرد: این بچه ها درست است پدر و مادر ندارند ولی اگر خدا کمک کند پدر و مادرهای زیادی دارند و اگر بتوانیم به این بچه ها کمک کنیم همه می توانیم پدر و مادر آن ها باشیم.



افزوده شدن ۵ عنوان جدید در سی به مقطع متوسطه

«علی زرافشان»، معاون وزیر آموزش و پرورش گفت: امسال ۵ عنوان جدید براساس نیاز به مجموعه دروس متوسطه اضافه شده و بسته «بر فراز آسمان» و مواد آموزشی ویژه معلمان نیز برای مدیریت بهتر درسهای جدید در نظر گرفته شده است. زرافشان درباره راه اندازی شبکه ملی اطلاعات گفت: اولین مرحله توسعه فناوری اطلاعات در ایران که با پروژه تکفاز شروع شد، آموزش و پرورش به عنوان عامل بنیادین در توسعه اطلاعات تشخیص داده شد و بیشترین منابع مالی نیز به این بخش اختصاص داده شد. بخشی از این منابع در برنامه جامعی برای توسعه زیرساخت های نرم افزاری و میانی توسعه فناوری اطلاعات اختصاص پیدا کرد. محمدصادق افراسیابی، دبیر کل همایش سواد رسانه ای و مسوولیت اجتماعی هم درپاره ضرورت توجه به سیاستگذاری و اقدامات عملیاتی فرهنگی در فضای مجازی گفت: برگزاری جلسات متعدد کارشناسی در دبیرخانه دائمی همایش ملی سواد رسانه ای و مسوولیت اجتماعی بیانگر این موضوع است که متأسفانه یک بسته سیاستی فرهنگی در کشور برای حوزه ی فضای مجازی وجود ندارد اما با این حال باید دید وزارت ارتباطات و وزارت آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین نهادهای حاکمیتی در حوزه سواد رسانه ای که مهمترین سیاست فرهنگی دولت است چه اقداماتی انجام داده اند؟.

آنگونه که یاری می کنی، یاری می شوی

کلیک کن، کمک کن!



● شانا شکری

یک دنیای رنگی اما یک دنیای پر مسئولیت است. دنیای مجازی که نام و سرورش هست و در صفحه های مجازی اش، «یاری» صدای پرنده ها، صدای امید و بوی خوش آشنایی و مهربانی می آید. جایی هست که می شود آدم نیت های مهربانه اش را برای انسان دوستی و مهربانی با خود ببرد و صفحه به صفحه اش را بگذرد. مهربانی و یاری را انتخاب کند و بعد یکی باشد از چند صد و شاید چند هزار نفری که با کمک های از راه دور که حالا به واسطه فرصت های دنیای مجازی و بانک های اینترنتی آسان شده اند، انسانی را از سختی و تنگدستی رها کرده باشند.

هر جا که هستی، پشت سیستم کامپیوترت یا در دنیای مجازی که گوشی های هوشمند برای ما ساخته اند، از همان جایی توانی کلیک کنی و چند دقیقه بعد گریه ای از کار یک نیازمندی باز کرده باشی، نمی شود؟ باور نمی کنی؟

در دنیایی که زندگی آدم ها دو نیمه شده، نیمی در دنیای حقیقی و نیمی در دنیای مجازی، خیران و فعالان اجتماعی همه توانشان را برای استفاده از فناوری های روز در مسیر کمک رسانی و نیکوکاری به کار گرفته اند. شاید از نظر شما که در ایران زندگی می کنید هنوز امکان مشارکت در امور خیریه به صورت آنلاین فراهم نشده باشد اما اگر «سامانه یاری شهر امید» را در گوگل سرچ کنید، نظرتان را تغییر می دهید.

این سامانه که چند ماهی است رسماً در ایران آغاز به کار کرده، تلاشی داوطلبانه از سوی خیران و نیکوکاران برای راه اندازی یک پایگاه جامع کمک رسانی به نیازمندان در ایران است. اگر چه در دیگر کشورها کمپین ها و سایت هایی که مرتبط با موضوع خیریه فعالیت می کنند، پیش از این به راه افتاده اما در ایران این نخستین بار است که یک سامانه جامع با قابلیت های متنوع و زمینه های موضوعی طبقه بندی شده از نیازمندی ها فعالیت می کند و این امکان را به خیران می دهد تا با شناسایی نیازمندان به تفکیک موضوع برای کمک به آنها و رفع نیازشان بکوشند.

جایی برای یاری دهندگان

سامانه یاری به نشانی <http://yari.shahromid.org> همان جایی است که می شود با چند کلیک به دنیای نیکوکاری و مهربانی متصل شد. به دنیایی که آنجا انسان هایی شبیه به ما چشم انتظار چند کلیک ساده هستند تا شاید گریه ای از زندگی شان افتاده باز و دردی از درمندی هایشان از شانه هایشان برداشته شود.

سامانه یاری شهر امید، با طبقه بندی نیازمندی ها شکل تازه ای از فعالیت های نیکوکارانه را با استفاده از مدرن ترین فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در اختیار مخاطبان، نیکوکاران و فعالان اجتماعی قرار داده است. طبقه بندی موضوعی از نیازمندی ها به صورت طبقه بندی شش گانه که هر یک از آنها زیر شاخه های تخصصی تعریف شده دیگری هم دارند، این امکان را به شما می دهد تا بخشی از درآمدی را که برای صرف در امور خیریه کنار گذاشته اید با شناسایی نیازمندان واقعی که درخواست آنها پیش از این توسط مددکاران خیریه شهر امید نیکان، راستی آزمایی و پس از آن در این سامانه ثبت شده، صرف کنید. فهرست نیازمندی ها در این سامانه جامع در ۶ گروه اصلی در دسترس است:

شبکه های اجتماعی، رسانه های برای خیریه ها

دنیای جدید و همچنین مفهوم آن را تغییر داده اند. در زندگی پرسرعت دنیای امروز کمتر کسی توقف می کند تا بشود شما برای چه کسانی کمک جمع می کنید و درخواست چقدر پول دارید. اما با کمک قدرت شبکه های اجتماعی، حالا فقط ایده های خوب هستند که می توانند جلب توجه کنند و شما را به هدف برسانند. یک تحقیق در Ipsos نشان داده ۲۲ درصد از کاربران شبکه های اجتماعی در صورتی که دوستی را در صفحه فیس بوک یا توئیتر یک برند ببینند بیشتر احتمال دارد از آن خرید کنند. شبکه اجتماعی روی تصمیمات برای

بدانید چندین نفر از توئیتر به عنوان یک منبع خبر استفاده می کنند. براساس تحقیق موسسه Pew، ۳۹ درصد کاربران این شبکه اجتماعی گفته اند بیشترین اخبارشان را از توئیتر دریافت کرده اند. اخباری که اگر توئیتر نبود در هیچ جای دیگری نمی خواندند. از توئیتر می توان برای مخابره اخبار خیریه ها استفاده کرد. منتشر کردن رویدادهای جدید باعث می شود افرادی که آنها را می خوانند احساس کنند ارتباط نزدیک تری دارند و بخشی از ماجرا هستند. حتی اگر آن رویدادها کیلومترها دورتر در حال رخ دادن باشد.

اینترنت راهنمایی می کند. به آنها بگویید کمکشان چه تغییری در دنیا ایجاد می کند. می توانید هر بار که کمکی به دستتان رسید در پیامی برای آنها توضیح دهید که کارشان چه اهمیتی داشته، به آنها بگویید با پولشان چند گرسنه سیر شده اند، یا چند نفر به آب سالم دسترسی پیدا کرده اند و... این کار باعث می شود آنها به کمک دوباره و اهدا بیشتر علاقه مند شوند.

فیس بوک

در حالی که توئیتر برای انتشار اطلاعات مختصر و مفید خوب است، از فیس بوک می توانید برای تعریف کردن داستان ها استفاده کنید. دنیای نیازمندان و بیماران پر از قصه های تاثیرگذاری است که مردم را به کمک تشویق می کند. اگر فضایی فراهم کنید تا مخاطبان تان هم بتوانند قصه های شان را تعریف کنند و درباره قصه های شما نظر بدهند، صفحه شما جذابیت بیشتری پیدا می کند. مثلاً در صفحه خیریه «آرزو کن» یا Make A Wish در فیس بوک تصویر و داستان هزاران بچه وجود دارد که این سازمان در تلاش است آنها را با کمک مردم به نیازهای شان برساند. قصه ها در فیس بوک نقش کلیدی بازی می کنند.

پینترست

یک مطالعه درباره شبکه اجتماعی پینترست در Shareaholic نشان داده ۲۱ درصد کاربران بعد از فالو کردن از این سایت خرید کرده اند. شاید برای آنها سخت نباشد که بعد از فالو کردن خیریه ها به آنها هم کمک کنند. می توانید با ساختن پین بورد شروع کنید و عکس هایی از موضوعی که به کار شما مربوط می شود منتشر کنید. مثلاً Habitat for Humanity تصویری از داوطلبان در حال ساخت خانه در سراسر جهان به اشتراک می گذارد و تلاش می کند داوطلبان

بیشتری را جذب کند. تصاویر در تکان دادن افراد برای کمک کردن موثرند و این شبکه اجتماعی فرصت خوبی را برای این کار ایجاد می کند. همچنین می توانید تصویری از آنچه در خیریه شما فروخته می شود منتشر کنید تا با فروش اشیا پول بیشتری جمع آوری کنید.

یوتیوب

کمپین های یوتیوبی هم نقش موثری در تشویق به اهدا کردن داشته اند. ویدئوها باید درباره نیازهای خیریه تان تهیه شوند و اهدافی که کمپین تان دنبال می کند، باید مردم را تحت تاثیر قرار دهد تا خودشان فعالانه وارد کمپین شوند و محتواهای تولیدی شان را به اشتراک بگذارند. لایک کردن به تنهایی کافی نیست، آنها باید با رویدادها درگیر شوند و خودشان هم تولید کنند و هم فعال شوند. از آنها بخواهید ویدئوهای شان را برای شما بفرستند تا شما آنها را به جای شان آپلود کنید. فراموش نکنید که ویدئوها باید درخواست کنند تا مخاطبشان فعال تر باشد و کمک عملی انجام دهد.

گوگل پلاس

امکان برقرار کردن وبینار یا سمینار اینترنتی در گوگل پلاس برای خیریه ها مهم است و می تواند دیگران را به آنها جذب کند. وبینارها می توانند جلساتی برای ارائه اطلاعات باشند که به مردم اطلاعاتی درباره یک مسئله یا رویداد می دهند. در این شبکه اجتماعی هم درخواست برای کنشگری اهمیت دارد و مخاطبان در معرض خطر توهم فعالیت قرار دارند. آنها باید بدانند چه اقدام عملی برای مسائل می توانند انجام دهند و چه طور باید این کار را بکنند. در این رسانه اجتماعی هم زمان کافی برای تعریف کردن قصه تان دارید و می توانید افراد را بهتر تحت تاثیر قرار دهید.



خرید تاثیر می گذارد و خیریه ها می توانند از این خاصیت برای جمع آوری کمک های مالی استفاده کنند.

توییتر

ممکن است متعجب شوید اگر

آیا شبکه های اجتماعی رسانه های جدیدی هستند؟ پاسخ مثبت است. در واقع صاحب نظران حوزه ارتباطات این روزها از شبکه های اجتماعی به عنوان رسانه جدیدی نام می نهند و می گویند با توجه به گسترده گی و حوزه نفوذ شبکه های اجتماعی آنها به نوعی کارکرد رسانه در



👉 زنان سرپرست خانوار، غرفه داران میادین میوه و تره بار می شوند

بخشی از غرفه های میادین میوه و تره بار شهر تهران به زنان سرپرست خانوار واگذار می شود. با موافقت سازمان میادین میوه و تره بار موافقت کرده است که زنان سرپرست خانوار بتوانند در بخشی از غرفه های میادین زیر نظر این سازمان فعالیت کنند. این طرح با همکاری نهادهای غیر دولتی و سمن ها و با حمایت شورای شهر تهران انجام می شود. جزئیات بیشتر این خبر که در آخرین جلسه شورای شهر تهران اعلام شد، به زودی از سوی سازمان های مردم نهاد فعال در این زمینه و نیز سازمان میادین میوه و تره بار شهرداری تهران اعلام می شود.

و همچنین «کمک به انتشار اولین هفته نامه تخصصی خیریه ها» پیش بینی شده است. ممکن است در جغرافیایی دور تر از ایران زندگی کنید اما می توانید با همان چند کلیک ساده در این زمینه های فرهنگی مشارکت کرده و بخشی از زنجیره بزرگ داوطلبانی باشید که فعالیت در زمینه های فرهنگی و مذهبی یکی از علاقه مندی هایشان است.

سامانه یاری شهری امید،

با طبقه بندی نیازمندی ها

شکل تازه ای از فعالیت های

نیکوکارانه را با استفاده از مدرن ترین

فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در اختیار

نیکوکاران قرار داده است. طبقه بندی

شش گانه از نیازمندی ها که هر یک زیر

شاخه های تخصصی تعریف شده دیگری

هم دارند، این امکان را فراهم کرده تا

بخشی از درآمدی را که برای صرف در امور

خیریه کنار گذاشته اید به دست نیازمندان

واقعی برسانید

اجتماعی

هر سال و هر ماه هزاران نفر به دلایل مختلف با بیماری ها گرفته تا حوادث از کار، از کار افتاده می شوند. از کار افتادی یکی از تلخ ترین تجربه های زیستی هر انسانی است که فشار های سنگینی را به خانواده ها تحمیل می کند شما می توانید با مراجعه به بخش اجتماعی سامانه یاری از طریق گزینه «کمک به از کار افتادگان»، نیازمندان این بخش را شناسایی و گرهی از کارشان باز کنید. در این بخش گزینه های دیگری برای یاری رساندن هم پیش بینی شده از جمله: «کمک به برگزاری مراسم عروسی»، «کمک به ایثار، بی سرپرستان و بدسرپرستان»، «کمک به تهیه چیزیه به»، «کمک به پرداخت اجاره بهای مستأجران»، «کمک به آزادی زندانیان» و «کمک به سرپرستان خوار».

درمانی

حتما شنیده اید که بخشی از افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند در نتیجه یک اتفاق غیرمنتظره، نه بهداشتی بلکه یک بیماری صعب العلاج زیر خط فقر رفته اند. در نبود سیستم یکپارچه و حمایت های درمانی مناسب، آنچه که این روزها در جامعه شنیده نمی شود، صدای دردمند همین بیمارانی است که بعضا برای تهیه یک آمپول باید چند میلیون تومان هزینه کنند. ناگفته پیداست که چنین هزینه های کمر شکنی برای درمان بیماری چه بار سنگینی بر دوش خانواده های ضعیف و قشر آسیب پذیر جامعه است. به همین دلیل هم هست که در سالهای اخیر توجه به نیازمندی بیمارمان و فعالیت خیریه هایی که صرفا در زمینه درمانی در ایران فعالیت می کنند، افزایش یافته است. سامانه یاری، این امکان را برای شما فراهم کرده تا بتوانید در این زمینه با مراجعه به بخش درمانی، یاری دهنده بیمارانی باشید که برای درمان و مبارزه با بیماری که خود یا نزدیکانشان با آن مواجه اند، دستان مهربان و یاری گری را می جویند. این بخش شامل زیر مجموعه های متنوعی است: «احداث و تجهیز درمانگاه و بیمارستان»، «احداث و تجهیز مرکز توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی و ذهنی»، «احداث و تجهیز سرای سالمندان» و «کمک به

ندی ها در این سایت ایده نوآورانه ای است که می تواند انگیزه های مختلف قصد کمک رسانی به نیازمندان را مت دقیق تری از نیازمندان و نیازشان فراهم کرده و در مینان را برای آنها ایجاد کند که مبلغی که برای اهدا گرفته اند به طور مستقیم برای مثال صرفا برای تهیه سفاده قرار می گیرد. اگر خیری علاقه مند باشد که صرفا تحصیلی به دانش آموزان اقدام کند می تواند در همین های ثبت شده را بررسی و با انتخاب گزینه مورد نظر و ساده، دانش آموز یا دانشجویی را بدون نگرانی از خرج به دانشگاه یا مدرسه بفرستد.

آموزشی

زشی سامانه یاری شهر امید شما می توانید یکی از اث و تجهیز دانشگاه، «کمک به پروژه های علمی و مک به هزینه تحصیل» را انتخاب کنید. در شرایطی که سرفصل موضوعی محدودی فعالیت می کنند، انتخاب حدت و تجهیز دانشگاه با کمک به پروژه های تحقیقاتی ای تازای برای خیران از یک سو فرصتی برای نیازمندان نیازمندانی که شاید در جریان زندگی روزمره معمولی و ای شده بر نامه های خیریه، نیازمندی آنها دیده و شنیده که حمایت از استعدادهایی که ممکن است به دلیل حقیقاتی را نیمه کاره رها کنند به همان اندازه می تواند بد که گره گشایی از کار یک زندانی مالی گرفتار در زندان.

فرهنگی

مشارکت در زمینه های فرهنگی حوزه های خیریه ها ماما در سامانه یاری می تواند بخش فرهنگی باشد. در بادهای برای کمک به «احداث و تجهیز کتابخانه»، «سینما»، «احداث و تجهیز مسجد»، «کمک به ت در ساخت ابنیه زیارتی انمه»، «کمک به تجهیز و تابینه زیارتی امامزادگان»، «کمک به هزینه زیارت»

از دیگر ویژگی های متمایز سامانه یاری این است که امکان مشارکت در درصدی ثبت شده را فراهم کرده به اگر برای مثال یک نیازمندی به مبلغ ۱ میلیون تومان بر طرف شما می توانید حتی با پرداخت ۱۰ هم در این زمینه مشارکت کنید. الزامی وجود ندارد که کل مبلغ یک نفر و یک جا پرداخت کند



گزارش اول

Cover story

سال اول | شماره هفدهم | شهریور ماه ۱۳۹۵ | خرداد ۱۳۹۷ | Sep 2016

یادداشت های یک عابر پیاده

آقا صفر

● احسان شغائی

از کنارم گذشت، مثل یک تصویر آشنا. تکراری از یک اتفاق در همه روزهای این شهر. آدمی شبیه همه آدم ها، با یک شلوار خاکستری بلند، کوله ای بر دوش و قدم هایی نه چندان تند. خسته بود اما نه شبیه همه آدم های این شهر. نه شبیه کارمندی که میزش را مرتب کرده، کیفش را برداشته و از اداره بیرون زده و حالا قدم زنان با هزار فکر و خیال راهی خانه می شود. او شبیه همه آدم های این شهر بود و شبیه هیچ کدامشان نبود. می گفتند آسمش صفر است. سر چهارراه های بزرگ، با یک جعبه نه چندان سبک که پر از خرده ریزه هایی مثل سوزن، نخ، باتری، سلوات شمار، مدادهای طرح سوسماری، جوراب های زنانه و دستمال های فال دار است، می ایستد و به مردم می گوید که از او چیزی یخزند آن روزی که از کنارم گذشت و لبخندی درست مثل یک آشناتحولیل من دادر خوب خاطر هست. تمنای چیزی ندانشت، لبخندی زد و رفت. نشست روی یک صندلی کنار خیابان و وقتی دوباره از کنارش رد شدم، بار هم لبخندی زد به پهنای صورتش. ماجرای من و آقا صفر نه آن روز که روزهای بعد شروع شد وقتی دوباره دیدمش و از دور نگاه کردم که به هر هگنری که با او چشم در چشم می شود، لبخندی می زند نه به تمنای کمک که انگار از سر عادت. یک روز روی همان صندلی که نشسته بود، نشستم و باز هم همان لبخند آشنا. دستش را برد توی کوله پشتی شبیه خرجینش و یک فلاکس آب را بیرون کشید و یک لیوان شیشه ای کوچک چند دقیقه بعد یک لیوان آب خنک که عطر لیمو داشت در دستم بود: «خور پسر جان! می چسبه تو گرم!» لیواش آنقدر تمیز بود و آب خنک آنقدر شفاف و مهربانی اش آنقدر صمیمانه که نمی شد در دکر آقا صفر هشت سال پیش هنگام کار گری از طبقه چندم افتاد. حالا یک بابش حس و حالی ندارد و یکی از دست هایش هم نصفه و نیمه کار می کند. خودش می گوید: زندگی معلوم نمی کنده آدم تا آخر عمر که در این دنیا نفس می کشد، چطور و به چه شکلی خواهد بود: «آن روزی که افتادم، اولش که نفهمیدم، اصلا نفهمیدم، بیهوش شدم. بعد که به هوش آمدم و فهمیدم بدنم ناقص شده، فقط از خدا خواستم که تا آخر عمر علیل و دلیل نباشم.» با بدنی که نییمی از آن نصفه و نیمه و به قول آقا صفر قاچاقی کار می کند، کار گری دیگر جواب نمی دهد: «یعنی جایی نیست که کار گزر نصفه و نیمه بخوانند. همان اوایل زنم گفت، غصه نخور آقا صفر، من خودم میرم کار می کنم، کار گری که بldم دیدلم داشت، رفت توی یک بیمارستان خب زندگی همین است. من که دوست نداشتم زنم خرج خانه روی دوشش بیفتد اما خرج زندگی وزن و بچه را من با این بدن علیل چطوری در می آوردم؟»

خندهای صورتش را بر می کند. برای منی که روزمرگی ها بالا و پایین های زندگی را سخت می گیرم و از ملال و آندوه روزگار نالانم، آقا صفر، نماد یک انسان عجیب سازگار با زندگی است. دقیقا نقطه مقابل من که با همان زندگی متوسط نسبتا روی روال که درد و آندوه بر جسته ای هم ندارد، وقتی در خیابان راه می روم افسوس ها را و شاید یک چهره عبوس خسته را با خودم حمل می کنم. می دانی وقتی یکی مثل آقا صفر کنارت زیر چنارهای خیابان و لبعصر می نشیند، ناخوداگاه با هر میزانی از تلخی و عبوسی که از روزگار درون خودت جمع کرده باشی، خنده های به پهنای صورت او را با لبخندهایی و لولونه چندان عمیق پاسخ می دهی. اقرار است که اگر بگویم هر روز اما دست که هفته ای یکبار در همان مسیر همیشگی چند دقیقه ای کنار آقا صفر می نشستم چند روز پیش بود که گفت یک خبر نیکو کاری پیدا شده و برایش در یکی از شرکت های بزرگ تهران، کاری پیدا کرده که از زیر آفتاب راه رفتن و این جعبه سنگین را روی دست های کم توان بردن، خلاصش کند. امثل شما بود. یک روز آمد از من بند کفش خرید. گفت برای دخترش می خواهد. از همین شیرنگ هایی که جوان ها دوست دارند. بعد که دید نمی توانم پول را از جیبم در بیاورم، پرسید دست چه شده، ماجرا را گفتم. آن روز حرفی نزد اما هفته پیش با تلفنی که از من گرفته بود، یک نفر رنگ زد خبر داد که بروم برای کار.» آقا صفر را چند روزی است که دیگر در همان مسیر همیشگی و روی آن صندلی زیر درختان بلند چنار نمی بنیم، رفته، لباس نگهبانی پوشیده و با همان صورت خندان و نگاه آرام کار را بلبر جوع های یک شرکت نه چندان بزرگ را در میدان فردوسی تهران راه می اندازد. من هر روز در همان مسیر همیشگی به خاطر او و حال و احوال این روزهایش فکر می کنم و اینکه شاید اگر هر کدام از مانسبت به آدم های پیرامونمان کمی عمیق تر بیابید بشم و دقیق تر نگاه کنیم، آقا صفر های زیادی باشند که جایشان روی نیمکت های خیابان و سر چهارراه های تهران زیر آفتاب بعد از ظهر نیست، هیچ وقت نفهمیدم و نخواستم ببرسم که آن مردی که آمد و صفر را برد و گذاشت سر جایی که باید باشد، کیست و نامش چیست اما می دانم هر کسی که هست، عمق مهربانی قلبش به اندازه عمق خنده های آقا صفر است، از ته دل، مهربانانه و صمیمی.

حرف های خودمانی

خیران کوچک

● الناز آذرنگ

می گویند آدم ها وقتی جوانیشان طلی می شود و بعد از دوران میانسال ی با واسطه آن است که به فکر کار خیر کردن می افتند. حساب و کتابی می کنند و بخشی از اموالشان را می بخشند. البته این گفته رایج بین مردم است و نگاهی به سبک زندگی این روزهای خیلی از آدم ها نشان می دهد که جامعه در حال تغییر است و باید این تلقی ها و نگاه ها را شکل تازه ای بخشید. دو هفته پیش وقتی در یک بازارچه خیریه که به نفع کمک های تحصیلی برای دانش آموزان بود شرکت کردم، یک نوآوری فوق العاده حضور بچه هایی بود که خودشان دانش آموز بودند و برخی غرقه ها را به نفع دانش آموزان اداره می کردند. بخشی از آنچه که در غرفه های این دانش آموزان برای فروش گذاشته شده بود، محصولات دست ساز مثل جامدادی های پارچه ای و کوله پشتی های پارچه ای که بود با کمک مادر هایشان برای بازارچه آماده کرده بودند و با چه عشقی هم آن را به نفع خیریه می فروختند. در تعداد دیگری از غرفه ها لوازم التحریر ی را برای فروش آورده بودند که هزینه خرید اولیه آنها از بخشی از پول جیبی و هفتگی شان تامین شده بود. اینها همان بچه هایی هستند که از کودکی در خانواده هایی رشد که می کنند که انسان دوستی و توجه به دیگران اصلی محوری و نهادهنده در سبک زندگیشان است و نفس کشیدن در چنین فضای مهربانانه ای از آنها خیرانی کوچک ساخته که اگر چه ممکن است در دوران کودکی با کمک بزرگترها در کار خیر مشارکت کنند اما این رفتار و روحیه در بزرگسالی زمینه ساز حرکت های فراگیرتری شده و به نوعی آنها را به انسان های نوع دوستی تبدیل می کنند که در زندگی هدف هایی والا تر از انگیزه های سطحی و روزمره را دنبال می کنند.

یکی از تفاوت های سبک زندگی اسلامی و ایرانی در کشور ما توجه به دیگران و از حال هم خبر گرفتن و هوای همسایه و

مهمتر چه کسی می داند که حقیقتا فرصتی که از عمر مانده تا چند وقت دیگر باقی است و و رای اینها نیازمندی که امروز باید مورد حمایت قرار گیرد و همان یک قدم کوچک ما شاید گرهی از کارش باشد کند، آیا فردا هم نیازمند کمک خواهد بود؟ یا اینکه دیر شده است و ما تعلل کرده ایم؟

فقر و مشکلات اقتصادی گریبان بسیاری از مردم را گرفته است. نه اینکه راه دور بروید همین نزدیکی ها، چند محله آسنتو تر یا چند خانه آن طرف تر افرادی زندگی می کنند که این روزها و در آستانه ماه مهر که قرار است بچه ها به مدرسه بروند برای خرید لوازم التحریر و وسایل مورد نیاز برای شروع یک سال تحصیلی جدید دست هایشان خالی است. ممکن است که آدم در بزرگسالی بتواند با نداشتن ها و کمبودها و با فقر با فهم دیگری دست و پنجه نرم کند اما بچه هایی که قرار است با هم سر یک کلاس بنشینند، خجالت پوشیدن کفش های پاره یا کیف های نداشته برایشان سنگین است. تا فرصتی مانده می شود، آستین همتی بالا زد و برای بچه هایی که قرار است تا چند روز دیگر به مدرسه بروند اما کیف و کفش و لباس مناسب ندارند، کاری کرد.

خیریه شهر امید نیکان، پیش از این و در سال گذشته با برگزاری طرح کوله پشتی مهر و اهدای کوله پشتی و لوازم التحریر به بچه های نیازمند آنها را با صورت های خندان و دل هایی خوشحال به مدرسه فرستاد و امسال شما می توانید با اهدای کمک های انسان دوستانه و مشارکت در این طرح سه می در شادی کودکانی داشته باشید که برای شروع فصل مدرسه نیازمند همراهی و کمک هستند. اگر اینطور است و تصمیمی برای کمک دارید می توانید با شماره تلفن های های خیریه شهر امید نیکان: ۰۴۶۴۷۰۰۸۸۰ و ۰۴۶۴۸۰۰۸۸۰ تماس بگیرید. دستانی منتظر دستان پر مهر شماست، در آستانه همان ماهی که اتفاقا نامش هم ماه مهر است.



نیز دردمندان و نیازمندان را داشتن است. اگر چه که این روحیه جمعی در نتیجه بزرگتر شدن شهر ها و زندگی غربیه گونه کنار هم در شهر های بزرگ تا حدی آسیب دیده اما غیر متصفانه است اگر بگویم مردم ایران نیکو کاری و مشارکت در امر خیر را فراموش کرده اند که این شنی نیست و تا وقتی که زندگی به سبک و سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) در زندگی و مشی و سلوک مردم ایران جاری است، محال است که آنها نیکوکارانه زیستن را فراموش کنند. با وجود این زنده نگه داشتن این روحیه و کوشیدن برای اینکه مشارکت در امور خیریه بخشی از انتخاب و زندگی ما باشد، کمترین تاثیری که دارد این است که به تدریج افرادی را که شاید کمتر به این موضوع و اهمیت آن توجه می کنند را برای حضور بیشتر و پر رنگ تر در فعالیت های اجتماعی و خدایسندانه به حرکت وا دارد. یک نکته مهم این است که یادمان باشد برای کار خیر کردن و گرهی باز کردن از کار مردم و نیازمندان، حتما به قدم های بلند و صرف هزینه های سنگین نیاز ی نیست. هر فردی اگر به وسع خود در این عرصه بکوشد و وارد شود نتیجه می شود مصداق همان مثل معروف قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود و همین است اساس فعالیت های جمعی که می تواند قطار نیکو کاری را به حرکت بیاورد. نباید فرصت ها را به بهانه اینکه می خواهیم چند سال دیگر یا چند دهه دیگر بخشی از اموالمان را صرف امور خیریه کنیم آنقدر به تاخیر بیاوریم که زمانش دیگر گذشته باشد و از همه اینها

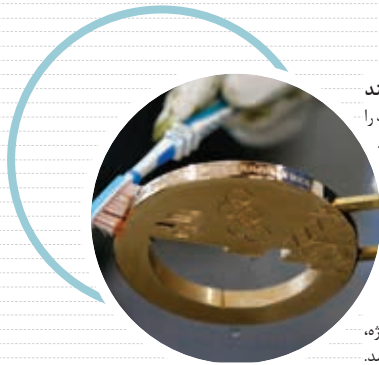
۰۹۱۲۰۱۸۳۳۳۳۴۵
۰۲۱۰۸۸۰۰۴۶۴۷

www.shahromid.org

نیت نیکو کارانه و خیریه های خیریه های خیریه های خیریه

Telegram/@shahromid

Instagram/shahr.omid



🏅 **تولید مدال‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو از باز یافت تلفن‌های هوشمند**

ویدیویی که زاین برای المپیک ۲۰۲۰ منتشر کرده، نشان می‌دهد این کشور قصد دارد عناصر فرهنگی خود را در المپیک توکیو به نمایش بگذارد. ظاهر توکیو برنامه‌های زیادی برای المپیک تابستانی در نظر گرفته است. مسئولان بازی‌های ۲۰۲۰ می‌خواهند با استفاده از باز یافت محصولات دیجیتال، مدال‌های طلا، نقره و برنز المپیک را تهیه کنند. ایده این کار چندان پیچیده نیست. در واقع به جای این که زاپنی‌ها دست به دامان شرکت‌های استخراج معدن شوند، می‌توانند با استفاده از باز یافت محصولات الکترونیکی، به مقدار کافی طلا، نقره و برنز به دست آورند. البته تامین مواد کافی برای این مسئله می‌تواند به یک چالش بدل گردد. با این که مواد حاصل از باز یافت این وسایل برای تامین منابع کافی به نظر می‌رسند، بیشتر لوازم الکترونیکی باز یافتی در ژاپن، دوباره صرف ساخت همین دستگاه‌ها می‌شوند. در همین رابطه، کمیته برنامه‌ریزی المپیک از شرکت‌های مرتبط خواسته تا ایده‌های خود درباره چگونگی تامین منابع را مطرح کنند. کشور ژاپن امیدوار است بتواند با انجام این پروژه، تمام مردم را به نوعی در بازی‌های المپیک شرکت داده و به نوعی استفاده بهتری از زباله‌های الکترونیکی داشته باشد.

لحظه‌های به یاد ماندنی ریو

بسیاری از مخاطبان نیز اظهارات کارشناس این برنامه را مبنی بر بی‌غیرت خواندن لیبار جیبی برداشت کردند و موج گسترده اعتراض در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد. این قهرمان سابق دوومیدانی در مصاحبه‌ای به خبرگزاری فارس گفت: «منظور من این بود که باید با غیرت و تمرکز بیشتری در مسابقه حاضر می‌شد و اصلاً کلمه «بی‌غیرت» راه کار نبردم.»

خانم رجبی نیز در واکنش در صفحه اینستاگرامش نوشت: «من ایرانی‌الاصل نیستم اما حدود ۱۰ سال است که تابعیت ایران را پذیرفته‌ام و ایران را دوست دارم و در ایران زندگی می‌کنم و ایران را کشور خودم می‌دانم و بارها پرچم سه رنگ ایران را در میدان بین‌المللی برافراشته‌ام که این افتخار بزرگی برای من بوده است.»

تلاش قهرمانانه با وجود مصدومیت

زمین خوردن محمدجعفر مرادی، دونده ایرانی در دوی مارا تن مردان المپیک ریو نیز واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی را در پی داشت. آقای مرادی در این مسابقه با ۱۵۴ دونده دیگر رقابت کرد و با وجود اینکه در نزدیکی خط پایان زمین خورد، با سستی خود را به خط پایان رساند. اگرچه او موفق به کسب مدالی در این رشته نشد اما کاربران ایرانی تلاش او را برای عبور از خط پایان با وجود مصدومیت ستودند و او را قهرمان نامیدند. آقای مرادی موفق شد رتبه ۱۲۹ را با ثبت زمان ۲.۳۱.۵۸ ساعت به دست آورد.

حضور در بازی‌های بین‌المللی بر خوردار هستند همچون طلسمی بود که شکسته شد. او اولین زن ایرانی است که در تاریخ المپیک موفق به کسب مدال شد. او در رشته تکواندو مدال برنز کسب کرد، برنزی که به گفته بسیاری از ایرانیان طعم طلا داشت. علیراده که ۱۸ سال دارد بعد از پیروزی گفت: «خوشحالم، راهی را باز کردم تا زنان ایرانی بتوانند در المپیک‌های بعدی مدال‌های خوش رنگ‌تری کسب کنند.»

«غیرت» دومیلیتی خبرساز شد

کلمات به کار رفته در برنامه‌های ورزشی تلویزیون ایران درباره لیبار رجبی، باز یکن دو ملیتی تیم المپیک ایران در برزیل واکنش بسیاری از ایرانیان را در شبکه‌های اجتماعی در پی داشت. زمانی که خانم رجبی نتوانست امتیاز بالایی از پر تاب وزنه به دست آورد، احسان مهاجر شجاعی، کارشناس برنامه گفت که او باید کمی غیرت به خرج می‌داد.



گرفته اما این عکس نشان‌دهنده دوستی بین دو ورزشکاری است که کشورهاشان سال‌هاست با یکدیگر در حال جنگ هستند. گرچه برخی از اخبار حاکی از احتمال تنبیه ژیمناست کره شمالی در بازگشت به کشورش بود اما در نهایت این تصویر که نمایش دوستی واقعی میان مردم دو کشور است از یادها نخواهد رفت.

مایکل فلیس و کیتی لدکی

کیتی لدکی زمانی که دختری ۹ ساله بود از مایکل فلیس قهرمان اسطوره‌ای ورزش شنا و الگوش امضا گرفت و با او عکس انداخت. عکسی که ۱۰ سال پیش گرفته شد در روزهای المپیک و پس از قهرمانی کیتی در شای بانوان خبرساز شد. این بار کیتی لدکی ۱۸ ساله بود که برای مایکل فلیس ۳۱ ساله قهرمان جهان امضای کرد. هر دو قهرمان در رقابت‌های شای المپیک برای کشورشان مدال طلا کسب کردند.

درخواست از دواج در المپیک

هه‌زی از چین که در فینال شیرجه سه متر زنان از روی تخته فنی دوم شد و مدال نقره را به گردن آویخت، پس از پایان آمدن از روی سکو با صحنه‌ای غافلگیرکننده مواجه شد. کین کای که او نیز عضو تیم شیرجه چین است و در ریو حضور داشت، با زانو زدن در مقابل هه‌زی از نایب قهرمان شیرجه زنان خواستگاری کرد. قهرمان شیرجه زنان نیز اشک‌ریزان درخواست کین کای را پذیرفت.

باهیم بهنامیم

خواهران دوقلوی آلمانی شرکت‌کننده در رقابت‌های دوی مارا تن المپیک ریو در حالی که دست در دست یکدیگر داشتند، از خطر پایان گذشتند. لیزا و هنر ۲۶ ساله، دوقلوهای دونده آلمانی تمرین‌ها و شرکت در مسابقه‌ها را با یکدیگر آغاز کردند و تصمیم گرفتند همراه یکدیگر آن را به پایان برسانند.

زن تاریخ ساز ایران در المپیک

پیروزی کیمیا علیراده، بانوی تکواندو کار ایرانی نه تنها برای مردم ایران به خصوص برای زنان ایرانی که با محدودیت‌های بسیاری جهت



المپیک ریو ۲۰۱۶ با شگفتی‌های بسیاری همراه بود. شگفتی‌هایی که گرچه به کسب مدال طلا منتهی نشد اما لحظات زیبا، انسانی و جوامردانه را به نمایش گذاشت.

نیکی هامیبلون دونده نیوزیلندی قطعاً لایق کسب جایزه بازی جوامردانه المپیک ۲۰۱۶ بود. هامیبلون در جریان مسابقه دوی پنج هزار متر زنان، در حالی که دو هزار متر تا پایان این رقابت باقی مانده بود، پس از زمین خوردن ناگهانی دی آگوستینو دونده آمریکایی که در مقابل او بود، زمین خورد اما پس از بلند شدن به جای ادامه مسابقه به دونده آمریکایی که میچ پایش آسیب دیده بود کمک کرد و از زمین بلند شد و با هم از خط پایان بگذرند. کمیته بین‌المللی المپیک این اقدام را سمبل فداکاری و انسانیت معرفی کرد.

دوستی دو کره

عکس سلفی لی اون جو، ورزشکار کره جنوبی و هونگ اون جونگ، ژیمناست کره شمالی در شبکه‌های اجتماعی نیز از عکس‌های پر حاشیه مسابقات المپیک بود. این تصویر در حالی منتشر شد که تنش سیاسی میان دو کشور بیش از هر زمان دیگری شدت

داستان اراده دونده برزیلی



شنا کردن چون در آن زمان لباس شنا داشتیم و پول کافی نداشتیم تا کفش ورزشی بخرم. وقتی پس از نخستین تمرین شنا به خانه برگشتم، به خواهرم گفتم می‌خواستم بدوم نه اینکه شنا کنم. اما کفش نداشتم. خواهرم بلافاصله گفت که یک جفت کفش دارد و اگر من بخواهم، حاضر است آن را به من بدهد و من آن را قبول کردم.»

گیلمینیا روز بعد به مجموعه ورزشی رفت و دویدن را آغاز کرد، چون او هیچ علاقه‌ای به ادامه حضور در رشته شنا نداشت.

وی گفت: «به مربی‌ام گفتم که واقعا دوست دارم، بدوم و قصد ندارم به استخر بازگردم. او مرا به دو و میدانی فرستاد و از آن زمان دوره حرفه‌ای من آغاز شد. نخستین تمرینم شرکت در دوی پنج هزار متر بود. در آن زمان همه آنچه دوست داشتم، دویدن بود. اصلاً برایم مسافت اهمیتی نداشت.»

گیلمینیا دوم شد و برای نخستین بار در زندگی‌اش روی سکو ایستاد. او به خاطر می‌آورد که از همان زمان تصمیم گرفت، سریع‌ترین دونده جهان شوم. دونده برزیلی گفت: «جایزه نفرات اول تا سوم ۶۰، ۸۰ و ۱۰۰ رنال - تقریباً بین ۲۰ تا ۳۰ یورو - بود. وقتی جایزه را گرفتم، فکر کردم میلیونر شدم. بعد از مسابقه بلافاصله به فروشگاه رفتم و ماست مورد علاقه‌ام را خریدم. چون وقتی بچه بودم پدر و مادر پول نداشتند غذاهای مورد علاقه‌ام را

ترژی‌ها گیرمینیا دونده برزیلی قهرمان پارالمپیک، از زمان‌هایی می‌گوید که علاقه‌مند بوده دونده شود اما حتی پول خرید یک جفت کفش را نداشت.

این دونده برزیلی در پارالمپیک ۲۰۰۴ آتن موفق شد در ماده ۴۰۰ متر T۱۲ به مدال برنز دست پیدا کند.

این دونده ۲۷ ساله که در مواد ۱۰۰ متر و ۴۰۰ متر T۱۱ رکورد جهان را در اختیار دارد، امیدوار است بتواند در خانه به رکوردهای بیشتری دست پیدا کند.

گیلمینیا در برنامه‌ای تحت عنوان «چطور من به این رشته آمدم» در خصوص اینکه چگونه با ورزش زندگی خود را تغییر داد، صحبت کرد.

وی گفت: «در سال ۲۰۰۰ و زمانی که ۲۲ سال سن داشتم، در رشته روانشناسی مدرک گرفتم، اما خودش را در وضعیت تمام کسانی دید که در سراسر جهان فارغ‌التحصیل شده‌اند، اما بی‌کار بودند.» این دونده برزیلی گفت: «واقعا سخت است که پس از دانشگاه بتوانی شغلی پیدا کنی. من نمی‌توانستم برای خودم شغلی دست و پا کنم؛ چراکه کاری برای روانشناس‌ها پیدا نمی‌شد.» کمبود شغل در شهرش «بیتیم» در ایالت «میناس گرایس» باعث شد که او دست به کار دیگری بزند. کاری که فکر نمی‌کرد در سال‌های بعد به‌طور جدی به آن بپردازد این دونده برزیلی گفت: «مسئولان شهرم برنامه ورزشی‌ای را برای افراد معلول ترتیب داده بودند و من تصمیم گرفتم آن را امتحان کنم. شروع کردم به

کمک نقدی هواداران سلتیک

به فلسطینی‌ها



هواداران سلتیک ۷۵ هزار پوند به خیریه های فلسطینی در اعتراض به محرومیت و جریمه فیفا برای آنها پرداخت کردند.

هواداران سلتیک در دیدار تیم شان مقابل نماینده رژیم صهیونیستی در پلی آف چمپیونز لیگ، پرچم فلسطین را به داخل ورزشگاه آوردند. پس از این اتفاق، یوفا با رای نهایی کمیته انضباطی خود تصمیم گرفت آنها را جریمه کند و رای خود را نیز در این رابطه صادر کرد.

در پاسخ به این اقدام یوفا، هواداران سلتیک در اینترنت وب سایتی به وجود آوردند و موفق شدند ۷۵ هزار پوند جمع آوری کرده تا به خیریه ای که برای کمک های دارویی به فلسطینی ها تلاش می کند کمک کنند.

آنها از هشتگ Matchthefineforpalestine کمک گرفتند تا توانستند این مقدار پول جمع آوری کنند. در عرض ۲۴ ساعت، مبلغ ۷۷ هزار پوند جمع آوری شد و سقف آن توسط راه اندازان این کمپین به ۸۰ هزار پوند افزایش یافت. در بیانیه دوم هواداران آمده که مبلغی که اضافه بر ۷۵ هزار پوند جمع آوری شده قرار است برای تهیه لباس و لوازم فوتبال برای پناجویان سوری هزینه شود.





✦ مراسم کلنگ زنی مجتمع خانه مهر بناب

خیرین بنایی در مراسم کلنگ زنی مجتمع خیریه خانه مهر بناب چندین قطعه زمین با ارزش و همچنین مبالغی را به صورت نقدی برای احداث خانه مهر بناب اهدا کردند.

این مجتمع در زمین اهدایی یکصد میلیارد ریالی محمودی مشعوف کلنگ زنی شد که در آن علاوه بر نگهداری کودکان بد یابی سرپرست برای هزار نفر از زنان بی سرپرست نیز اشتغال ایجاد خواهد شد. در این مراسم مدیر کل بهزیستی استان آذربایجان شرقی از وجود ۱۵۶۰ کودک بدسرپرست و بی سرپرست در استان خبر داد و گفت: از این تعداد ۳۰۰ دختر بی سرپرست یا بدسرپرست در مراکز خیریه که توسط خیرین اداره می شود نگهداری می گردند. محسن ارشدزاده گفت: دوام تربیت و تحصیل کودکان بی سرپرست به همت عالی خیرین بستگی دارد و این خیرین هستند که در جهت تأمین مسکن، تحصیل و اشتغال این افراد شبانه روز در تلاش می باشند و همانند فرزندان خود کودکان نیازمند را مورد تکریم قرار می دهند. سیما شافعی، مدیرعامل خانه مهر نیز گفت: این مرکز با پنج نفر دختر بدسرپرست کار خود را آغاز و تاکنون توانسته است از ۴۱ دختر بی سرپرست نگهداری نمایند.

گفت و گوی «شهرامید» با مهین دخت پروین، خیر شاخص خیریه رد:

بازنشسته شدم اما در خانه نماندم

✦ آرزوهای

زندگی در این شهرهای شلوغ و پر هیاهو، برای عده‌ای از ساکنانش پس سخت و رنج آور است. انسان هایی که شاید ما آن‌ها را نمی‌بینیم و شاید گاه از سر غفلت به راحتی از کنارشان می گذریم. آن‌ها گاهی از ساده ترین نعمت‌های زندگی هم بی بهره‌اند. اما در همین شهرهای نفس بریده، کسانی نفس می کشند که علاوه بر رشد و تعالی خودشان بخشی از زندگی خود را وقف «دیگری» می کنند. کسانی که هر نعمتی دارند؛ مال، سلامتی، علم و نیروی عشق و ورزیدن را خاضعانه با دیگران قسمت می کنند. گفت‌وگوهای این صفحه با هدف آشنایی با برخی از مهربانان شهرمان است. نیکو کارانی که اعتقاد دارند، امید هنوز در این شهر نفس می کشد. مهین دخت پروین، خیر شاخص مجتمع «آموزشی – فرهنگی» رد، عد، اولین خانم فارغ التحصیل رشته کشاورزی در ایران است. وی مدتی در سازمان کشاورزی مشغول بود و سپس تا زمان بازنشستگی در سازمان برنامه و بودجه فعالیت داشت و بعد از آن به جمع خیرین فعال ایرانی پیوست. او زندگی خود را وقف این موسسه غیردولتی «آموزشی – فرهنگی» کرده، موسسه‌ای که محلی برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به افراد معلول جسمی با به اصطلاح این موسسه توانا یابان است. او در همه این سال‌ها توانسته زندگی شخصی، اجتماعی و شغلی خود را به بهترین شکل ممکن مدیریت کند. در یک صبح گرم تابستانی سراغ او رفتیم و وی با رویی گشاده پاسخگوی سوالاتمان بود و تجربیات ارزشمند خود را در اختیار ما گذاشت که در ادامه آن را با تفصیل می خوانید.

✦ خانم پروین از سال‌های اولیه فعالیتتان برایمان بگویید؟ چطور همکاری با موسسات خیریه را شروع کردید؟

بعد از بازنشستگی به هیچ عنوان انگیزه خانه نشستن نداشتم. هنگامی که محل سکونت‌مان را به شهر که غرب انتقال دادیم فهمیدم که در نزدیکی ما مرکز خیریه «آموزشی – فرهنگی» رد وجود دارد، با فاصله در سال ۱۳۷۸ به این مجموعه ملحق و عضو گروهی به نام گروه همپاری بلون شدم.

✦ آیا جز نزدیکی به محل سکونتتان انگیزه شخصی هم برای ملحق شدن به «رد» داشتید؟

بیشترین انگیزه فعالیت من عشق و ایثار بود که مسئولین مجموعه نسبت به چه‌ها داشتند و دارند این نوع بر خورد برای هر خیریه که وارد اینجایی شود انگیزه خوبی است. دلیل دیگرم اشتیاق به انجام فعالیت‌های اجتماعی بود، به هیچ عنوان دوست نداشتم در خله بنشینم و فقط به کارهای خله اکتفا کنم چون ضمن اینکه فعالیت در خله جزو اولویت‌های من بوده همیشه فعالیت در اجتماع را هم در کنار کارهای خله جلوی می ردم و نوعی برایم اولویت بالایی بود. متاهل و دارای سه فرزند هستم که همگی ازدواج کرده و افرادی موفق و فعال هستند برایم خیلی مهم بود که این موسسه منحصرا خیریه‌ای برای کمک‌های مادی نیست و کمک‌های فرهنگی نیز انجام می دهد. توان یابان را از منزل و انزوای بیرون می آورد و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منجر به اشتغال آن‌ها می شود چون معتقدم این افراد قادرند در جامعه حضور داشته باشند و مفید واقع شوند. بنابراین موسسه رد انتخاب کردم.

خیلی از افراد می پرسند که از دیدن این چه‌ها احاطه نمی شوی. با قوت و قدرت جواب می دهم نه! این‌ها توان یابند، معلول نیستند و در این موسسه انسان‌های با اعتماد به نفسی شده‌اند. به این دلیل که می بینند تنها خودشان درگیر مشکلات جسمی نیستند معلولیت دارند ولی از ذهن فعالشان استفاده می کنند و در زمینه‌های مختلف توانایی‌های خود را نشان می دهند. برای مثال در طبقه سوم همین ساختمان برای توان یابان دانشگاه داریم آن‌ها در رشته‌های مختلف تحصیل می کنند و بعد از اتمام مدرک می دهند.

✦ اوایل شروع همکاری در موسسه رد چه می کردید؟

من عضو دفتر مراکز مشابه رد کشور و عضو گروه همپاری بلون بودم. در جلسات گروه مراکز مشابه رد، جلسه می گذاریم و درباره مناطقی که متقاضی تأسیس مراکز مشابه‌اند مذاکره می کنیم. به این شکل که از

نمایندگان آن‌ها درخواست می کنیم از مراکز اصلی رد در تهران بازدید کنند و با فعالیت‌های آن آشنا شوند، سپس به صورت گروهی یا فردی به استان مربوطه مراجعه و به تشکیل این مجموعه در آن استان کمک می کنیم. در ابتدایین مراکز تازه تأسیس به صورت شعبه‌اند و تا خود کفایی کامل تحت نظر ما کار می کنند و مرتباً از تهران با آن‌ها در تماس هستیم ولی بعد از آشنایی کامل با فعالیت‌ها خودشان به صورت مستقل فعالیت می کنند گروه همپاری بلون نیز با چهار نفر در سال ۱۳۷۳ شروع به فعالیت کرد که به تدریج اطلاع سانی و این تعداد زیاد شدند. ما روزهای دوشنبه دور هم جمع می شویم و راجع به فعالیت‌های در امضا صحبت و تصمیم می گیریم؛ مثلاً بازار چه خیریه، جشنواره غذا یا کنسرت‌هایی با همکاری گروه‌های مختلف هنری بر گزار

من عاشقانه این بچه‌ها را دوست دارم. وقتی وارد مجموعه می‌شوم و آن‌ها چشم‌هایشان برق می‌زند و به سمت من می‌آیند این برای من خیلی لذت بخش است

می کنیم و همه در آمد حاصل از این فعالیت‌ها صرف هزینه‌های آموزشی توان یابان می شود.

البته در زادگاهم، سنجند یک موسسه رد دایر کردم. عضو هیئت‌امنا و هیئت‌مدیر موسسه رد شرق تهران هم هستم.

✦ چه تعداد موسسه رد در سراسر کشور وجود دارد؟

در حال حاضر ۲۰ مجموعه رد در کل کشور داریم که متشکل از گروه همپاری بلون و گروه جوانان هستند. تعدادی از گروه جوانان بچه‌های خود موسسه‌اند که در فعالیت‌های در آمدن نقش مهمی دارند.

✦ غیر از موارد قبلی که اشاره کردید آیا در حال حاضر فعالیت دیگری هم دارید؟

این‌ها لاله کلاس‌های آموزشی‌ای برای گروه بلون، جوانان و خود پرسنل رد خواهیم داشت که بتوانند کارآمدتر باشد و مهارت خود کنند. در این زمینه هم قرار است فعالیت کنم.

✦ آیا حمایت‌های مالی گسترده هم از موسسه داشته‌اید؟

پشتوانه مالی ما خیرین هستند. گروه همپاری بلون، جوانان و افراد خیر آزاد که بدون عضویت در گروه خاصی کمک‌های مالی می کنند. من نیز علاوه بر حق عضویت ماهانه تا آنجایی که توان دارم در زمینه بر گزاری بازار و سایر فعالیت‌ها ریج نمی کنم.

✦ خانم پروین یکی از محورهای کاری شما حوز ه زنان بوده، به نظر شما مهم ترین مشکلات کار در این حوزه چیست؟

یکی از مشکلات عموطف یاد خانم‌های فعال در حوزه نیکو کاری است چون از نزدیک با مسائل و مشکلات مواجه می شوند و عموطف خاصی دارند بیشتر خود را درگیر مسائل مجموعه می کنند و به همین دلیل آسیب روحی بیشتری نیز نسبت به مردان می بینند. عده مشکلات بلون توان یاب نیز در حه اول وضعیت ظاهر شان است. همه به آن‌ها خیریه می شوند و حتی نسبت به آن‌ها احساس ترحم دارند دختران ما اصلاً این وضعیت را دوست ندارند اینجای اعتماد به نفس کافی را به آن‌ها می دهند که در خیابان و اماکن عمومی خیلی راحت ظاهر شوند اما در جامعه هنوز تا حدی این مشکل وجود دارد. قبلاً در خانه غذایی می خوردند، استراحتی می کردند و به حقیقت روز به روز از نظر روحی افت می کردند اما الان توانایی‌های خودشان را می بینند در کلاس‌های مختلف شرکت می کنند و هنر خودشان را نشان می دهند.

✦ مهم ترین نیاز موسسه برای کمک به این بچه‌ها چیست؟

مهم تر از همه این است که این بچه‌ها هم‌زمان با اتمام دوره آموزشی حتماً

امکان کار کردن داشته باشند اگر توان یاب در اینجا آموزش ببیند ولی منجر به فعالیت نشود از اول هم افسر دتر خواهد شد. به این منظور واحدی به نام کار آفرینی داریم، این جوانان کار آفرین مدام در حال جست و جوی شغل هستند ولی توان یابان تنها سه در صد سهمیه اشتغال دارند و در جامعه‌ای که در صد بیکاری بالا است و خیلی از تحصیل کرده‌های دانشگاهی بیکار زنده اشتغال توان یابان برای ما خیلی مشکل است س‌ز ما ل ه اغلب ترجیح می دهند که افراد سالم را استخدام کنند و اولویت اشتغال را به آن‌ها می دهند. ما برای بالا بردن شانس استخدام در بدو ورود بچه‌ها را گزینش می کنیم. گروه گزینش متشکل از روان شناس، جامعه شناس، مددکار و متخصص آموزش، استعداد های آن‌ها را بررسی می کنند و در حال حاضر با تمام سازمان‌های غیر دولتی در ارتباطیم و در همه مراسم‌ها از آن‌ها دعوت می کنیم و با آن‌ها همکاری متقابل داریم، ما همه پیشگیری‌ها برای بروز مشکل بیکاری را در نظر گرفتیم ولی همچنان این مشکل تاحدی وجود دارد.

✦ آیا این مشکل برای زنان به نسبت مردان بیشتر است؟

معمولاً ما با این بینش جلومی رویم که یک فرد توان یاب و فرد سالم با هم دیگر حرکت و پیشرفت کنند و توان یاب زن و مرد به یک میزان امکان ترقی داشته باشند پس توان یایی دلشتم که با وجود مشکلات حرکتی و استفاده از ویلچر بسیار فعال بود و به سرعت وارد بازار کار شد. هر صبح مدیرعامل شرکت دم در منتظر اومی ایستاد و خودش او را تأمیز کارش می برد آن‌ها به قری استعداد دارند و فعالیت‌هایشان ارزشمند است که در خیلی موارد با یک فرد سالم برابری می کنند.

✦ مهم ترین دغدغه موسسه برای گسترش فعالیت چیست؟

برای استمرار و تحقق اهدافمان همیشه نیاز به منابع مالی داریم. منابع مالی ما خیرین هستند و وضعیت مالی مردم هم مثل گذشته نیست؛ مهم ترین چیزی که حرف اول را می زند داشتن منابع مالی است. اگر ما این را داشته باشیم می‌توانند با هم چنان گسترش پیدا می کنند.

✦ پس به نظر تان مذهب خیرین بیشتر، اهمیت زیادی در گسترش فعالیت موسسه دارد.

بله ما اینجا متخصصین شاخص زیادی داریم. زمانی تخصص و قابلیت آن‌ها به مرحله اجرا در می آید که نیازهای مالی بر طرف شوند. خود خیرین برای ما خیلی اهمیت دارند. ما باید آن‌ها را تشویق کنیم و به همین منظور در برنامه‌های تفریحی یا درآمزان آن‌ها را دعوت می کنیم و کارت دعوت برای آن‌ها می فرستیم و از آن‌ها تشکر می کنیم تا همچنان به کمک‌هایشان ادامه دهند.

✦ به نظر شما بار خورد خیریه‌ها و ارتباطشان با خیرین باید چگونه باشد؟

خیریه‌ها باید با خیرین ارتباط مستمر داشته باشند و به آن‌ها اهمیت بدهند و از کمک‌هایشان قدر دانی کنند و آن‌ها را در جریان برنامه‌های موسسه قرار دهند.

✦ ارتباط موسسه را با خیرین چطور از زبانی می کنید؟

کسی که فرصت و انگیزه کار خیر را داشته باشد این فرصت برایش مهیاست. ما خیریه را داریم که آرزوی شرکت در جلسات را داریم ولی به دلیل کمپولت سن دیگر قادر به این کار نیست اما نهایت آرزویش را با کمک‌های مالی ای که از طریق همسایه‌اش می فرستد بر آورده می کند. البته باید توجه داشته باشیم که در هر کاری ممکن است ناگاهانه کوتاهی‌هایی هم اتفاق بیفتد و به دلیل تراکم کار به دوستانی که اینجایی آید و می روند بی توجهی شده باشد ولی ما تلاش می کنیم همیشه قدرشناس خیرین خود باشیم.

✦ پیشنهادتان برای تعامل بیشتر چیست؟

از تعامل با جامعه باید خیلی تنگ‌نگ باشد گاهی با خیریه بر خورد می کنیم که اصلاً شناختی از اینجاند را پس باید تلاش کنیم تبلیغاتمان را گسترده‌تر کنیم. روابط عمومی با پوستر ها، تراکت‌ها و نشریه‌ای به نام توان یاب تبلیغات مکتوب زیادی دارد و از طریق وسایل ارتباط جمعی نیز می‌توان تبلیغ می کنند و به عنوان یک خبر تلاش می کنم در هر جمعیتی که حضور دارم حداقل



سال اول | شماره هفدهم | شهریور ماه ۱۳۹۵ | خا لجه ۱۳۲۷ | Sep 2016



فرد کنار خودم را به این موسسه ا تباط دهم. به او توضیح می دهم که من یک بازنشسته هستم. ترجیح دادم در اینجا فعالیت کنم و اینکه هر کدام از ما این رسالت را داریم.

حتی تابلوی دم در هم مهم است. بارها دیدم خانم یا آقای با دیدن آن به حسابداری رفته و کمک کرده‌اند.

✦ نشریه موسسه توزیع عمومی دارد؟

بله. توان یاب فصلنامه است و فعالیت‌های موسسه را با تلب می دهد.

لطفاً کمی بیشتر در باره نحوه تبلیغات موسسه توضیح دهید؟ زمانی که فعالیت‌هایی مانند بازار چه خیریه، کنسرت و... داریم از طرف روابط عمومی اوراق تبلیغاتی چاپ می شود و در زمان برگزاری این فعالیت‌ها در سطح شهر، این تبلیغات در اماکن پر جمعیت و برج‌ها، مخصوصاً شهرک غرب نصب می شوند. مردم تشریف می آورند و با خرید بلیت در این مراسم‌ها شرکت می کنند و با یک عصرانه بسیار متنوع که دست پخت خانم‌های مجموعه است پذیرایی می شوند. برنامه‌های شاد، موسیقی و... داریم. اگر برای خیرمان خدای نکرده اتفاقی بیفتد و فردی از خانواده‌اش فوت کند ما استندهای سوگوری با آرم موسسه را به مسجد می فرستیم و در مراسم شادی هم همین کار می کنیم.

✦ راهی که خیر را موجب به ماندن می کند چیست؟

یکی از راه‌ها این است که خیر دستاورد عینی و ملموس کمک خود را چه از لحاظ مادی یا معنوی مشاهده کند. مثلاً من نوعی پنجاه میلیون به موسسه کمک کردم اگر بدانم در چه راهی صرف شد و توانست راهگشا باشد موجب به ملدن می شوم. مادر خیرهای را دیو و تلویزیون به مردم اطلاع رسانی می کنیم که فضا این برنامه را داریم و خیر می تواند در جلسات هفتگی ما حضور پیدا کند و عضو گروه بلون شود.

✦ همه خیرین شما این امکان را دارند؟

نه! آن‌هایی که فرصت و علاقه این کار را داشته باشند.

✦ یعنی می‌توانند با موسسه همکاری کنند؟

بله، حسابداری آن‌ها را به بخش روابط عمومی معرفی می کند و خانم‌های روابط عمومی درباره نحوه کار ما و شرایط همکاری با آن‌ها صحبت می کنند. نیاز به این ارتباط تنگاتنگ این اواخر احساس و برقرار شده با قبل از اینکه شما وارد این موسسه شوید نیز این کار اتمام می شد؟ از سال اول تلاش‌هایی برای ایجاد این رابطه وجود داشت ولی به این گستردگی نبود و روق در طول زمان این نیاز پیدا و گسترده‌تر شد. تجربه به دست آمد و راهیایی صورت گرفت.

✦ اوایل این رابطه چگونه بود؟

خیلی خوب بود. من در جمع گروهی قرار گرفتم که عاشقانه دوست داشتند در اینجا فعال باشند. مثلاً خانم‌های آشپزی را داریم که در خانه‌های خود آشپز و خدمه دارند ولی اینجا در آشپزخانه و زمان بازار مشغول آشپزی‌اند. رستوران و غرفه داریم. صنعتگران و تولید کنندگان محصولات خود را در غرفه‌های فروشند و کل پول فروش با قسمتی از آن را در اختیار ما می گذارند و بعد از آن با موسسه ا تباط مستمر پیدا می کنند.

✦ لذت بخش ترین تجربه‌ای که در همه این سال‌ها داشتید چه بوده است؟

من عاشقانه این بچه‌ها را دوست دارم. وقتی وارد مجموعه می شوم و آن‌ها چشم‌هایشان برق می زند و به سمت من می آیند این برای من خیلی لذت بخش است.

✦ فکر می‌کنید مهم ترین دستاوردتان در همه این سال‌ها چه بوده است؟

همیشه احساس خوبی دارم و از وقتم به بهترین شکل استفاده می کنم.

✦ برای تبلیغات از برای در اختیار خیرین قرار می گیرد؟

خانم‌های خیر خود را موظف می دانند که در هنگام بازار، تبلیغاتی را از روابط عمومی بگیرند و در فضا‌های عمومی و محل سکونت خود نصب کنند.

آگهی و تبلیغات شهرامید

۰۹۱۲-۳۹۰۶۶۴۸

۰۲۱-۸۸۰۰۴۶۴۷

با ما تماس بگیرید

snowa

فروشگاه اینترنتی محصولات اسنوا

snowacenter.ir

۰۲۱-۲۲۷۴۴۸۳۳

تلفن تماس

روی ما حساب کنید



دنیای درویشان واقف

درویشان در گذر روزگار آن دیرینه این سرزمین، بیشتر بنابر اصول اخلاقی خود به مادیات بی توجه بوده‌اند. برخی گاه تا بدانجا به زندگی دنیوی پشت می کرده‌اند که آواره کوه و صحرا می‌شدند، در دل کوه و غاری پناه می‌جستند، به آذوقه‌ای ناچیز قانع بودند و همه عمرشان در راز و نیاز به درگاه پروردگار وقف می‌شد. کسانی اما در میان درویش‌ها بودند که زندگی در میان مردم را ترک نمی‌گفتند و در شهرها و آبادی‌ها ساکن بودند. آن‌ها نیز به دنیا و متعلقانش دل نمی‌بستند و اموال خود را بر نیازمندان وقف می‌کردند. وقفیات درویشان و صوفیان در تاریخ ایران نمودی پررنگ دارد؛ خدای که به شعر و ادب نیز راه جسته و مضمون شعرها و حکایت‌هایی را بر ساخته است. دنیای اینان، از نکویی به خلق و دگر دوستی سرشار است. هفته آینده به دنیای این درویشان و عارفان می‌رویم تا از وقف زندگی و دارایی‌شان برای مردمان زمانه‌های گوناگون تاریخ ایران روایت کنیم.



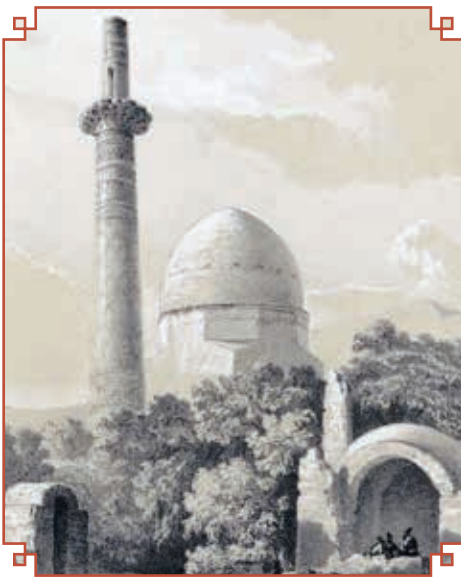
سال اول | شماره هفدهم | شهریورماه ۱۳۹۵ | خرداد ۱۴۳۷ | Sep 2016

سایه‌سار وقف و نیکوکاری عارفان در تاریخ ایران

● ماه‌چهره تهرانی / روزنامه‌نگار

آنان که خود را وقف کردند

آیین وقف در فرهنگ ایرانیان در خشکسای ویژه دارد. بخشدگی و نیکوکاری در روزگار آن بی‌دری تاریخ آنچنان گسترده و مورد اقبال مردمان این سرزمین بوده که نهادهی با موضوع وقف و اوقاف برای نظارت بدان شکل گرفته است. سخنان و مطالبی بسیار درباره جنبه مذهبی گفته و نوشته شده است، اما وقف در اندیشه عرفانی نیز جایگاهی ویژه دارد؛ اندیشه‌ای که موسسات و نهادهایی را در دل جامعه پدید آورده و پرورده و خود عاملی برای آبادانی شهرها و روستاها و بهتر کردن زندگی طبقات گوناگون اجتماعی شده است. منش و روش عارفان با بن‌مایه‌های استوار خود که از دل فرهنگ کهن ایرانی - اسلامی برمی‌خیزد، در زیست اخلاقی جامعه تأثیرهایی ویژه داشته است. آنچه وقف را در فرهنگ عرفانی پر و بالی بیشتر می‌دهد و می‌پروراند، از یک منظر اصولی جوانمر دانه است که در آموزه‌های عارفان مندرج است. به‌طور مثال نان دادن و مهمان‌نوازی و پوشاندن برهنگان از وجوه اصولی زندگی عارفان بر شمرده می‌شود. ابوالحسن خرقانی، عارف سده‌های چهارم و پنجم هجری که مشهور است بر در خانقاهش نوشته بودند «هر که در این سرا درآید نانش دهد و از ایمانش میرسید چه آنکس که به درگاه باریتعالی به جان ارزد البته بر خوان ابوالحسن به نان آرزد»، در جایی گفته است «نان به نیت مهمان پزید و دیگ به نیت مهمان بر نهید جامه به نیت درویشان دوزید که چون مهمان رسد نصیب خویش خورد و شما طفیل باشی.»



در برخی دوره‌های تاریخ ایران به‌ویژه در دوران صفوی، به چهره‌هایی صوفی و عارف برمی‌خوریم که می‌کوشند در بدنه جامعه همچنان حافظ منافع مردم باشند و اعتبار و قدر خود را حفظ کنند. بنابر یکی از متن‌های تاریخی عصر شاه‌عباس دوم یعنی «قص‌الخالقانی» نوشته ولی‌قلی خان شاملو، از زندگی نیک‌اندیشانه شیوخی چند آگاهییم. از آن جمله شیخ مومن دستجردی است. وی از سالکان و عارفانی بر شمرده می‌شود که بنا به روایت قصص الخالقانی، باهمراهی مریدانش در خطه خراسان مسجد، بقعه، کاروانسرا، آب‌انبار و پل ساخت. آثار نیک بر جای مانده از او بنابر روایت‌های تاریخی، در همه شهر مشهد پراکنده بود، بدانگونه که در آن شهر جایی نبود که از خیرات او بی نصیب باشد. شیخ محمدعلی مؤذن از دیگر مشایخ به‌شمار می‌آید که خیرخواهی او در تاریخ ثبت شده است. وی در سالی برای رهسپاری برخی فقیران و فرودستان به سفر حج، تامین زاد و توشه آن‌ها را بر عهده گرفت. معتمدان درباره او گفته‌اند شیخ وقتی از سفر حج بازگشت برای تامین هزینه فقیران در قرض افتاده بود. او پس از مدتی توانست قرض خود را ادا کند. شیخ محمدعلی، زمانی دیگر در حالی که خود در سفر حج نبود با آگاهی از وضع نامناسب فقیران در سفر مکه، به‌انجارت و پس از انجام امورشان به مشهد بازگشت و کنج خنقاخی خلوت گزید. میر محمد باقر اردستانی از دیگر چهره‌های صوفی این دوران است «از جمله آثار خیر مدرسه و بقعه‌ای است متصل به مسجد لبنان و بقعه‌ای است در قریه کاخ و بقعه‌ای در قریه جوی آباد دارالسلطنه اصفهان بهشت نشان.» حاجی محمد خم‌شکن، دیگر درویشی است که چون عدای شراب‌فروش و شراب‌خوار در سبزواری مسلمانان را در رنج و زحمت انداخته بودند با مریدانش به شکستن خم‌های آن‌ها اقدام کرد و از این رو به خم‌شکن شهره شد. اینها تنها نمونه‌هایی از صوفیانی‌اند که خیرخواهانه در بطن و متن جامعه حضور یافته‌در زمان نیاز یاری می‌رساندند.

رضاشعانی در کتاب «مبانی تاریخ اجتماعی ایران» درباره زوایا و خانقاه‌های متصوفه در تاریخ ایران می‌نویسد «درواقع علاقه به چنین مکل‌هایی و تکریم از شخصیت‌های غیرحاکم، که ارتباط تنگاتنگی با مردم نیازمند دارند برای مردمی که توان دفاعی را در بعد نظامی از دست داده‌اند یکی از راه‌های موجود برای تداوم بقا، حفظ عزت و احترام تاریخی به شمار رفته است.» مشایخ صوفیه بدین‌سان یا ارتباط‌های اجتماعی و سیاسی، در خود قدرتی به‌ظهور رساندند که پیشتر، بدین شکل از آن بر خوردار نبودند. آن‌ها به‌عنوان حامیان مادی و معنوی منافع مردم در برابر ظلم و خشونت کارگزاران حکومت ظاهر شدند؛ همچنین افزون بر آن در پیوند با گروه‌های فعال اجتماعی چون فتیان یا جوانمردان زمان و با مشابیهت‌هایی هر دو جریان به پیروی از منش جوانمر دله حضرت علی (ع) توانمندتر در بدنه جامعه حضور یافتند؛ توانی که در بلندمدت موجی خروشان از گرایش‌ها و خواست‌های اجتماعی را در بر گرفت و نهضت‌هایی را برآورد.



به‌جز اقدام عارفان به وقف خنقا، مزرعه، باغ، کتابخانه، مدرسه و آب‌انبار که گاه با نیت‌هایی بسیار والا و متفاوت همراه بوده است، توصیه‌هایی از سوی آنان برای حفظ این نیک‌اندیشی در تاریخ ثبت شده است. ابوسعید ابوالخیر، عارف سده چهارم هجری قمری به‌اطر افیناش یادآوری می‌کند «هر چه دست و دل انسان از تصرف در وقف خالی تر باشد بهتر است.» وی در واقع گونه‌ای پاک‌ی و اخلاص را سفارش می‌کرد؛ اخلاصی که هر گونه بهر‌مندی و دل‌بستگی به مال وقف‌شده را پس می‌زند؛ از سوی دیگر در نظر عارفان بهره وقف به آن‌ها که به نصیب و سهمی مادی چشم‌دوخته‌اند تعلق نمی‌گیرد. سعدی در این باره روایت کرده است «یکی از علمای راسخ را پرسیدند: چه گویی در نان وقف؟ گفت: اگر نان از بهر جمعیت خاطر ستانند، حلال است، و اگر جمع [= گوشه‌عبادت] از بهر نان می‌نشینند حرام.» از این رو است که وقف و استفاده از آن در نظر بسیاری از عارفان با هیچ‌گونه چشم‌داشت دنیوی در پیوند نبوده است. نجم‌الدین رازی از عارفان سده‌های ششم و هفتم هجری در کتاب «مرصاد العباد» از وقف و فضیلت آن سخن رانده و نکته‌هایی درباره حفظ وقف نیز آورده است. این‌ها می‌توانند بیانگر آن باشد که در زمانه او مشکلات وقف چه بوده است. نجم‌الدین رازی، وقف و زنده داشتن آن را از وظایف پادشاهان می‌داند و در واقع سازمان‌دهی این نهاد را به‌دست پادشاه سپرده به او توصیه می‌کند. ناظران و رایزنان نیک‌بر کار وقف بگمارد. به اعتقاد وی، پادشاه همچنین در این امر باید از خدعه و نیرنگ دیگران در صرف مال وقف جلوگیری کند و هر آنچه صاحب وقف تعیین و بدان وصیت کرده است، مورد نظر قرار دهد. از نگاه این عارف پر آواز، از دیگر مسئولیت‌های پادشاه آن است که بر کار وقف و میراث و خیرات، فردی امین، متدین و منصف تعیین کند تا کار وقف با عمارت و آبادانی همراه و شر جاهلان و ستمگران از تجاوز به وقفیات دور شود.

کنار شجاعت از صفات اصلی جوانمر دان بوده است و میان این هر دو، بخشیدن و ایثار جای گرفته است. شجاعت، بخشش جان و سخاوت، بخشش مال است. سخاوت از منظر شیخ، بالاترین در جات و بزرگ‌ترین اعمال پس از یاد حق است و پر هیزگاری پس از سخاوت جای دارد.

ابوالحسن، خود از مریدان بایزید بسطامی بوده و گفته شده است شیخ ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری نیز به خدمتش رسیده و از او فیض برده‌اند؛ کسانی که خود در سخاوت دستی داشته‌اند؛ سخاوتی که همه انسان‌ها را در بر می‌گرفته و به فرقه یا طایفه و نژادی ویژه تعلق نداشته است.

را تجربه می‌کردند. تاریخ این مردم با حضور عارفانی چنین، از اخلاق جوانمردی و در اینجا از بخشش و همدلی سرشار می‌شد.

زمانه شیخ ابوالحسن، روزگار درگیری‌های فرقه‌های گوناگون مذهبی بود؛ زمانه‌ای که تشنه گونه‌ای برابری، مساوات و صلح و سازش اجتماعی بود.

شیخ ابوالحسن از این‌رو است که بر درگاه خود کسی را بر کسی برتری نمی‌دهد و همه انسان‌ها را یکی می‌انگارد. بنا به نوشته محمد رضا شفیعی کدکنی در کتاب «نوشته بر دریا»، از منظر شیخ، جوانمردی در یابی است به سه چشمه: یکم سخاوت، دوم شفقت و سیم بی‌نیازی از خلق و نیازمندی به حق. سخاوت در

«هر که در این سرا درآید نانش دهد و از ایمانش میرسید چه آنکس که به درگاه باریتعالی به جان ارزد البته بر خوان ابوالحسن به نان آرزد.» این نوشته‌ای است بر آستان شیخ ابوالحسن خرقانی؛ عارفی که از دیروز تا امروز نزد مردم گرمی و عزیز داشته می‌شود؛ کسی که در سده‌های چهارم و پنجم می‌زیست و اکنون در روستای خرقان از توابع بسطام به خوابی آرام فرو رفته و آرامش فضای مزارش یادآور تاریخی به‌شمار می‌آید که دل‌های مردم را به هم پیوند می‌داده است. این مردم همان‌هایی‌اند که با دیدن نوشته در خشان آستان ششیخ، دل‌هایشان تپیدن می‌گرفت و شوقی وصف‌ناپذیر، عمیق و انسانی

روایتی جاودانه از شیخ ابوالحسن خرقانی



نان و جان

آگهی و تبلیغات
شهرامید

۰۹۱۲-۳۹۰۶۶۴۸
۰۲۱-۸۸۰۰۴۶۴۷

با ما تماس بگیرید

باتبادل کتاب‌های خوانده‌شده
در حفظ جان درختان
سهیم باشیم



www.tabadolketab.com | tabadolketab | tabadolketab



۹ صبح تا ۲۱
محلی برای تبادل کتاب‌های خوانده‌شده شما
خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه ولی عصر (عج)،
ابتدای خیابان شهید مظفر شمالی



کوشش برای بر آوردن نیاز به محصولات روز

«پارچه وطنی... کارخانه نساجی کازرونی و پسران -اصفهان - کهن جامه خویش پیراستن /به از جامه عاریت خواستن... اگر این اندرز حکیمانه انصبا‌لعین قرار بدهیم گذشته‌ها را جبران واول ملت ثروتمند دنیا خواهیم شد... گذشته گذشت... بعد از تحمل زحمات زیاد کارخانه پشم وپنیر پسی -صبائی -بافندگی کازرونی و پسران که از آخرین سیستم کارخانه‌های المان است در اصفهان دایر و با آنکه ابتدای کار است... انواع پتوهای پشمی اعلا- فاستونی و ماهوت‌جات - پارچه‌های فرمی و غیره که از حیث ثبات رنگ و طرح‌بندی و دوام و ارزانی درجه اول را حائز است موجود - طالبین در طهران به بازار بزرها جنب تیمچه قدسیه... مرکز فروش منسوجات کازرونی و پسران اصفهان... مرکز عمده‌فروشی برای ولایات، اصفهان در خود کارخانه» این آگهی که در روزنامه اطلاعات به تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۰۵ خورشیدی منتشر شده است، کوشش ایرانیانی را در نخستین سال‌های سده چهاردهم خورشیدی نشان می‌دهد که برآن بودند با ایجاد صنایع و کارخانجات ایرانی، نیاز مردمان این سرزمین را به محصولات روز جهان برآورده، آنان را از وابستگی به کشورهای دیگر بی‌نیاز کنند.

دستان یاریگر مردم در قحطی بزرگ

ایران در پایان جنگ یکم جهانی

رهایی از قحطی

● مؤژگان جعفری /روزنامه‌نگار

قحطی سراسری سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ خورشیدی که در زمان احمد شاه قاجار و همزمان با پایان جنگ یکم جهانی، در ایران آغاز شد، به روایت تاریخ‌نگاران، از نظر شدت و گستردگی، دومین قحطی ایران در سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری به شمار می‌آید. دربارۀ چگونگی بروز این قحطی، عوامل گوناگون مورد توجه قرار گرفته و معرفی شده است؛ از خشک‌سالی و کمبود بارش تا هجوم کشورهای خارجی و غارت منابع ایران. برخی اما عوامل طبیعی و اقلیمی را در بروز این خشک‌سالی موثر می‌دانند. هر چه بود اما سر تاسر ایران در وضعیتی دشوار قرار گرفت و کشور تقریباً فلج شد. برخی تاریخ‌نگاران و پژوهشگران بر آنند که در میانه این قحطی یک‌سوم مردم از میان رفتند. از آغاز قحطی نه تنها چشم‌اندازی روشن پیش روی مردم قرار نداشت، که هر چه می‌گذشت به روایت جان لارنس کالدول وزیر مختار آمریکا در ایران اوضاع قحطی بدتر و بی‌نظمی تا شمال غرب ایران گسترده می‌شد. روزنامه رعد ۲۱ دی ۱۲۹۶ خورشیدی، از جان باختن ۵۱ نفر در اثر گرسنگی و سرما در خیابان‌های تهران در یک هفته گزارش می‌دهد. عین‌السلطنه در روزنامه خاطراتش، این آمار را حتی به صد نفر در روز نیز می‌رساند. «این قحطی که در تداولی حتی مردار حیوان و نیز برگ‌های علف‌هایی را می‌خوردند که هنوز پژمرده نشده بودند. حتی در برخی از جاها برگ خشک درختان به فروش می‌رسید. پولی اگر در جیب بود برای خرید نان مصرف می‌شد. مردم از رنج و تعب، نوزادان خود را سر راه می‌گذاشتند تا کسی به دادشان برسد. آنگونه که منابع شهادت داده‌اند، مردار انسان نیز خورده می‌شد. مرگ و مهاجرت چهره شهرها را غمگین و غمگین‌تر میکرد. دولت برای رفع گر سنگی مردم دم‌پختن را تهیه و توزیع می‌کرد «این قحطی که در تداولی عامه از آن به‌عنوان مجاعه یا سال مجاعه و نیز سال دم‌پختکی یاد می‌شود به اندازه‌ای مهیب و بزرگ بود که مردم تا مدت‌ها، حوادث و وقایع پیش و پس از آن را از نظر زمانی، با همان معیار می‌سنجیدند. مثلاً می‌گفتند فلان شخص در سال مجاعه به دنیا آمد یا فوت بهمان کس، پنج سال بعد از مجاعه روی داد.»

این قحطی تلفات فراوان جانی بر جای گذاشت اما در این میانه می‌توان رگه‌هایی هر چند کم‌رنگ از حضور مردم و جامعه در نیکوکاری و کمک به هموطنان را به تماشا نشست. با وجود تلاش‌هایی که به گونه پراکنده



روایت تاریخ‌نگارانه از یک قحطی

«جعفر شهری، تاریخ‌نگار فرهنگ و زندگی مردم تهران قدیم» هر چند سال یک مرتبه قحطی می‌آمد و تنها لازم بود که زمستانی کاملاً زمستان نشده یا حداقل در طهران و اطراف آن نشده باشد، که فوراً درباریان و معصمین درباری که همه صاحب‌دهات و قارۀ و قصبات بسیار و مالک اراضی بی‌حساب زراعت بودند محصول خود را پنهان نموده از دسترس بدور داشته یک لا به چند لا بفروش برسانند و روی این حساب هر چند سال یک بار قحطی‌ای گریبانگیر مردم گشته عده بیشماری از گرسنگی تلف شده رهسپار دیار عدم می‌گردیدند. از جمله یکی قحطی سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ قمری بود که در آن نزدیک به دو سوم مردم تهران تلف شده، گاه و پنجه و پوست هندوانه خربزه و برگ درخت و پوست خیک و خون مذبح حیوانات و حتی گوشت خرو و یابو و سگ و گربه می‌خوردند... در این قحطی دو امر عجیب واقع شد یکی اینکه بسا شنیده شد که مردم یک‌دگر را دریده، حتی فرزندان خود را می‌خورند و هنوز محتک‌ترین حاضر به گشودن در انبارهای اراق خود و فروش آنها نمی‌شدند و دیگر در آن زمان حتی نانواها از گرسنگی مردند»

«فهرمان میرزا عین‌السلطنه در کتاب روزنامه خاطرات عین‌السلطنه: «قحط و غلا در ایران شدت کرده، عدم وسایل حمل‌ونقل خیلی کمتر از سابق است به این واسطه اگر نقطه‌ای هم فراوانی است، حمل آن غیر مقدور شده است. در اغلب شهرها فریاد الجوع الجوع بلند است و خلق خدا تلف می‌شوند.»

«میرزا خلیل خان ثقفی (اعلم‌الدوله)، یکی از طبیبان دربار در دوره قاجار: «از یکی از گذرگاه‌های تهران عبور می‌کردم. به بازارهای رسیدم که در آنجا دکان دم‌پخت‌پزی بود. روبه‌روی آن دکان، دو نفر زن پشت به دیوار ایستاده بودند. یکی از آنها پیرزنی بود ضعیف‌الجثه و دیگری زنی جوان و بلندقامت. پیرزن که صورتش باز بود و کاسه گلینی در دست داشت، گریه کنان گفت: ای آقا، به من و این دختر بدبختم رحم کنید؛ یک چسار ک از این دم‌پخت خربیده و به نزدیک است از گرسنگی هلاک شویم... یک چارک دم‌پخت خربیده و در کاسه آنها ریختم. همان‌جا مشغول خوردن شدند و به‌طوری سریع این کار را انجام دادند که من هنوز فکر خود را درباره وضع آنها تمام نکرده بودم، دیدم که دم‌پخت را تمام کردند. گفتم: اگر سیر نشده‌اید یک چارک دیگر برایتان بخرم، گفتند: آری بخريد و مر حمت كنيد، خداوند به شما خير بدهد و سايه‌تان را از سر اهل و عيال‌تان كم كنند.»

تبریز قحطی زده

دکتر غلامعلی آذر خشی»

در سالی که مادرم در گذشت جنگ جهانی اول هنوز بیابان نرسیده بود. ایران با آنکه بی‌طرف بود و در جنگ دخالتی نداشت نیروهای روسی و انگلیسی و عثمانی کشور را میدان تاخت‌وتاز کرده بودند... در آن ایام نرخ اجناس داخلی و خارجی بالا رفت. غذا و پوشاک کمیاب شد، دنبال خشک‌سالی و ناامنی آتش قحطی زبانه کشید. در این گیر و دار حصه بومی و نیز گریب و یاماندندی که برخی آن را گریب اسپانیایی می‌نامیدند، در زادگاه من تبریز پیداد می‌کرد. می‌گفتند مرض اخیر را سپاهیان هندی دولت انگلیس از جنوب یا لشکریان روسی از جبهه غرب اروپا به ایران آورده‌اند. هر روز در راه دبستان می‌دیدم که دهها بیمار از زن و گوسفند را از زباله‌داناها بیرون ایران آورده‌اند. هر روز در راه دبستان می‌دیدم که دهها بیمار از زن و گوسفند را از زباله‌داناها بیرون می‌کشند و می‌کوبند و با تخمه، پوست خربزه و هندوانه و خیار مخلوط می‌کنند و می‌خورند. در آن روز گاز وانفسا چند ملاک و محترک بی‌انصاف گندم و جو و برنج و حبوبات... و حتی سبب‌زمینی را انبار می‌کردند تا بقیمت گرانتر بفروشند. یک خورار گندم اگر پیدا می‌شد معادل سیصد تومان آن روز- یعنی در زمانی که یک معلم دبستان از سه تا هشت تومان حقوق می‌گرفت- قیمت داشت. یکی از ایسن محترکان را که... بانفوذ و مقتدر و ثروتمند شهر بود، روزی سه مرد نقابدار نزدیک ظهر و موقعی که از برچسپدن ختم یکی از اعیان برمی‌گشت از کالسکه بیرون کشیدند و با سرش کشتند و طیانچه بدست در درشکه‌ای نشستند و فرار کردند. من خودم شاهد این واقعه بودم.

البته عده زیادی از مردم نیکوکار هم در آن شهر بودند که با وجود تنگدستی می‌کوشیدند با جمع‌آوری اعانه دیگ‌های دم‌پخت بار کنند و اقلا یک وعده غذا در روز به جمعی از گرسنگان برسانند. دم در مطب چندین طبیب معهود شهر و در مقابل دکانهای عطاری که فلوس و دواهای ضد حصه می‌فروختند صف‌های طولانی در انتظار ایستاده بودند. دوا هم نایاب شده بود. این کوشش‌ها بجائی نمی‌رسید و در جماعت قحطی‌زده حال عصیان‌ی پیدا شده بود.

«مقاله «تبریز قحطی زده...» در کتاب «خاطرات سیاسی و تاریخی»؛ سیدمحمدعلی جمال‌زاده، شمس‌الدین میرعلایی، سیف‌الله وحیدیان...»



روایت از روزگاران

از دواج به سبک ایرانی



«برخی آیین‌ها و سنت‌ها در گذر روزگاران توانسته‌اند جزیی ماندگار از رفتارها و کنش‌های مردمان یک جامعه به شمار آیند. یک جامعه و ویژگی‌های آن را از بررسی همین سنت‌ها می‌توان شناخت. سیدمحمدعلی جمال‌زاده در کتاب «خلقیات ما ایرانیان» در این باره می‌نویسد «هر قوم و ملت و هر گروهی از مردم بجهت علل و اسباب متعدد و مختلف دارای اخلاق و اطواری می‌شود که چه بسادر نزد خودش پسندیده و مقبولست در صورتیکه مردم دیگری آنرا نمی‌پسندند و نکوهیده و مکروه می‌شمارند.» از دواج، از بزرگ‌ترین خدادهای زندگی هر انسان به شمار می‌آید. این پدیده و رخداد در دوره‌های گذشته تاریخ ایران صورت‌ها و روش‌هایی جالب و گوناگون داشته است. سنت عروسی در هر سرزمین با رسومی ویژه همراه و درهم آمیخته است که جزو ویژگی‌های اجتماعی مردمان آنجا برشمرده می‌شود. این رسم در ایران از گذشته‌های دور تا دوره معاصر به گونه‌ای تقریباً یکسان انجام گرفته است. خواستگاری و تعیین شیربها، مهریه و جهیزیه از مهم‌ترین ارکان انجام یک ازدواج ایرانی است. البته برخی از این آیین‌ها در عصر کنونی، با از میان رفته یا کم‌رنگ شده است. دریافت شیربها از آن جمله است. دیگر سنت‌ها اما همچنان به قوت خود تا امروز بر جای مانده‌اند.

«از دواج از گذشته‌های

دور در فرهنگ ایرانی، در زمره سنت‌ها و آیین‌های مورد پسند و علاقه مردمان این سرزمین برشمرده می‌شده است. این سنت دیرپا را می‌توان یکی از جلوه‌های ماندگاری اجتماعی در میان ساکنان این سرزمین دانست. پیترو دل‌اوله، جهانگرد ونیزی که در دوره صفوی به ایران آمده است در سفرنامه

خود از علاقه ایرانیان به ازدواج به‌ویژه در میان زنان اشاره می‌کند. وی در این باره می‌نویسد «نآن مشرق‌زمین هر چندر سنشان زیاد باشد، باز هم از شوهر کردن خجالت نمی‌کشند.»

«عبدالله مستوفی،

تاریخ‌نگار خوش‌ذوق فرهنگ و زندگی مردم تهران در کتاب «شرح زندگانی من» از یکی از رسم‌های مربوط به ازدواج در ایران دوره قاجار با جزئیات یاد می‌کند. او توصیفی بسیار جالب از رسم جهاز بران عروس در دوره قاجار دارد «در دوران قاجاریه یک روز قبل از عروسی عده‌ای

قاطر و خونچه‌ای که برای بردن جهاز لازم بود، تعیین می‌شد و از هر یک از این دو به اندازه تعیین شده با دسته موز یک نظامی یا نقاره‌چی یا هر دو از خانه داماد به خانه عروس روانه می‌کردند. فرش و رختخواب در مفرش‌های قلابچه‌ای و لباس دوخته و نودخته و طاقچه‌های بنریده در یخدان‌ها یا بخدانپوش ماهوت گلی و مسسینه‌الات از قبیل دیگ و مجموعه و بادیه و سایر اثاثیه از قبیل بلور آلات، اسباب چراغ، متکاها و پشتی‌های زری و ترمه مفتول و مرواریددوزی و تزئینات در و دیوار مانند پرده و طاقچه‌پوش و سماور و اسباب چای و ظروف چینی و خلاصه یک دستگاه اسباب زندگی تمام عیار در خونچه‌هایی که کف آنها را پارچه سفید انداخته و مقداری نقل در آن پاشیده بودند می‌گذاشتند و دسته موزیک و نقاره از جلو و خونچه‌ها از دنبال و قاطر‌ها از عقب بر اه افتاده به خانه داماد می‌آمد. همراه جهاز شخص متعینی از نوکرهای خانه عروس می‌آمد و صورت جهاز را به همان ترتیبی که در خونچه‌ها چیده شده بود، همراه داشت که تحویل داده و از یکی از بستگان داماد رسید می‌گرفت، از عقب نفر خدمتکار با جارو و لسوازم تنظیف می‌آمدند و ناحیه‌ای که در خانه داماد متعلق به عروس بود، فرش و لوازم زندگی را پهن کرده حجله عروسی را می‌آراستند. زیادی عده خونچه‌ها و قاطر و قیمتی بودن اثاثیه طرف توجه تماشاچی‌ها واقع می‌گردید، گاهی عده خونچه به صد و بیست و عدد قاطر‌ها به بیست و سی می‌رسید. اکثریت تماشاچی‌ها جنس لطیف بودند که بعد از مراجعت از این تماشا با حافظه عجیبی تمام جزئیات جهاز را برای آنها که به این فیض نرسیده و از تماشا محروم مانده بودند، نقل می‌کردند. در خانه داماد گذشته از شربت و شیرینی خلعتی به تحویل دهقان و انعامی به خونچه‌کشا و قاطر‌چی‌ها داده می‌شد، بعلاوه نقل‌ها و پارچه سفید کف هر خونچه مال حاملان بود.»

مراسم عروسی در ایران در یک روزگار

عکس به مرکز مردم‌شناسی ایران

یک عروس در دلداد در دوره قاجار عکس از شیردشتی زنان در عصر قاجار

یک مراسم نامزدی در ایران در دوره قاجار عکس از شیردشتی زنان در عصر قاجار



تکنیک «پومودورو» برای مدیریت زمان

تکنیک «پومودورو» یا گوجه‌فرنگی یک روش مدیریت زمان است که می‌گوید «بهترین تکه زمانی» برابر است با ۲۵ دقیقه‌ای که برای تهیه یک سس گوجه‌فرنگی لازم است. بعد از این ۲۵ دقیقه باید یک وقفه در کار ایجاد شود. برای استفاده از این روش، باید ۵ مرحله را مدنظر داشته باشید:انتخاب وظیفه یا مهم‌ترین کاری که باید انجام دهید، تنظیم یک تایمر به مدت ۲۵ دقیقه، متمرکز شدن روی کار تا زمانی که زنگ تایمر به صدا درآید، پنج دقیقه استراحت و تکرار این فرآیند تا چهار بار و هر بار ۵ دقیقه استراحت کردن بین کار که باعث می‌شود تا بر زمان مسلط شوید. این روش به شما کمک می‌کند همراه با زمان حرکت کنیدو بر مهم‌ترین کاری که باید انجام شود متمرکز شوید.



گزارش «شهر امید» از برگزاری اولین جشنواره و مسابقه رالی گردشگری بانوان در ایران

زنان کار آفرین در کاخ سعدآباد

مریم روستایی

نخستین رالی گردشگری بانوان به همت کانون جهانگردی و اتومبیل‌رانی ایران و شرکت هلدینگ گردشگری فلامینگو با حضور علاقه‌مندان به رشته رالی دوم شهریور در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد برگزار شد. این جشنواره با دو شعار «بانوی ایرانی مظهر فرهنگ، اصالت و ارزش‌های والا» و «زنان، مؤثر در کارآفرینی و توسعه پایدار گردشگری» برپا شد. رقیه حاتمی‌پور، کارآفرین برتر سال ۹۴ و زنی که به‌عنوان یکی از فعالان گردشگری کشور پس از سه دهه موفق شد برای اولین بار درهای اهرام اسرارآمیز مصر را به روی توره‌های مسافرتی ایرانی باز کند، طراح این رالی بود. وی درباره این جشنواره گفت: «ما به‌عنوان افراد فعال در حوزه زنان باید برای حضور هر چه بیشتر آن‌ها در صحنه اجتماع قدم‌هایی را برداریم و این طرح بخش کوچکی برای رسیدن به این هدف بوده و هست.» حاتمی‌پور درباره مسابقه رالی گفت: «کنته‌ای که در این رقابت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد مهارت در رانندگی زنان است و میزان سرعت، معیار انتخاب شرکت‌کنندگان به‌عنوان برنده نخواهد بود.»

وی در رابطه با ادامه روند برگزاری رالی گردشگری گفت: «این طرح در استان‌های دیگر ازجمله گلستان، گیلان، مازندران و کردستان مورد استقبال قرار گرفته است و این برنامه را در آینده ادامه و گسترش خواهیم داد چون باعث شادابی بیشتر جامعه زنان می‌شود. البته در این کار بخش‌ها و ارگان‌های مختلفی باید ما را یاری کنند»

از دیگر سخنرانان این مراسم شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده بود. او گفت: «به نظر می‌رسد جشنواره رالی، موضوع گردشگری را که بخش مهمی در برنامه ششم توسعه کشور است، به‌عنوان موضوعی خاص به‌خوبی نشانۀ گرفته است و با توجه به نقش و تأثیری که زنان می‌توانند در توسعه این بخش داشته باشند امیدواریم در پایان برنامه ششم شاهد نتایج قابل توجّهی در این حوزه باشیم.»

استارت رالی گردشگری زنان کشور، صبح روز پنجشنبه ۴ شهریور با حضور ۳۰ اتومبیل از در زعفرانیه مجموعه سعدآباد آغاز و با عبور و بازدید شرکت‌کنندگان مسابقه از سایت‌های گردشگری در شهرهای کرج، طالقان و قزوین ادامه و در استان زنجان پایان یافت و روز جمعه شرکت‌کنندگان به تهران بازگشتند. همزمان با این مسابقه، جشنواره‌ای از ساعت ۳ بعدازظهر تا ۱۱ شب در مجموعه فرهنگی و تاریخی سعدآباد دایر بود و بیش از ۵۰ غرفه صنعتی، هنری برای زنان کارآفرین که بیشتر آن‌ها زنان سرپرست خانوار بودند در نظر گرفته شده بود. این غرفه‌ها شامل موسیقی، خطاطی، نقاشی، سفالگری، غرفه‌های گل و گیاه، لباس‌های محلی، اقلام خانگی تولیدشده توسط زنان، انواع شیرینی‌های خانگی بودند که به‌منظور نمایش و فروش آثار و دستاوردهای زنان کارآفرین بر پا شده بودند. در حاشیه این جشنواره غذاهای محلی، کارگاه آموزشی ماساژ و اسپا، چایخانه سنتی با لباس‌های محلی و دمنوش‌های ایرانی و برنامه‌های ویژه کودکان شامل گریم و عکاسی نیز برگزار شد.

همچنین در این مدت برنامه‌های ورزشی- سیاحتی، خانواده- هنری، صنعت-تجارت-رسانه-فرهنگی، کارآفرینی- آشپزی نیز در سعدآباد برپا بود. در ایام برپایی جشنواره، برنامه زنده با اجرای مه‌نوازی زنان هنرمند، مسابقه، برنامه‌های طنز، تئاتر و سایر برنامه‌های هنری هر شب ساعت ۹ تا ۱۱ بر محتوای جشنواره افزود و تلاش شد تا اوقات خوش و خاطره‌انگیزی برای بازدیدکنندگان محترم فراهم شود. رادیو جشنواره نیز هر روز ساعت ۱۶ تا ۲۰ به معرفی فعالیت‌های زنان، اطلاعات گردشگری و مطالب مفید در حوزه زنان می‌پرداخت.

نکته جالب در شب دوم این جشنواره حضور دو توریست ایتالیایی بود که روی صحنه دعوت شدند تا از تجربه حضور در ایران صحبت کنند. آن‌ها گفتند هرگز فکر نمی‌کردند ایران در این حد زیبا باشد. تصویری که از ایران در کشور ایتالیا وجود دارد مثبت نیست و آن‌ها هنگام بازگشت به کشورشان به‌عنوان دیدارکننده‌های افتخاری از ایران، دوستان و اطرافیان خود را به حضور و دیدار از ایران ترغیب خواهند کرد. آن‌ها همچنین از مهمان‌نوازی ایرانیان شگفت‌زده بودند و گفتند ما از شهرهای کرمان، اصفهان، شیراز، قزوین و کاشان دیدن کردیم و در طول سفر با مردم مهربانی مواجه شدیم که از ما سوال می‌کردند آیا نیاز به کمک دارید؟ و این در همه جهات بی‌نظیر است.

نرگس فرجی

بسیاری از افرادی که کسب‌وکارهای بزرگ را در دنیا شکل داده‌اند، بارها در مسیر رسیدن به موفقیت دچار بحران شده‌اند. بحران‌هایی که در بسیاری از موارد موجب شکست آن‌ها شده است، اما آن‌ها نه تنها شکست‌ها را پشت سر گذاشته‌اند بلکه مسیر را با اشتیاق بیشتر پیش رفته‌اند. کارآفرینان نیز بارها در راستای فعالیت‌های خود با موانع بزرگی روبه‌رو شده‌اند اما با قدرت بیشتر حرکت خود را ادامه داده‌اند. یکی از کارآفرینانی که با وجود مشکلات فراوان همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد، سعید آجورلو است. این کارآفرین جوان که در حوزه مصنوعات چرمی فعالیت می‌کند چندی است خود را در صفحه اینستاگرامش «کارآفرین شکست‌خورده» معرفی کرده است. بیان کلمه شکست به این شکل برای هر کسی می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد اما آجورلو نسبت به بیان این موضوع واهمه‌ای ندارد و همچنان با یادگیری از شکست، کار جدیدی را شروع و با موفقیت در حال پیشروی در بازار حوزه فعالیتش است. «شهر امید» با او به گفت‌وگو نشسته است تا درباره روند فعالیت و علل شکست و بیان آن به این شکل بیشتر بداند.

درباره حوزه فعالیت کارآفرینی خود توضیح دهید.

قبل از اینکه بخواهم درباره حوزه کارآفرینی خودم صحبت کنم ذکر یک نکته را ضروری می‌دانم. طبق تعریفی که امروزه از کارآفرینی می‌شود، کارآفرین کسی است که یک ایده نو و ترجیحاً فن‌آورانه ایجاد می‌کند یا یک فرایند را بهبود می‌بخشد. اگر بخواهیم از این نظر به کارآفرینی نگاه کنیم من و خیلی از اشخاص دیگر که به‌عنوان کارآفرین شناخته می‌شوند، کارآفرین نیستیم. البته کار جدیدی که شروع کرده‌ام کارآفرینی محسوب می‌شود؛ اما اگر بخواهیم به کارآفرینی از دید اشتغال‌زایی نگاه کنیم، حوزه فعالیت‌بنده تولید مصنوعات چرمی بود. تقریباً به ۱۳۰ نفر آموزش‌دهی داشتیم و از این ۱۳۰ نفر ۵ نفر مستقیم با من فعالیت می‌کردند. کار ما تولید انواع محصولات چرمی بود.

❖ در کشور ما کمتر کسی درباره شکست‌هایش صحبت می‌کند ولی شما به‌راحتی این موضوع را بیان کردید. درباره آن توضیح می‌فرمایید؟

شاید گفتن این حرف کمی شعاری به نظر برسد اما از نظر من چیزی به‌عنوان شکست وجود ندارد. شکست تنها متوقف شدن فرآیند حرکت ماست. به این فکر کنیم که اگر مادر کاری شکست خوردیم آیا واقعاً به‌هیچ‌وجه امکان ادامه دادن وجود نداشت؟ یا با توقف و بازایستادن ما از حرکت کردن این اتفاق افتاده است؟ حتی اگر این امکان هم وجود نداشته

شاید گفتن این حرف کمی شعاری به نظر برسد اما از نظر من چیزی به‌عنوان شکست وجود ندارد. شکست تنها متوقف شدن فرآیند حرکت ماست، از دید من شکست نوعی درس گرفتن و تجربه است و باید از آن به‌عنوان دانشی که کسب کرده‌ایم استفاده کنیم

باشد، از دید من شکست نوعی درس گرفتن و تجربه است و باید از آن به‌عنوان دانشی که کسب کرده‌ایم استفاده کنیم. من برای این خودم را شکست‌خورده معرفی کردم که دوره تولیدم را متوقف کردم، هر چند امکان ادامه آن وجود داشت. این من بودم که تصمیم گرفتم این اتفاق رخ دهد، چون انتقد اتفاقات خوب برایم افتاده بود و توانایی‌هایم بیشتر شده بود که می‌دانستم می‌توانم کارهای بزرگ‌تری انجام دهم. پس تصمیم گرفتم جهت فعالیت‌م را عوض کنم تا بتوانم عملکرد بهتری داشته باشم. متأسفانه مردم ما شکست را با پان راه می‌بینند و فکر می‌کنند پس از شکست همه چیز تمام می‌شود. من این کار را انجام دادم تا به آن‌ها نشان دهم کسی که شکست‌خورده

باشد، از دید من شکست نوعی درس گرفتن و تجربه است و باید از آن به‌عنوان دانشی که کسب کرده‌ایم استفاده کنیم. من برای این خودم را شکست‌خورده معرفی کردم که دوره تولیدم را متوقف کردم، هر چند امکان ادامه آن وجود داشت.

این من بودم که تصمیم گرفتم این اتفاق رخ دهد، چون انتقد اتفاقات خوب برایم افتاده بود و توانایی‌هایم بیشتر شده بود که می‌دانستم می‌توانم کارهای بزرگ‌تری انجام دهم. پس تصمیم گرفتم جهت فعالیت‌م را عوض کنم تا بتوانم عملکرد بهتری داشته باشم. متأسفانه مردم ما شکست را با پان راه می‌بینند و فکر می‌کنند پس از شکست همه چیز تمام می‌شود. من این کار را انجام دادم تا به آن‌ها نشان دهم کسی که شکست‌خورده

است هم می‌تواند ادامه دهد، زندگی کند، کار جدید شروع کند. من فقط و فقط برای شکستن تابوی بزرگ «شکست» و انتقال تجربیاتم دست به این کار زدم.

درباره شکست‌تان و علل آن توضیح می‌دهید؟

من به این علت کارم را متوقف کردم که پایه و اساس کارم درست نبود. من تجربه لازم را برای شروع یک کسب‌وکار نداشتم. شما برای شروع یک کسب‌وکار و موفق شدن در آن باید دانش آن کار را داشته باشید که آن موقع من فاقد این دانش بودم. من اصول حسابداری و بهای تمام‌شده را به‌طور دقیق رعایت نمی‌کردم. سیستم تبلیغاتی نداشتم. روابط عمومی پایین و بسیاری از تصورات اشتباه که بعدها متوجه آن‌ها شدم، عواملی بودند که باعث شدند ترجیح بدهم این کار را ادامه ندهم. به نظر م سیستم بازاریابی مهم‌ترین بخش یک کسب‌وکار است که شوریختانه من از آن هیچ اطلاعی نداشتم و یکی از مهم‌ترین دلایل متوقف کردن کارم همین مساله بود.

چه درسی از شکست گرفته و چه شیوه‌ای را برای رفع آن در پیش گرفته‌اید؟

مشتری تمام ارزش یک کسب‌وکار است. اگر بازاریابی را سیستم تنفس یک کسب‌وکار در نظر بگیریم مشتری مانند نفس برای این بدن است. به‌طور جدی روی بازاریابی تمرکز کردم و همچنین مطالعه می‌کنم. کسب در آمد هیچ‌وقت نباید هدف اول شما باشد. این نگرش را در خودم ایجاد کردم و به دنبال علاقه‌هایم و کسب رضایت مشتری هستم.

چه پیشنهادی برای کارآفرینانی که می‌خواهند کار خود را تازه شروع کنند دارید؟

قبل از اینکه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در بیرون را شروع کنند روی خودشان سرمایه‌گذاری کنند و ذهنشان را قوی کنند. برای شروع یک کسب‌وکار پیشنهاد می‌کنم روی رفع نیازهای مشتری (افزایش راحتی و آسایش) تمرکز کنند. بازار، یابی را خیلی جدی بگیرند و کسب‌وکارشان را ترجیحاً آنلاین بسازند و قبل از اینکه کسب‌وکار بزرگی را راه بیناندازند در یک کسب‌وکار کوچک تجربه کسب کنند.

آموزش‌هایی برای بالابردن بازدهی در کار و مدیریت زمان

نش کاری که نباید انجام دهید

وقتی وارد محل کارتان می‌شوید، این‌که در چند دقیقه ابتدایی چه کارهایی انجام می‌دهید، اثر خیلی مهمی روی ۸ ساعتی که

پیش روی شماست دارد.

مثلاً اگر دیر به محل کار برسید یا همان اول خودتان را درگیر Inbox و ده‌ها ایمیل کنید، باقی روز سخت‌تر روی کارتان تمرکز می‌کنید و بازدهی پایین‌تری دارید. در این‌جا بر اساس تحقیقی که انجام شد، ۱۰ توصیه برای شما گرد آورده‌ایم که با انجام آن‌ها در چند دقیقه ابتدایی روز کاری‌تان، ساعت‌های مفیدتر و بهتری را سپری خواهید کرد.

دیر نرسید

شما اگر دیر برسید، قبل از اینکه ساعت کاری بخواهد آغاز شود، همه چیز را خراب کرده‌اید. دقت کنید که رییس، کسانی را که دیر به محل کار می‌رسند افراد بی‌مسئولیتی می‌بیند و امتیاز کم‌تری برای آن‌ها قایل می‌شود. حتی اگر برای اضافه‌کاری بمانید هم آن تاخیر و تصویر ذهنی ساخته‌شده

جبران نمی‌شود. عادلانه نیست ولی باید قبول کنید که حقیقت همین‌طور است. پس تا می‌توانید سر موقع یا حتی زودتر در محل کارتان حاضر باشید.

به همکاران‌تان سلام کنید

کافی است مدت کوتاهی وقت بگذارید و با همکاران‌تان سلام و احوال‌پرسی گرمی داشته باشید. ریسی که وارد می‌شود و سلام نمی‌کند، تمام تکنیک‌های مدیریتی‌اش را هر قدر هم عالی باشند، زایل کرده است. چون از مهارت‌های تعاملی بی‌اطلاع است. حتی اگر مدیر هم نباشید، باید در ابتدای روز یخ را بشکنید و خودتان را به‌عنوان یک فرد در دسترس و پذیرا معرفی کنید؛ نه کسی که در قالب سکوت، خود را از دیگران جدا می‌کند.

چای، قهوه نخورید

افرادی که عادت دارند در ابتدای روز حتما قهوه یا چای بخورند، اگر در خانه وقت نکنند، مطمئناً به‌محض رسیدن به محل کار اول سراغ چای یا قهوه را می‌گیرند. مطالعات

نشان داده که بهترین زمان برای صرف این نوشیدنی‌ها، حوالی ۹:۳۰ صبح است. چون هورمون استرس یا همان کورتیزول که انرژی را تعریف می‌کند، حوالی ۸ و ۹ صبح به اوج خود می‌رسد. وقتی در این زمان چای و قهوه می‌خورید، ترشح کورتیزول کاهش پیدا می‌کند و بیش‌تر وابسته به دریافت کافئین می‌شود. درحالی‌که در حالت طبیعی، کورتیزول حدود ساعت ۹:۳۰ کاهش پیدا می‌کند و باید با نوشیدن چای و قهوه جبران شود.

به تمام ایمیل‌هایتان جواب ندهید

وقتی پشت میزتان نشستید، مسلماً وسوسه می‌شوید که تمام پیام‌های دریافتی را باز کنید و به آن‌ها جواب بدهید. اما راه صحیح این است که در ده دقیقه ابتدایی کار، یک نگاه کلی روی ایمیل‌هایتان بیندازید و فقط آن‌هایی را که مهم‌تر هستند شناسایی کنید. چک کردن ایمیل از آن قبیل کارهایی است که شاید مهم به نظر برسد ولی جزو اولویت‌ها نیست و نباید در ابتدای روز صورت بگیرد.



عاشقی در یک روز خاص

زیرگنبد کبود

آرمان صدر

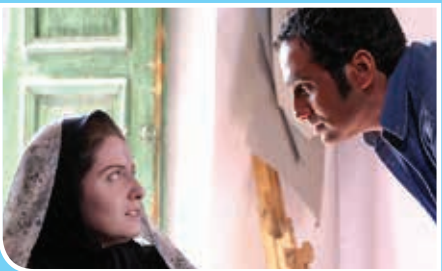
تا جایی که به یاد دارم و از هنگامی که دست چپ و راستم را شناختم بهترین منبع برای دستیابی به اطلاعاتی در زمینه امور عشق و عاشقی پدربزرگم بود. داستان عاشقیت‌های پدربزرگ در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و حتی ۵۰رد زبان فامیل بود هرچند که برخی از جمله مادربزرگ، دایی جان و مادرم عقیده داشتند این‌ها همه زاپیده تخیلات پدربزرگ است و او در همه عمر یک زن را بیشتر ندیده که همانا مادربزرگ باشد. بگذریم. از پدربزرگ شنیده بودم اولین بار اوایل فصل زمستان در روزی که برفی نبوده و سرما هم بیش از حد نبوده و آسمان هم خالی از ابر نبوده و هوا هم هیچ مشخصه خاصی از جمله پاهی بیش از حد یا کثیف بودن بیش از حد یا بهاری بودن و یا حتی زمستانی بودن نداشته، عاشق شده است. پدربزرگ دومین و سومین عشق را هم زمان با هم در اواسط تابستان تجربه می‌کند. و بالاخره بهار هم بی‌نصيب نمی‌ماند و او چهارمین بار در میانه‌های فصل بهار عاشق می‌شود، اما با توجه به این که عشق پنجم، ششم، هفتم و هشتم او همه مربوط به فصل خزان زده پاییز بودند، پدربزرگ از لحاظ آماری خزان را

بهار عشق می‌داند و از لحاظ نوستالژیک تفاوت چندانی بین فصل‌های سال برای عشق و عاشقی قائل نیست و عقیده دارد: «فصلش را ول کن، خود عشق را عشقه!» و از نظر این که عقیده دارد هیچ عشقی طعم و بوی عشق اول را ندارد، طعم و بوی عاشقی برای او با طعم و بوی زمستان عجین شده است. در این میان فصل بهار فقط برایش یادآور عشق‌های چهارم، سیزدهم، و نوزدهم زندگی‌اش است که از قرار معلوم عشق سیزدهم‌اش با بقیه عشق‌هایش تفاوت‌های فراموش نشدنی داشته است، چون هر وقت اسم عشق سیزدهم‌اش برده می‌شود، حتی در جمع و بی‌توجه به حضور مادربزرگ که ناامیدانه سعی دارد خود را نسبت به بحث در گرفته بی‌خیال نشان دهد، آه بلندی از نهادهش بر می‌آید. اصولا عدد سیزده برای او همزاد «ا» شده است. تاثیر شگرف عدد سیزده بر پدربزرگ تا بدان حد است که حتی سیزده پدرها که همه مردم و ایضا خانواده و فامیل کبیر ما عنان اختیار از کف داده و دست جمعی راهی کوه و در و دشت می‌شوند، تک و تنها در خانه چمباتمه زده و هر چند لحظه

یک بار آهی جگرخراش از انتهای نای بیرون می‌دهد. البته توجه داشته باشید که قضیه تنها مختص سیزده فروردین هر سال نبود و این داستان حتی به سیزدهم ماه‌های دیگر نیز کشیده می‌شد، به همین دلیل اهل فامیل حواس‌شان بود سیزدهم هیچ ماهی راهی خانه پدربزرگ نشوند که جز حسرت و آه خانمان برانداز چیزی نصیبشان نخواهد شد. بگذریم. پدربزرگ مودکا تاکید دارد که همان طور که عرض زندگی از طول آن اهمیت بیشتری دارد، معشوق یا به قول خودش یار و نوع ارتباط نیز از فصل عاشقی اهمیت بیشتری دارد. او می‌گوید چه بسیار عشق‌های بهاری که مفت نمی‌ارزیدند و چه بسیار عشق‌های زمستانی که خاطره‌ای خوب از خود به یادگار گذاشته‌اند. از پدربزرگ پرسیدم پس داستان این همه شعر و جمله ادیبانه و شاعرانه‌ای که پیرامون عشق در فصل بهار شنیده‌ایم چیست؟ پدربزرگ مدتی فکر کرد و بعد گفت: «نمی‌دانم.» و ساعتی بعد اضافه کرد: «شاید همه آن ادباء و حکماء عشق سیزدهم‌شان را در فصل بهار تجربه کرده‌اند! فصل مهم نیست، مهم عشق سیزدهم است.»



دیالوگ ماندگار

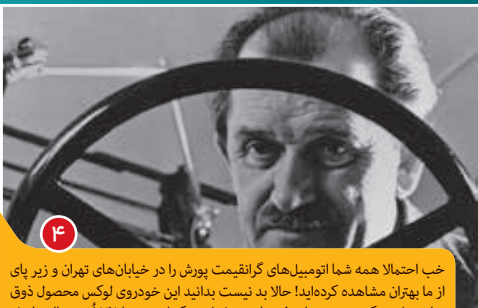


باغ‌های کندلوس – ایرج کریمی

– نازود پیر می‌شن، می‌دونی چرا؟ چون عروسک بازی شونم جدیه، رو عمر شون حساب می‌شه. از دو سالگی مادرن. بعد مادر برادر شون می‌شن. بعد مادر شوهر شون می‌شن. باباشون که پا به سن می‌ذاره از شون پرستاری به مادر و می‌خواد. گاهی وقتا حتی مادر مادر شونم می‌شن. من شوهر نکردم. ولی مادر مادرم بودم، مادر پدرم بودم، مادر برادرم بودم، تازه به همه اینا بچه‌های به دنیا نیارده رو هم اضافه کن، مادر اونا هم بودم...



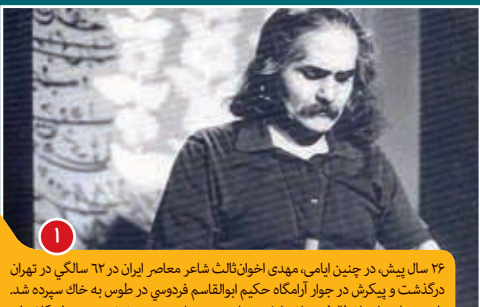
۷۵ سال پیش، برابر با نخستین روزهای شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از شمال و شرق و نیروهای بریتانیایی از جنوب و غرب از زمین و هوا خاک ایران را مورد حمله قرار دادند و ایران به رقم اعلام بی‌طرفی رسماً وارد کار و زار جنگ جهانی دوم شد. پس از اشغال ایران، راه‌آهن سراسری کشور برای انتقال کمک‌های نظامی از جنوب ایران به پشت جبهه شوروی، مورد استفاده قرار گرفت. در این تصویر یک تانک T-۲۶ متعلق به لشکر ششم زرهی ارتش اتحاد جماهیر شوروی را در حال جولان در خیابان‌های تبریز مشاهده می‌کنید.



خب احتمالاً همه شما اتومبیل‌های گرانت قیمت پورش را در خیابان‌های تهران و زیر پای از ما بهتران مشاهده کرده‌اید! حالا بد نیست بدانید این خودروی لوکس محصول ذوق صاحب این عکس یعنی جناب فریدانند پورش است که این روزها ۱۴۱ امین سال تولدش را پشت سر می‌گذاریم. فریدانند در سال ۱۹۳۱ شرکت «پورشه» را تأسیس کرد که یکی از نخستین طرح‌های این شرکت مشارکت در پروژه فولکس‌واگن بود. در سال ۱۹۳۹ اولین اتومبیل مدل پورشه با نام «پورشه ۶۶» توسط فریدانند ساخته شد. که عموماً از قطعات فولکس‌واگن در تولید آن استفاده شده بود.



فردی که در تصویر فوق مشاهده می‌کنید خورخه لوئیس بورخس، نویسنده، شاعر و ادیب معاصر آرژانتینی است که ۱۱۷ سال پیش در چنین ایامی در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین به دنیا آمد. بورخس از برجسته‌ترین نویسندگان آمریکای لاتین به‌شمار می‌رود که عمده شهرتش مرهون نگارش داستان‌های کوتاه است. او هیچ‌گاه به نوشتن «رمان» علاقه‌ای نداشت، اما داستان کوتاه‌هایش انقلابی در فهم داستان کوتاه کلاسیک ایجاد کرد، به شکلی که بعدها منتقدین از او به عنوان نویسنده پست مدرن نام بردند. بورخس با اینکه بارها نامزد دریافت جایزه نوبل ادبیات شد، هیچ‌گاه برنده آن نشد.



۲۶ سال پیش، در چنین ایامی، مهدی اخوان‌ثالث شاعر معاصر ایران در ۶۳ سالگی در تهران درگذشت و یکرش در جوار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در طوس به خاک سپرده شد. نام و تخلص اخوان ثالث در اشعارش م.م. امید بود. او در سرودن شعر به سبک کلاسیک، قصیده‌سرایی، غزلسرایی و شعر نو توانمند بود. همچنین به نوآرنگی تار و مقام‌های موسیقایی آشنایی داشت. اخوان‌ثالث در اواخر عمر خود به‌عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های تهران تدریس می‌کرد. «رافنون»، «زمستان»، «آخر شاهنامه»، «برگزیده شعرها» و «حرم سایه‌های سبز» از جمله دفتر شعر او هستند.



۵۴ سال پیش، برابر با دهم شهریور ۱۳۴۱ خورشیدی، مقارن ساعت ۱۱ صبح، زلزله‌ای بسیار شدید که کانون آن شهرستان بوئین‌زهرآ - از توابع قزوین - تشخیص داده شد، بخش وسیعی از ایران را لرزاند. در اثر این زلزله که از شدیدترین زمین لرزه‌های یک‌قرن اخیر به‌شمار می‌رفت، بیش از ۲۵ هزار نفر کشته و ده‌ها هزار نفر دیگر زخمی و بی‌خانمان شدند. در زلزله بوئین‌زهرآ که در سرزمینی به وسعت ۴۰ هزار کیلومتر مربع روی داد، بیش از ۱۱۰ روستا یا خاک یکسان شد. این زلزله یکی از شدیدترین زمین لرزه‌های ثبت شده در ایران به‌شمار می‌رود.



۸۶ سال پیش، یکی از همین روزها، غلامرضا تختی، کشتی‌گیر برجسته ایرانی، در محله خانی‌آباد تهران به دنیا آمد. تختی با یک مدال طلا و ۲ مدال نقره المپیک، ۲ طلا و ۲ نقره قهرمانی جهان در فهرست برترین‌های قرن فیلا در جایگاه سیزدهم قرار دارد. از یکی از ۳ کشتی‌گیر ایرانی (در کنار امامعلی حبیبی و عبدالله موحّد) است که تصویر آنها در تالار افتخارات فیلا نصب شده است. جمع‌آوری کرد برای زلزله‌زگان بوئین زهرآ و حمایت از نهضت ملی‌شدن صنعت نفت از جمله صفحه‌های درخشان زندگی غلامرضا تختی در طول حیات او بود.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محسن پیرهادی
زیر نظر شورای سردبیری
تیم هنری: سید محمد حسینی، نفیسه بنان
امور مشترکین و آگهی‌ها: ۰۶۴۴۷۰۰۲۱۸۸۰
آدرس: بزرگراه کردستان جنوب،
بعد از بزرگراه حکیم، خیابان ۲۷،
خیابان اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۰
شبکه فروش: شرکت نشر گستر امروز
۰۶۹۳۳۳۳۳
ویراستار: زهرا خانیانی
چاپ: رواق روشن مهر

www.shahromid.org
Info@shahromid.org
@shahr.omid
Shahromid

سخن هفته

امام علی علیه السلام

اِذَا هَبْتَ اَمْرًا فَفَعْ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ اَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ.

هرگاه از کاری هراس و بیم داشتی، خود را در آغوش همان کار بیفتن، چرا که سختی پرهیز و هراس، بزرگتر از خود آن چیزی است که از آن می‌ترسی.

نهج البلاغه، حکمت ۱۷۵

حکایت

سنگ تراش

سنگ تراشی که از شغل خود ناراضی بودو احساس حقارت می کرد روزی از نزدیکی خانه بازرگانی ردشد. در باز بودو او خانه مجلل، باغ وونو گران بازرگان را دیدو به حال خویش غصه خوردو باخود گفت: «بن بازرگان چقدر ثروتمندو قدرتمنداست» سنگ تراش آرزو کرد که ای کاش مانند بازرگان باشدو از قضا در یک لحظه تبدیل به بازرگانی باچاهو جلال شد. تا مدت ها فکر می کرد که: همه قدرتمندتر است. تا اینکه یک روز حاکم شهر از آنجا عبور کردو دید که همه مردم به حاکم احترام می گذارند حتی بازرگانان. مرد باخودش فکر کرد: «کاش من هم یک حاکم بودم، آن وقت از همه قوی تر می شدم.» در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالی که روی تخت روئی نشسته بود، مردم همه به او تعظیم می کردند. در لحظه ای احساس کردنر خورشید پورای آرزودو باخودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است! او آرزو کرد خورشید بلندش پس تبدیل به خورشید شد! او با تمام نیرو سعی کرد به زمین نیابد و آن را گرم کند. پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه نزدیک شدو جلوی تابش او را گرفت. پس باخود اندیشید که نیروی ابر را خورشید بیشتر است و تبدیل به ابری بزرگ شد کمی نگذشته بود که بادی امدو او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شودو تبدیل به باد شد! ولی وقتی به نزدیکی صخره ای سنگی رسید، دید که قدرت تکان دادن صخره را نداشت. باخود گفت که قوی ترین چیز در دنیا صخره سنگی است و تبدیل به سنگی بزرگ و عظیم شد. همه بطور که باغور ایستاد بود، ناگهان صدایی را شنیدو احساس کرد که دارد خرد می شود. نگاهی به پایین انداخت. سنگ تراشی را دید که با چکش و قلم به جان افکنده است! نتیجه اخلاقی: هر انسانی قدرتمندترین فرد روی کره زمین است اگر به شناخت واقعی از خویش رسیده باشد.

شام آخر



لئونارد داوینچی نقاش و حکیم بزرگ ایتالیایی که آثار هنری فراوانی از او به جای مانده است هنگام کشیدن یکی از معروفترین نقاشی‌های خود یعنی تابلوی شام آخر دچار مشکل بزرگی شد!او می‌بایست نیکی را به شکل عیسی (ع) و بدی را به شکل یهوذا، یاران و حواریون مسیح که هنگام صرف شام تصمیم گرفت به‌لوحیات کند، تصویر می‌کرد. داوینچی مدت‌ها فکر کرد، اما به نتیجه نرسید!او می‌بایست مدلی زنده‌ای نقاشی این دوشخصیت پیدای می‌کرد پس کار را نیمه تمام،رها کرد تا مدل‌های آرمانی‌اش را پیدا کند. روزی در یک مراسم همسرایی، تصویر کامل مسیح را در چهره یکی از جوانان همسر یافت. جوان را به کارگاهش دعوت کرد و از چهره‌اش انودها طرح‌هایی برداشت. سه سال گذشت، تابلو شام آخر تقریباً تمام شده بود اما داوینچی هنوز برای پودا مدل مناسبی پیدا نکرد. به‌بود کار دینل مسئول کلیسا کم کم به‌لوفشار می‌آورد که نقاشی دیواری را زودتر تمام کند. نقاش پس از روزها جستجو، جوان شکسته و ژنده پوش و مستی را در جوی آبی یافت. به زحمت از دستپاش خواست او را تا کلیسا بیاورند، چون دیگر فرصتی برای طرح برداشتن نداشت. گدای ژنده پوش را که در دست نمی‌فهمید چه خبر است، به کلیسا آوردند. دستپازان سرپا نگه‌اش داشتند و در همان وضع، داوینچی از خطوط بی‌تقوایی، گناه و خودپرستی که به‌خوبی بر آن چهره نقش بسته بود، نسخه برداری کرد. وقتی کارش تمام شد آن جوان که دیگر مستی از سرش پریده بود چشم‌هایش را باز کرد و نقاشی پیش رویش را دید و با آمیزه ای از شگفتی و اندوه گفت: «من این تابلو را قبلاً دیده‌ام!» داوینچی با تعجب پرسید «چه موقع؟» جوان ژنده پوش جواب داد: «سه سال قبل، بیش از آن که همه چیزم را از دست بدهم، موقعی که در یک گروه همسرایی او می‌خواندم، زندگی پر رویایی داشتم و هنرمندی از من دعوت کرد تا مدل نقاشی چهره عیسی (ع) شوم.» نتیجه اخلاقی: شیطان و فرشته وجود آدمی هر لحظه همراه ما هستند و ما تصمیم می‌گیریم به کدام یک میلان بدهیم.



شهرامید

شماره ۱۶

www.yari.shahromid.org

شماره تلفن جهت سفارش و هماهنگی:

۰۹۳۵۶۶۷۷۵۷ - ۰۹۳۵۶۶۷۷۴۷ - ۸۸۳۵۹۱۷۲

با سفارش (اجاره) تاج گل‌های مصنوعی و نمادهای تسلیت که تنها در هزینه های شما صرفه جویی می شود بلکه هزینه پرداختی شما صرف امور خیریه در قالب کمک به محرومین و نیازمندان خواهد شد و سادی روح متوفی و بهره مندی نیازمندان ، ثمره آن خواهد

با سفارش (اجاره) تاج گل‌های مصنوعی و نمادهای تسلیت که تنها در هزینه های شما صرفه جویی می شود بلکه هزینه پرداختی شما صرف امور خیریه در قالب کمک به محرومین و نیازمندان خواهد شد و سادی روح متوفی و بهره مندی نیازمندان ، ثمره آن خواهد